

شنبه ۱۰ دلو ۱۳۶۰
۳۰ جنوری ۱۹۸۲
شماره (۴۳ - ۴۴)
سال ۳۳
قیمت يك شماره ۱۳ - افغانی



ژوندون

د اطلاعات او کلتور وزارت





بیرک کارمل با مو سفیدان و بزرگان مردم ز حمتکش بدخشان صحبت نمودند.

دکتو رانا هیتا راتب زادعضو بیروی سیا سی ح.د.خ.ا و رئیس سا زما ن دمو کرا تیک زنا ن افغا نستنا ن بد عو ت و یلما سپین دو کاسترو عضو علی ا لبد ل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمو نست کیو با و رئیس فدراسیون زنان کیو با برای یک بازدیدرسی و دو ستانه از آنگشور در را س هیأتی روز ۷ دلو عا زم ها وانا شد .

دکا بل بنار د گو ندی کمیٹی پر غی و اود کابل د بنار د نا حیو دگو ندی کمیٹیو پر منشیا نو باندی دافغا نستنا ن د خلک د مو کرا تیک گو ند د غی یقو ب کار تو نه ددلو ی په خلور مه نیته د یو لمر مرا سمو په ترخ کی دافغا نستنا ن د خلک د مو کرا تیک گو ند د مرکزی کمیٹی په مقر کی وو یشل شول .

کنفرا نس های نا حیو ی حزبی شهر کابل بخاطر تاید و پشتیبانی از مصوبات هفتمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و انتخاب نمایندگان برای اشتراک در کنفرانس شهر ی حزبی روز ۶ دلو در کابل آغاز یافت .

دهیواد د ستر عا ز ف شیخ - بستنا ن بر یخ د مینی خلو رسوم تلین ددلو ی په ۱۱ نیته دیوی غوندی په ترخ کی د آریانا هو تل په تالار کی و نما نخل شو .

عضو بیروی سیا سی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای وزیران ح.د.ا در عمارت کمیته دولتی پلان، گذاری دایر گردید .

دافغا نستنا ن ددمو کرا تیک جمهوریت د وزیرانو د شورار رئیس سلطانعلی کشتمنددلو ی په دیارلسمه نیته دیلان جوړولو په برخه کی دافغان، شوروی د همکاری دفرعی کمیسیون له رئیسانو او غړیو سره د وزیرانو د شورایه مقر کی ومنل .

نویسندگان و شعرا تفویض گردید .

از طرف بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای انقلابی ح.د.ا تلگراف تبریکه بمناسبت سی و سومین سالگرد روز جمهوریت هند عنوانی نیلام سنجی واریدی رئیس جمهور هند به دهلی مخابره شده است .

پنجمین جلسه عمومی شورای اقتصادی ح.د.ا روز ۲۹ جدی تحت ریاست سلطانعلی کشتمند

کارت نمبر اول عضو یست اتحادیه نویسندگان و شعرا ی ح.د.ا روز ۱۰ دلو به بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب مو کرا تیک خلق افغانستا ن و رئیس شورای انقلابی ح.د.ا در لیکه فدا محمد د هشتین عضو کمیته مرکزی و مسوول شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و اعضای شورای مرکزی اتحادیه مزبور حاضر دند در مقر شورای انقلابی سطر دکتور اسدالله حبیب یس شورای مرکزی اتحادیه



د اناهیتا راتبزاد عضو بیروی سیاسي کمیته مرکزی حزب و رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان قبل از عزیمت جانب هاوانا در میدان هوایی بین المللی کابل با مشایعین.

پیکر و نه دوت

«مردم کشور ما با هم بسج سده و در راه مبارزه برحق شان پیروز شدنی هستند و عالی ترین و مقدس ترین وظیفه حزب و اعضای رزمنده آن خدمت به مردم زحمتکش افغانستان می باشد»
بیرک کارمل

یکشنبه ۱۱ دلو ۱۳۶۰ - ۲۱ جنوری ۱۹۸۲

پیشاهنگ طبقه کارگر افغانستان در آستانه رویداد عظیم تاریخی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که از اوایل دهه چهل تاکنون پیشاپیش نهضت و ترقی در وطن مبارزه کرده و با تاجار و سمن گرانبها از پیکار و نبرد انقلابی در راه دگرگونی های عمیق اجتماعی و سیاسی به نفع زحمتکشان آگاهانه به پیش می رود و نقش سازنده خویش را در تاریخ کشور حک می نماید.

نیازی به التبات ندارد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان درین مدت کوتاه تاریخی مصدر خدمات ارزنده ای به خلق بلا کشیده و ستمدیده وطن گردیده ازین رو افتخار خصوصیت سیاه ترین نیرو های ارتجاعی امپریالیستی را کما یی نموده و با اینکه مورد حملات وحشیانه دشمنان طبقاتی زحمتکشان از جهات مختلف قرار گرفته با نیرو مندی به پیش می رود و با در نظر داشت تجارب گذشته با آرایش نوین و انقلابی راهش را به جلو بازمی نماید و به اساس شرایط و نیاز مندی های مشخص زمان اقدامات انقلابی را در روند انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان روی دست می گیرد.

کنفرانس سر تا سری حزب

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مژده تدویر آن را همه اعضای حزب و مردم زحمتکش افغانستان شنیده اند در حیات حزب شهیدان و قهرمانان وطن به یقین فصل نوینی را خواهد گشود که برای آینده های تابان و سعادت مند مردم افغانستان نقش سازنده ای را ایفا خواهد نمود چه :

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از کنگره اول تاکنون در روند پیکار انقلابی تجارب نهایت ارزشمندی را بدست آورده که با شرف و وجدان انقلابی درین کنفرانس سر تا سری حزب ضمن توجه به تجارب و درس های تاریخی آن چگون گردان پیشاهنگ و پیکارگر یکبار دیگر آگاهانه و انقلابی راهی را که طی گردیده با بصیرت انقلابی به بررسی خواهد گرفت و در روشنی جهان بینی انقلابی طبقه کارگر بدون هراس نقد خواهد نمود.

نیرو مندی یک حزب پیشاهنگ انقلابی در طول تاریخ وقتی به التبات رسیده می تواند که حزب با شرف و وجدان انقلابی اعمال گذشته را به

بررسی گیرد و اگر اشتباهی در کار بود به آن انگشت انتقاد گذاشته و روحیه انتقاد از خود را که خوشبختانه این روحیه روز تاروز در حزب ما گسترش و بهنا می یابد. بپذیرد.

کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان با چشم بینا خم و پیچ های راه مبارزه و زیکزاک های دوران های طی شده را مطالعه نموده و ضمن بررسی همه جانبه آن، راه آینده حزب را روشن ساخته و وظایف و رسالت مبارزان انقلابی افغانستان آزاد و سر بلند را بر جسته می نماید.

جریان انتخاباتی نمایندگان در سازمان های اولیه حزبی می رساند که حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وحدت آهنین انقلابی که نیازی شرف و عقل انقلابیون شرافتمند است آگاهانه برای این رویداد عظیم و تاریخی آمادگی گرفته و روز تا روز درین راه به پیش می روند.

به پیش در جهت تدویر کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

در این شماره

تدویر کنفرانس سر تا سری ج. ۲-۱۰ رویداد بزرگی است در حیات حزب و جامعه ما.

آنها که جایزه هارا ربودند.

۲۶ جنوری یاروز آزادی جمهوریت هند.

قاتول کله وزید!

واقعات مهم سال ۱۹۸۱.

این رسم تست که ایستاده بمیری.

جستجو برای استحصال نفر در کشور بهناور هند.

زن قرب خورده.

تساوی حقوق اقوام و ملیت های کشور دست آورد دیگری از مرحله نوین انقلاب است که در سکوخته تور.

مبارزه مردمان جهان و فیات ملیونها طفل در سال میشود.

تجربه

پیوستن به صفوف قوای مسلح عالیترین مظهر

وطن پرستی و مردم دوستی است

رساند تا با تطبیق این بر نا مه های عالی زمینه های زیست هر چه بهتر برای فرزندان میهن عزیز ما آماده گردد و از رنج و عذاب مادی و معنوی در سر زمین مقدس ما سراسر غنی نباشد. از این رو است که هر روز جوانان آگاه و انقلابی ما به صفوف قوای مسلح قهرمان کشور رجوع می نمایند و بطور داوطلب به منظور ادای دین بزرگ مادر وطن یعنی انجام دهنده تکلیف عسکری در تحت درفش دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار می گیرند و بزرگترین وجیه ملی و قانونی خویش را ادای می سازند.

جوانان ما امروز می دانند که اردوی قهرمان ما بحق اردوی پاسدار انقلاب شکوهمند نور، سرزمین مقدس ما و حامی آزادی شرف و منافع همه خلایق کشور محبوب ما می باشد و اردوی حماسه ساز ما دیگر آن اردوی نیست که از منافع چند چاکر گوش بفرمان ارتجاع و امپریالیزم یا چند حاکم و زمامدار مستبد دفاع بعمل آورد، بلکه اردوی ما امروز اردوی مردم بوده در خدمت مردم انقلاب و وطن مافرا دارد و بایست با همه نیرو و توان موجود در راه تقویت و استحکام هر چه مزید آن کوشید و صفوف رزمندگان را قوت بیشتر بخشید از این جهت است که هر جوان آگاه و وطن پرست ما با بسپار

بقیه در صفحه ۵۳

راه های سعادت و خوش بختی را برخایشان گشوده است. طعانه و صاد قانه دفاع بعمل آورند و لی جوانان و وطن پرست و با غرور سرزمین ما که از نیروی سرشار مادی بهره کافی دارند در صف اول مدافعین انقلاب آزادی بخش نور و دست آورده های دوران ساز آن قرار می گیرند و از آن جاییکه بهترین مظهر وطن پرستی و مردم دوستی پیوستن به صفوف قوای مسلح است جوانان ما به گونه روزافزونی به قوای مسلح قهرمان و حماسه آفرین خویش روی می آورند و با پیوستن به صفوف رزمندگان سنگر مدافعین انقلاب ملی و دموکراتیک نور را بیش از پیش نیرومندتر می سازند.

امروز جوانان و وطن پرست میهن ما بدین امر باور کامل دارند که بدون موجودیت یک فضای آزاد و صلح آمیز نمیتوان به هیچگونه فعالیت ثمر بخش اقتصادی و یا اجتماعی دست یازید بنابراین بایست با همه نیرو و توان موجود در راه قلع و قمع دشمنان انقلاب نور و محو و نابودی باند پت های صا در شده از خارج این اجیران گوش به فرمان ارتجاع و امپریالیزم که موجب برهم زدن فضای آرام، آزاد و صلح آمیز میهن انقلابی ما می گردند کوشید و با تمامین امنیت کامل در دورترین زوایای کشور حزب و دولت انقلابی خویش را در امر تطبیق پلان های بزرگ و عام المنفعه آن یاری

ملی و دموکراتیک نور را در کشور به پیروزی رسانند و حاکمیت زحمتکشان کشور را اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران و کلیه رنجبران جامعه بجای استبداد بیرحمانه دودمان تاریخ زده یحیی عملاً مستقر گردانند.

بعد از پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک نور و استقرار قدرت زحمتکشان افغانستان همه آن هایی که منافع حریصانه شان را در سرزمین پهناور ما از دست داده اند در سنگر ضدیت با انقلاب آزاد یبخش مردم افغانستان یعنی انقلاب نور و دست آورده های دوران ساز آن قرار گرفتند و به زعم خود می خواهند انقلاب ملی و دموکراتیک نور را به شکست مواجه ساخته آزاد یهایی را که مردم ما در اثر پیروزی انقلاب شکوهمند نور بدست آورده اند از آن ها باز گیرند و پیشرفت های روز افزون مادی و معنوی ایشان را سد واقع گردند.

ولی غافل از این اند که همین فرزندان پرورده این دیار غرور آفرین یعنی افغانستان انقلابی که به اراده خویش و به قدرت با زوی خود انقلاب را پیروز گردانیده اند امروز حاضر اند تا با همه نیرو و توانی که در بدن دارند از آن دفاع بعمل آورند.

امروز همه و طنداران شرافتمند ما که در رگ رگی از وجود ایشان حس و وطن پرستی و مردم دوستی در جریان است آمده اند تا با تار و عنق خویش از انقلاب ملی و دموکراتیک نور انقلاب یک

وطن محبوب ما تاریخ درخشان دارد که هر صفحه ای از صفحات زرین آن مملو از کارنامه های حماسه ساری ها و پیکارهای افتخار آمیز پدران با شهادت ما در امر دفاع از وطن در برابر هر دشمن وطن و هیر تجاوزگر خارجی به میهن ما می باشد.

قهرمانی ها می را که با شنده گان این سرزمین دلیران و شیر مردان در برابر استعمار بد نهاد انگلیس در امر دفاع از ناموس و وطن از خود نشان داده اند تا آخرین لحظات موجودیت بشر بروی سپارده ما در دل تاریخ کشور نقش پر حجب خواهد بود و ما به غرور و افتخار نسل های کنونی و آینده کشور ما را تشکیل خواهد داد.

اری! همین زحمتکشان دلیران و حماسه ساز افغانستان قهرمان اعم از پشتون ها، تاجک ها، ازبک ها، هزاره ها، ترکمن ها، بلوچ ها، نورستانی ها و غیره اقوام، قبایل و ملیت های مختلف ساکن میهن محبوب ما بودند که دست و حدت و یکپارچگی بهم داده اند و استعمار کهن انگلیس را در سرزمین مقدس خویش بزانو در آورده استقلال سیاسی کشور را حاصل نمودند و همین مردمان عذاب دیده میهن ما بودند که در فضای وحدت و یکپارچگی در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان برضد استبداد سیاه دودمان یحیی به مبارزه برخاستند و با نیروی بازان توانای خویش انقلاب

گردهم آبی های اختصاصی ژوندون

مسائل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی

و فرهنگ و هنر
در بونه نقد و انتقاد

دشواری های همگانی مردم در زمینه

مسائل ترافیکی و ترانسپورتی

پیوسته بگذاشته

طرح و تنظیم: روف رامع

حکیم: راحله راسخ خرمی

درین جدول

- ۱- سمونوال احمدعلی احمدیار رئیس ترافیک.
 - ۲- سمونمل عبدالصیر شهپر معاون ریاست ترافیک.
 - ۳- سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیک شهر کابل.
 - ۴- محرم علی مایون بناروالی کابل.
 - ۵- سمونمل عبدالباقی آمربلان ریاست ترافیک.
 - ۶- غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام های ملی بس.
 - ۷- احمد غوث زلمی ژورنالیست.
- شرکت داشتند.

رووف را صغ:

به نظر من این درست نیست که مادر همه ی زمینه های اجتماعی و مواردی که قوانین و مقرره های گوناگون به وسیله افراد در شرایط کشور های عقب نگذاشته شده رعایت نمیگردد مردم را مقصر بدانیم و حجم توقعات خود را در تطبیق همگانی آن بلند ببریم، چنین نظر داشتی را ارگان های اجرایی در شرایطی نمیتوانند داشته باشند که مردم از نظر سطح آگاهی اجتماعی در حدی باشند که رعایت قانون و مقرره

میشوند و در پاك نگهداری كوچه، محله و محیط زیست خود وقت میکنند و زمانی که به اهمیت رعایت مقرره های ترافیک در زمینه جلوگیری از حوادث به درستی واقف باشند، نه تنها به هیچ صورت از آن تخلف نمیکند بلکه نواقص و مصایب کار را نیز به ادا رات مسوولان گوشزد میکنند به این دلیل است که از نظر ژوندون اداره ترافیک برای رفع نابسامانی های خود و واداری مردم به رعایت لوایح و مقرره های ترافیکی و هم چنین ایجاد شرایط بهتر نظم و امن ترافیکی ضمن آنکه با افزایش فزایش فعالیت خود در خط اندازی سرک ها، امور ساختمانی ترافیکی، به وجود آوری پارکینگ ها و توسعه اشاعات ترافیک با ید تبلیغاتی گسترده از راه رادیو، پوستر، فلم، ویدئو به وسیله یو نت های سیار داشته باشند و فقط به يك یا چند مقاله، مصاحبه و گزارش مطبوعاتی اکتفا نكند.

مدیر ترافیک شهر کابل:

با تأیید گفته های محترم راصع خاطر نشان میسازم که اداره ترافیک نیز از اهمیت ویژه این گونه اقدامات ناآگاهانه نبوده و در چوكات شرایط و امکانات فنی و پولی خود تا جای امکان چنین زمینه هایی را فراهم آورده است به عنوان مثال مدارس های کوه تاه مدت آموزشی فراوانی را تاکنون برای رانندگان و سایل ترافیکی در ساخت

و کوشیده ایم با آشنا ساختن مشمولان کورسها به اصول و مقرره های ترافیک و افزایش و مقرره های ترافیک و افزایش دادن نشتی های آنان در این مورد، زمینه جلوگیری از تخلفات را فراهم آوریم، شعارها و اندرزهای ترافیکی بیشمار را در تمام نقاط مزدحم شهر و چارراه های ویلاکات ها نصب ساخته ایم و با نشرات مطبوع ذوقی و مانند چاپ جنتری های جیبی و توزیع مجانی آن کوشیده ایم. علاوه بر اینها ترافیک را به هموطنان بشناسانیم، هم چنین به صورت پراکنده همیشه نشرات را دیوپی در خلال پروگرام های رادیو داشته ایم که من هم تا نید میدارم همه ی اینها تا کافی است و باید با حجم بیشتری به اجرا آید، در مورد استفاده از نشرات رادیویی به گونه ای که بر نامه مستقلا داشته باشند با شیم تا کنون با رها این خواهش را با ریاست نشرات رادیو به طرح آورده ایم که متاسفانه تراکم بر نامه های رادیویی و موجود نبودن فرصت رادیویی این مجال را از ما گرفته است، هم چنین آموزش علائم و اشاره های ترافیکی از راه یک برنامه کوتاه مدت تلویزیونی مورد نظر ما بوده و هست که امید داریم ریاست تلویزیون در این زمینه با ما به توافق آید.

آمریلان ریاست ترافیک :

در پهلوی برنامه های زود آمد و روزانه تبلیغات که در موارد یاد شده مرتب به انجام می آید ترافیک به خاطر آنکه زمینه تعلیمات ترافیکی را به صورت بنیادی فراهم آورد دست اندر کار آن است که در دوره ابتدایی مکاتب مطالب مربوط به ترافیک شهری و شناسایی علائم و اشارات ترافیکی و سایر موارد نیازمندی دیگر در همین رده به شکل یک مضمون تدوین گردد و مشاورین فنی ما در این مورد نظراتی دادند که اگر به اجرا آید و مورد توافق مسوولان بخش تعلیم و تربیه قرار گیرد کودکان ما از همان سنین خود سالی میتوانند در حد توانایی ذهنی واندیشوی خود آگاهی ترافیکی داشته باشند.

و در جریان دوره های آموزشی سالانه خود زمینه های را فراهم آورند که نسل آینده در همه جای کشور نظم و انضباط ترافیکی را جزء از و جابجایی خود تلقی کند و شرایط حادثه ساز را از میان بردارد، گفت و شنود و مطالعه و پژوهش در مورد به اجرا آتی این طرح که در شمار برنامه های دیر ام است ولی از ارزش و ویژه برخوردار می باشد در دست است و به احتمال بخشی از آن سال آینده به کمک وزارت تعلیم و تربیه به اجرا خواهد آمد در مورد به انجام آوری بیشتر تبلیغات و گسترش ساحه کار رادیو تلویزیونی من عقیده دارم که ارگان های رادیو و تلویزیون باید چنین برنامه های را که محتوی آنها مطالب مربوط به آموزش ترافیکی تشکیل دهد در شمار پروگرام های تعلیمی خود بپذیرند، چه به همان دلایلی که قبلا گوینده محترم به آن اشاره کردند در شرایط کنونی استفاده از نشرات مطبوع برای اکثریت مردم ما به خاطر بی بهره بودن از سواد میسر نیست و رادیو تلویزیون از امکانات گسترده تر برخوردار است که با استفاده از آن میشود به گونه ای برنامه های نشراتی را به اجرا آورد که هم آموزشی و هم ترافیکی باشد و هم دو قی و مورد خواست شنوندگان و بینندگان.

غوث زلمی :

گرچه از نظر من هم اختصاصی یک برنامه را دیوپی کوتاه مدت که محتوی آن مسایل آموزشی ترافیکی باشد در شرایط کنونی حتمی است اما تا نامین این منظور اگر مشکلاتی در برداشته باشند این امکان هم همیشه برای تهیه کنندگان برنامه های رادیویی وجود دارد که با حفظ مشی عمومی برنامه خود نکات آموزشی را پیرامون مسایل ترافیکی در آن بگنجانند که اگر چنین شود هر روز شنوندگان مجال میباشند از خلال برنامه های گوناگون با مساله ترافیک و دشواری های آن نیز در تماس ذهنی باشند و مطالبی بیاورد به عنوان مثال یادآور میگردم که همین اکنون برنامه در پیچه زندگی با چنین

مشیه به کار خود دوام میدهد و هر روز ضمن بازگویی مسایل ترافیکی در قالبی ذوقی و زبانی ساده و بی پیچیده میگوئیم که نوا ده ها رابه نکاتی توجه دهیم که کمتر به آن علاقه گرفته اند و در همین شمار مطالب است اشاعتی به مسایل ترافیکی در هریک از برنامه های ما و توجه دادن مردم اعم از راننده و عابر پیاده به رعایت مقرره ها و ولایح ترافیکی.

رووف را صبح :

یکی از دشواری های عمده ای که در کار ترافیک و ترانسپورت شهری وجود دارد مشکل پس های شهری است، مشکلی که هر روز کمتر هم شهری است که عملا با آن برابر نیاید و روبرو نگردد دریک بررسی کلی میتوان عمده ترین شکایات مردم در این زمینه را که هر روز نیز پهنای بیشتر می آید و در گستره وسیع تر طرح میگردد به دو بخش تقسیم کرد : یک کمبود تعداد سرویس های شهری در خطوطی که در آن فعالیت دارند و دو عدم یک شیوه اجرایی مرا قبتی از امور سرویس ها که مشکل اول را نیز بیشتر از آنچه است مایه دهد می کنند.

در مورد کمبود تعداد سرویس های شهری سخن را به نمایند مسوول ملی پس میگردیم که در این زمینه معلوما ت دهند این مو سسه برای رفع این دشواری همگانی چه طرح هایی را در دست اجرا دارد، اما آنچه مربوط به میگردد عدم یک شیوه مرا قبتی از امور پس های شهری، سخن در این زمینه آنقدر زیاد است که بازگویی همه مثنوی هفتاد من کاغذ میگردد و ناچار فقط به شماری عمده ترین موارد آن اکتفا می کنیم :

۱- بیشتر رانندگان ملی پس در چه سوم و حتی چهارم رانندگی را در دست دارند در حالیکه باید تمام جوازهای رانندگی راننده های این مو سسه درجه اول باشد، بی تجربه گسی و ناوادی رانندگان به امور فنی رانندگی اغلب منجر به حوادث ترافیکی در شهر میگردد. رانندگان و کلنیرهای پس های شهری رفتاری خشن و اغلب اها نست آمیز دارند و را-

کبین به این سبب شکایتی فراوان ابراز میدارند. ۳- در حالیکه در برخی از خطوط شهری تکت از غرض ها فروش میگردد و این روش با ید در همه ی خطوط به کار گرفته شود با زهم کلنیرها در داخل سرویس جان مردم رابه لیب می آورند و از هر را کب در ازدحام و بیرو بار چندین بار تقاضای نشان دادن تکت خریداری شده اش را دارند.

۴- در هریک از سرویس ها به حدی اضافه سوار و بیرو بار ناشی از آن وجود دارد که در داخل سرویس به مشکل نفس کشیده میشود.

۵- برنامه حرکت سرویس ها منظم نیست و در هر ایستگاه گاه اتفاق می افتد که نیم ساعت از مر کوب خبری نیست و آنگاه هم که میرسد چند عرا ده با هم یکجا حرکت کاروانی را تشکیل داده اند.

۶- تقسیم سرویس ها در خطوط شهری به اساس و نظر گیری تعداد استفاده کنندگان نیست در حالیکه ملی پس باید از تعداد استفاده کنندگان هر خط شهری به صورت تقریبی آگاهی داشته باشد و تقسیم سرویس ها بر اساس همین آمارها صورت گیرد.

۷- داخل سرویس ها کثیف است و به نظافت آن توجه نمی گردد.

۸- برخی از پس ها خرابی فنیکی دارند و بی آنکه به آن توجه گردد در داخل شهر به فعالیت خود دوام میدهند تا به کلی از حرکت بازمانند و سواری خود را به خدا سپارند.

۹- مو ترها در ایستگاه های تعیین شده توقف نمیکنند و این در حالی است که جای بسی حتی آویزان شدن و جود نداشته باشد و لی گناه کسی که در همان ایستگاه قصد پیاده شدن را دارد چیست ؟

۱۰- ملی پس به شکایت مردم توجه ندارد و همیشه گوش کرخود را به جانب شاکیان دارد و مانند این ها :

بقیه در صفحه ۵۴

تدویر کنفرانس سر تاسری ح، د، خ، ا

رویداد بزرگی است در حیات حزب و جامعه ما



فاروق تلاش منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل

را ارمغان حزب و مردم زحمتکش جامعه ما خواهد نمود گفت:

تدویر کنفرانس سر - تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خط مشی جاری حزب را معین و در زمینه رهنمود ها بی را بحیث برنامہ عمل تر تیب و تهیه خواهد کرد. کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه یکپارچگی و وحدت ارگانیک حزب را معانی نوی را تأمین و انکشاف خواهد بخشید که از این طریق را بطه حزب را با توده هادر امر وحدت حزبی و اتحاد کلیه نیرو ها محکمتر خواهد نمود.

کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه تأمین و تقویت روحیه برادری بین ساکنین افغانستان و حقوق ملیت ها سهم بزرگی را اداء خواهد کرد. کار و تقویت امر سا زمان دمی در ارتباط با توده ها مسئله حیاتی را در کنفرانس تشکیل خواهد داد و در نهایت سمت بخشیدن سیستم اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور از وظایف کار کنفرانس خواهد بود.

منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل بجواب این سوال که انتخاباتی که در این ناحیه به منظور تعیین نماینده گان صورت پذیرفت در چه فضایی بعمل آمد و از چند نفر از اعضای مربوط به ناحیه چه تعداد آن ها انتخاب شدند چنین اظهار داشت: انتخاباتی که در مربوطات ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل

تدویر این کنفرانس عظیم رویداد بزرگی است که جهت ارزیابی از وضع عمومی سیاسی و فعالیت های عملی حزب، دولت و دیگر سازمان های اجتماعی و مسایل سیاسی و فعالیت های عملی حزب، وحدت تمام اعضای حزب، معنویت گروپ ها و فرکیسون با زی ها در حزب و همچنین تفهیم اعضای حزب به وظایف خطیر آن ها دایر خواهد گردید.

این کنفرانس شکوهمند که دارای اهمیت ملی و بین المللی می باشد موقع آن را مساعد میسازد تا در مورد تأمین صلح و دفاع از دست آورد های انقلاب شکوهمند نور و قلع و قمع دشمنان انقلاب و مردم تصمیم جدی اتخاذ گردد.

در ارتباط به این رویداد بزرگ تاریخی یعنی تدویر کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را پورت تر مجله با منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل و چند تن دیگر از اعضای کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل که افتخار نمایندگی سایر هم زمان خود را در کنفرانس حاصل نموده اند گفت و شنودی بعمل آورده است که در ذیل شما را در جریان مطالب آن قرار می دهیم.

فاروق تلاش منشی ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل در برابر این سوال راپورت تر ما که از نظر شما تدویر کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در شرایط کنونی چه اثرات نیکی

زیادی داشته است. حزب ما در دوران استبداد نیم قرنۀ دودمان یحیی و ادر شرایط نهایت دشوار آن زمان توانست مبارزات عادی را نه مردم زحمتکش ما را بد رستی رهبری نماید و پیروزی انقلاب شکوهمند ثور را ارمغان راه این مبارزات تبرحق ایشان سازد.

بعد از پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور و تحقق آزادی و کسب قدرت زحمتکشان افغانستان از تجار و امپریالیزم سعی نمودند تا انقلاب ملی و دموکراتیک ثور را از مسیر اصلی آن به بیراهه بکشند و اهداف وای حزب، دولت و انقلاب ما را در انظار جامعه ما و جهان وارو نه جلوه دهند ولی خوش بختانه در اثر پیداری حزب قهرمانان ما این توطئه سیاه سازمان جاسوسی ایالات متحده امریکا در نطفه خنثی گردید و انقلاب ملی و دموکراتیک ثور دوباره در مسیر اصولی خویش فرا گرفت و خوش بختانه امروز با بسیار متانت و استواری به سوی فردا های روشن و تابناک گام برمی دارد و هر گونه خس و خاشاکی نمی تواند سد راه تکامل آن گردد.

تدویر کنفرانس سر تا سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که مادر آستانۀ تدویر آن قرار داریم در شرایطی دایر میگرد که وطن مردم و جامعه ما در مقابل یک جنگ اعلام ناشده از تجارعی هم نمونیستی و امپریالستی قرار گرفته است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ((پیش آهنگ طبقۀ کارگر و تمام زحمتکشان کشور)) که بیش از هفده سال در راه آزادی و سعادت مردم زحمتکش جامعه و آبادی و شکوفائی مبین محبوب ما مبارزه نموده است و توده های وسیع و ملیونی مردم ستم دیده ما را بسوی سعادت و بهروزی، ترقی و تعالی رهبری نموده است، این راه شریفانه و نجیبانه را تا سرحد رسیدن به پیروزی نهایی با متانت و استواری و با شجاعت و دلیری ادامه می بخشد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنان حزب قهرمانی است که بحق از میان توده های وسیعی از مردم ستم دیده و عذاب کشیده جامعه ما برخاسته است و پشتوانه شکست ناپذیری چون همه کارگران، دهقانان، پیشه وران و سایر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه ما را در سطح ملی در عقب دارد.

آری! در تحت رهبری همین حزب قهرمان بود که در کشور ما انقلاب ملی و دموکراتیک ثور به پیروزی انجامید و روزنه های سعادت و نیک بختی بر رخ فردا دی از وطنداران شرافتمند ما باز گردید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این حزب شهیدان و قهرمانان در طول حیات هفده سالۀ خویش با فراز و نشیب هایی پر خورده است و از کوره راه های زیادی عبور نموده است که هر یک از آن بالای حیات و تجارب آن اثرات

صورت گرفت کا ملا دریک فضای آزاد و دمو کرا تیک بعمل آمد با پید آوری نمود که مجموع کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل به تعداد پنجصد و شصت و پنج رفیق با لغ میگرد و به اساس نورم نمایندگی یکایک از طرف کمیته ناحیه یا زد هم حزبی به تصویب رسید از هر هشت رفیق اعضای اصلی و آز - مایشی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان یک نماینده به کنفرانس نا حیوی معرفی شد که بدین حساب به تعداد هفتاد و سه نماینده به اساس نورم میکه کمیته شهری از هر بیست و هشت نفر خواسته است بیست و هشت نفر نماینده به کنفرانس شهری شهر کابل افغانستان از جمله هفتاد و سه نماینده کنفرانس ناحیوی معرفی میگردد.

وی افزود :

در انتخابات نماینده گان سازمان های اولیه حزبی مربوط کمیته ناحیه حزبی یازدهم معیار های چون ترکیب اجتماعی و ترکیب ملیت ها مد نظر گرفته شده، همچنان سابقه حزبی، شایستگی در کار و وفاداری بر آرمان های ولای حزب و انقلاب نور، دانش و آگاهی سیاسی و پرس - ستیز نمایندگی در محل کار و محیط مد نظر گرفته شده است. بهین قسم سن و جنس نیز در زمینه دید خل بوده است.

انجنیر عبدالباقی (علی) عضو کمیته ناحیه حزبی یا زد هم شهر کابل و رئیس دستگاه ساختمانی شبکه های آبیاری و زراعت آب و برق به پاسخ این پرسش ماکه نقش کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان را که برای اولین بار در تاریخ پر - شکوه کشور ما دایر میگردد بالای حیات زحمتکشان کشور چگونگی ارزیابی می کنید چنین بیان داشت :

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در تاریخ حیات حزبی از اهمیت فراوان برخوردار است، نقش این کنفرانس که برای اولین بار در کشور در شرایط خاص انقلابی که حزب و دولت انقلابی ما مستقیماً با جنگ اعلان نا شده

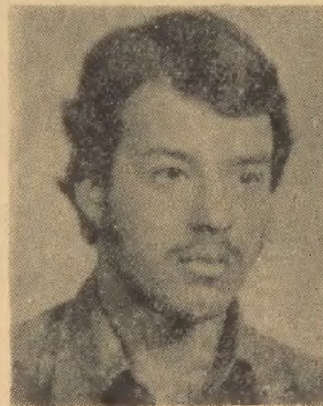
امیر یا لیزم در مبارزه و پیکار قرار دارد خیلی عظیم است، با تدویر این کنفرانس با زهم نیرو مندی و توانائی شکست نا پذیر حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان به مردم افغانستان و جهانیا نوا - نمود میگرد.

این کنفرانس خواهد توانست تغییرات بزرگی را در حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مسردم زحمتکش کشور ما بوجود آورد، همچنان این کنفرانس نقش بزرگی در امر سرکوبی ضد انقلاب و رهایی زحمتکشان کشور از شر اشرار با وحدت و همبستگی صفوف حزب و قوای امنیتی بازی خواهد نمود.

وی در برابر سوال دیگری

محمد عارف (میهن پور) عضو کمیته ناحیه یازدهم حزبی شهر کابل و آمر پروژه خیر خانه مینه راجع به تدویر کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان چنین اظهار داشت :

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان یک رویداد بزرگ تاریخی در حیات پیشرا ز هفده ساله حزب ما بشمار می رود انقلاب ثور سر آغاز حیات نوینی در زندگی حزب و مردم افغان - استان بحساب می آید، تحولات عظیمی که بعد از انقلاب ثور در جامعه ما بوجود پیوسته است، تماماً نتیجه کار و پیکار انقلابی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان می باشد. بعد از پیروزی انقلاب



محمد عارف «میهن پور»
عضو ناحیه یازدهم حزبی

شکوهمند ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب ما بحیث حزب حاکم در جامعه مبدل گردید و وظایف جدیدی در برابر حزب ما قرار گرفت، حزب نه تنها بخاطر رهبری سیاسی جامعه کار خویش راسازمان داد بلکه رهبری اقتصاد و رهبری دولت را بدوش گرفت.

کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان که در شرایط کنونی ما در آستانه تجدید ویرانی قرار داریم وظایف جدیدی را در برابر حزب ما مطابق شرایط جدید در برابر ما می گذارد.

حزب بعد از انقلاب بدست آورد در برابر ما می گذارد.

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان وظایف بزرگ و جدی را در برابر



انجنیر عبدالباقی (علی)
عضو ناحیه یازدهم حزبی

مبنی بر اینکه هدف از تدویر این کنفرانس با شکوه در شرایط انقلابی کنونی جامعه چیست و چرا در شرایط خاص انقلابی کنونی حزب قهرمان ما به تدویر این کنفرانس دست یازیده است چنین گفت :

حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان - استان با تدویر این کنفرانس تاریخی خط مشی جاری حزب، راهروشنتر خواهد نمود و اثرات بزرگی را در امر وحدت حزب ما ببار خواهد آورد. از نظر من ایجاد کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در بلند و فتن پرستیز حزب در بین توده ها و هم در استحکام وحدت ایدئولوژیک و سازمانی حزب با تطبیق اصل زین اصول رهبر حزبی ((سنترالیزم دمو کرا - تیک)) اهمیت بسزائی دارد.

اعضای حزب ما قرار داد که یکی از آن تدویر کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان می باشد کنفرانس مذکور خط مشی آینده حزب را مطابق به شرایط جدید تعیین خواهد نمود.

همچنان این کنفرانس با عظمت پرو سه وحدت حزبی را محکمتر خواهد گردانید.

میهن پور پاسخ سوال دیگری که شما بحیث یک نماینده کمیته ناحیوی می توانید بگوئید که چه رسالتی را در برابر انتخاب کنندگان خود احساس مینمایید گفت :

با ید متذکر شد که کنفرانس سر تا سر ی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در شرایطی دایر میگردد که وظایف جدید در برابر حزب پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغان -

استان قرار گرفته است. انقلاب ثور که سر آغاز مرحله جدید حیات سیاسی حزب و مردم ما می باشد کارهای بزرگی را بدوش حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان قرار می دهد. بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور کارهای عظیمی بخاطر تحقق رسالت های اهداف ولای حزب در جامعه صورت گرفته است.

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان که در این اواخر دایر گردید کنفرانس سر تا سر ی حزب را دعوت نمود تا رهنمودها و وظایف جدیدی را مطابق به شرایط مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور کارهای عظیمی بخاطر تحقق رسالت های اهداف ولای حزب در جامعه صورت گرفته است.

با ید گفت که من، بحیث نماینده در کنفرانس شهری شهر کابل وظیفه دارم تا به نمایندگی از رفقای همزم خویش سهمی در این امر بزرگ داشته باشم و آماده گی خود را هر زمان خویش را در انجام وظایف آینده ابراز نموده سهم عملی را در آن داشته باشم و هم بیام رفقای خویش را بخاطر ابراز آمادگی بیشتر آن ها در جهت انجام وظایف بعدی که در کنفرانس سر تا سر ی حزب به اعضای حزب محول می شود اعلام بدارم.



ابرا هیم طغیان که به عنوان بازیگر موفق سینما جایزه گرفت .

از : چراغ

آنها که جایزه هارا ربودند



عبدالا حمید منیر مینا تو ریست
برنده جایزه ۲ صلی میتاوری
صفحه ۱۰

اقدام وزارت اطلاعات و کلتور
در زمینه پزیرش کارهای کا-
ندی هنری، گزینش آثار ناب
و با ارزش کیفی بیشتر از میان
ارائه شده ها و اعطای جوایزی
چند به هنرمندان برگزیده در
رشته های گوناگون هنری کاری
است مثمر و با ارزش در جهت
دهی سالم هنرها و ایجاد زمینه
های رقابت میان هنرمندان کشور
ما که امیدواریم همه ساله دنبال
گردد و به این ترتیب راهی تازه
در باروری و شکوفایی هنرها

ویدید آوری آثاری ارزنده تر
به گشایش آید .

ما در این فشرده برای به شناساندن
خت آوری هنرمندان برگزیده ای
که به دریافت جایزه در بخش های
مقاومت هنری نایل آمده اند
به گفت و شنود می نشینیم و میگویم-
شیم شما را با نظرات آنان در زمینه
های هنری آشنا می دهیم :

عبدالا حمید منیر برنده جایزه
اصلی ((اول)) بهزاد در رشته
میناتور که به دریافت ده هزار
افغانی جایزه نقدی نایل آمده
نخستین کسی است از این سلسله
که با او صحبتی کوتاه داریم :
((منیر)) که تحصیلاتش را در
رشته اختصاصی هنرها و زیبای
در پوهنشی ادبیات به پایان
آورده است از سال ۱۳۴۹ به این
سو به میناتور روی آورده و علاوه
از آثار متعددی که در این
رشته به وجود آورده است کار
های دیگری نیز در مجسمه سازی، طرح
و دیزاین و پوسترسازی دارد
که قابل تعمق است ، ((نخستین
پرسش از عبدالا حمید منیر پرسیده
میشود با توجه به اینکه وی کار
های فراوان در نقاشی و میناتور
دارد از نظر او وقتی یک مضمون
و محتوی واحد در هر دو زمینه
دارد شود کدام یک میناتور و یا
نقاشی بیشتر از توانایی القای
هنری اندیشه و پیام هنرمند که
در اثر جایگزین شده است بر
خوردار می باشد ؟

در پاسخ چنین میگوید :
- ((میناتور بیشتر تابع حقیقت
یعنی است و نقاشی تابع واقعیت
از این روی چون میناتور میتواند
نمایانگر حقیقت باشد در آن
ابعاد به همانگونه که هست به
نمایش می آید و از نظر من بیشتر
نیز توانایی القای هنری را دارد و
مضمون و محتوا آسانتر به درک
گرفته میشود .))

از او می پرسیم آیا در نقاشی
و با لخصه در میناتور از سبک
خاصی پیروی میکند یا نه و از میان
میناتور چیست ها بیشتر از گی
متأثر است و سبک و یا اندیشه
وی در کارهایش مایه داده
است ؟

جواب این است که : سبکی
که از آن پیروی میکنم سبک
بهزاد است و چون از آغاز پر-

داخت به کار هنری نخست زیر
نظر استاد سعید مشعل و بعد از
آن به رهنمایی استاد هما یون
اعتمادی کار کرده است مایه های
فکری این دو هنرمند بیشتر در
آثار وی تأثیر گذاشته اند .

وی در جواب یک سوال دیگر
در این زمینه که او در کارهایش
بیشتر از رنگ های اصلی ((لاچورد،
طلا، قرمز و مانند آن)) استفاده
میکند و یا از رنگ های مصنوعی
میگوید کم دارم آثاری که در آن
رنگ های اصلی به کار رفته
باشند و بیشتر رنگهای عادی
مصنوعی است که به خاطر فراوانی
و هم ارزانی اش مورد استفاده
من است و جای دارد
بگویم که رنگهای اصلی به حدی
نایاب اند و گرانقیمت که فقط
عده ای کمی از هنرمندان که وضع
اقتصادی خوبی دارند با شنیدن
توانایی استفاده از آن را دارند
و به همین دلیل چنین آثاری اندک،
با ارزش و گرانقیمت اند .

عبدالا حمید منیر در جای دیگر از
سخن خود میگوید بیش از دو صد
و پنجاه اثر میناتور را تاکنون
به وجود آورده که بیشتر آن در
داخل و خارج کشور به فروش
رسیده است .

ابرا هیم طغیان با زیر یک
جوان سینما که بازی اش در
فلم ((جنتیکاران)) ساخت
شوق فلم را کاندید جوایز ساخت
بود ، به عنوان بازیگر موفق
شناخته شده و برایش پنج
هزار افغانی جایزه داده شد که چون
به قول خودش آنچه مورد توجه
وی قرار دارد ارزش معنوی جایزه
است و نه مادی آن پول جایزه
خود را به پرو ر شگاه وطن اهدا
کرد و خود به کسب فیض معنوی
قناعت ورزید .

طغیان که اندکی بیش از ۸
سال عمر دارد در پاسخ یک
سوال در این زمینه که تحصیلات
وی در چه زمینه و به چه مقداری است
و چرا به سینما روی آورده است
میگوید :

- فقر اقتصادی و مشغولیت
معیشت خانواده عاملی بود که
موجب گردید نتوانستم تحصیلات
را بیش از متوسط و وام ده

دکتر غلام سخی خیر خوانده جایزه ((اصلی)) در شعر پشتو است، وی که دکتر طب است برای نخستین بار قریحه شعری اش را در سال ۱۳۴۱ از مود که این سروده به گونه تشو بقی در روزنامه ننکر هار نشر گردید و بعد از آن نیز شعرهای فراوانی سرود که در روزنامه های ننکر هار، وراکه، طلوع افغان-اتحاد، بیدار، هیواد، اصلاح، مجلات پشتون ژغ، ژوندون و دیگر مطبوعات کشور به نشر آمد.



دوکتور غلام سخی خیر خواه

دکتر خیر خواه که علاوه از برنده شدن در بخش شعر جوانان سال ۱۳۵۹ در سال ۵۸ نیز موفق به دریافت جایزه در همین زمینه گردیده است در این مورد که از نظر او در شعر فورم شعری واکای شاعر به او زان عروسی ویدیع و بیان واستعاره ومانند اینها بیشتر واجد اهمیت است یا مضمون و محتوا و چگونگی بروراندن آن در شعر، پاسخ میدهد که و زان در شعر همان اهمیت را دارد که محتوی وپیام واصولا اگر شعر فاقد وزن باشد، بافت شعری نداشته باشد و نحوه بیان و به کار گرفتن کلمات و کار برد زبانی در آن نقص نداشته باشد نمیتواند مضمون و محتوی را هر چه باشد خواه عشقی و بزمی و خواه حماسی و رزمی درخود بپروراند و آنرا به درستی انعکاس دهد، به همین ترتیب محتوی با زبانه واقعیت زندگی نباشد و مضمون سست اساس کار باشد در زیبا ترین قالب های شعری و نحوه بیان زیبا هم نمیتواند نا پخته گوینده را ببوشاند از این روی شاعر باید ضمن آنکه زبان شعری را خوب بداند و به او زان عروسی نیک آگاهی داشته باشد از جهان بینشی نیز برخوردار باشد و در مضمون شعر خود زندگی و واقعیت های زندگی را انعکاس دهد و گر نه آنچه میسر آید نظم است و نه شعر.

بقیه در صفحه ۳۶

نگرندگان سینمای ما اکنون ((بچه فلم)) شده است چه احساسی دارد، میگوید:

از عنوان بچه فلم نه تنها خوشنماید بلکه بد نیز از آن بیزارم - برای من فرقی نمیکند که در يك فلم فقط در يك شات «نما» ظاهر گردم یا بازیگر نقش اول باشم و در تمام صحنه ها حضور داشته باشم، مهم این است که بتوانم نقش خود را به درستی، صداقت و موفقیت به انجام آورم و مورد انتقاد هنر شناسان قرار نگیرم.

او در پاسخ به آخرین پرسش در این مورد که از میان کارهایش در زمینه بازی سینمایی خود کدام را بیشتر می پسندد و چرا میگوید:

از نظر خود هیچ بازی من شایسته خالی از اشتباه نباشد چرا با آن موازین و ضابطه هایی که من برای يك بازی خوب قایلم همیشه باید در کار آموزش و آموختن باشم و از نظر هنرمند آنگاه که تصور کند کارش کامل و بی عیب است از پویایی بازی میماند و در واقع از رشد و شکوفایی میافتد بگذارد دیگران وبالاخصه آنانی که هنر سینما را به درستی میشناسند قضاوت نگر خوب باید باشند و رهنما برای بهبود کار که این مرا بیشتر خوش آیند است تا خود ستایی وازگفتن های متداوم.

• • •

هنوز نو جوان بودم که به سینما علاقه گرفتم و چون استعدادی در خود سراغ داشتم و ذوق و عشقی فراوان به این هنر همینکه گشایشی در کار معیشت پیش آمد عازم کشور هند شدم تا در ((پونه)) انستیتوت آن کشور به تحصیل پردازم که بخت یاری نداد و در همان سال بخشی اکشن ((هنر تمثیل)) این انستیتوت مسدود گردید و ناچار واپس به کشور برگشتم در سال ۱۳۵۶ يك دوره آموزش کوه تاه مدت را در تهران در رشته فلمبرداری گذراندم.

از او پرسیده شد از چه زمانی فعالیت سینمایی خود را به آغاز گرفته و در کدام فلم ها نقش داشته است؟ گفت:

نخست سمت معاون فلمبرداری دار در فلم سیاه موی وچاللی به کارگردانی عباس شیان که ساخته یی بود از آریانا فلم بهمن محول گردید در فلم ((غلام عشق)) نیز که به محصول آریانا فلم و کارگردانی توریا لیلی شفق به پره آمد علاوه از آنکه عهده داریست معاونیت فلمبرداری بودم نقش فرعی را نیز بازی کردم که دایر کتر آنرا پسندید و موجب شد که در فلم های بعدی نقش های مهمتری به من سپرده گردد.

در فلم نیمه دا کو منتری نیمه هنری «دام مرگ»

معاون فلمبرداری بودم و هم ایفاگر نقش در بازی فلم، اما نقش های با اهمیت تر و ممتاز در فلم های چنایتنکاران محصول شفق فلم و ((اختر مسخره))

محصول مشترک تلویزیون و افغان فلم به من سپرده شد که در اولی در قالب يك جوان سرمایه دار فاسد و در دومی نیز به عنوان يك تروتمند با خصوصیت

های تپیک تا جرکابلی ظاهر شد و به قول وادعای دوستان در این دو فلم توانستم واقعاً در بازیهای خصوصیات کرکتر فلمی خود موفق باشم، طغیان در پاسخ به يك پرسش دیگر و در این زمینه که از نظر او يك بازی خوب واجد چه خصوصیت هایی باید باشد و وی به چه

۲۶

جنوری

یا

روز

آزادی

جمهوریت

هند

همه ساله و قتیکه تقویم ز مان روز ۲۶ جنوری را نشان می دهد مارا بیاد آن روزی می اندازد که برادران هندی ما استقلال سیاسی خود را از تحت سلطه استعمار کهن انگلیس این کشوریکه تازه استعماری وقت حاصل نمودند و استعمار ننگین انگلیس را در سر زمین شکو همد خویش بزانو در آوردند .

بیروزی مردم قهر مان هند بر د یو سیاه استعمار بریتانیا که می گفتند : دافتاب در سر زمین مستعمراتش غروب نمی کند یک امر تصادفی نبوده و هر گز به گونه تصادفی و خود بخودی بوقوع نه پیوسته است بلکه در اثر مبارزات پیگیر و مداوم آزادی خواهانه ، قربانی ها و فداکاری های مردمان صلح دوست و آزادی پسند هند تحقق پذیرفته است .

تاریخ نشان می دهد که باشندگان تمام مناطق هند بر تانوی ، صاحبان تمام مذا هب تمام اقوام ، قبایل و ملیت ها در وجود حزب کانگرس در راه حصول آزادی کشور خویش دست و حدت بهم دادند و آزادی سیاسی خویش را کمائی کردند .

بعد از حصول استقلال هند مردمان آزاده این سرزمین در راه عمران و شکوفائی وطن و جامعه خویش به بر داشت گام های استواری نایل آمده اند که در ذیل شهادت آنرا تذکر می دهیم .

بر اساس احصائیه هائیکه در دست است امروز کشور هند از لحاظ داشتن متخصصین تخنیک در جهان مقام سوم را حایز است و فقط اتحاد شوروی سو سیالیستی و ایالات متحده امریکا در این مورد از کشور هند سبقت دارند .

امروز در کشور هند بیش از یکصد ده پوهنتون و بهمین قسم مراکز کسریست حرفوی موجود است و در این مراکز علمی و تربیوی تخنیک شماره شاگردان بیش از سه میلیون نفر می باشد . تعداد متخصصین انجنیری طبی و زراعتی در هند اکنون بزرگ اعشاریه چهار میلیون تن بالغ می گردد . در هند فعلا پنج انستیتوت ملی تعلیمات عالی برای آموزش تکنولوژی و انجنیری هر گونه تسلیات را فراهم می آورد این انستیتوت در قسمت تحقیقات انجنیری و تکنولوژی با موسسات ممالک پیشرفته جهان همسری می نماید .

در سال ۱۹۴۷ هنگامیکه هند آزادی خود را حاصل نمود مقدار تولید فولاد آن از یک میلیون تن کمتر بود و لی امروز در هندشش

فابریکه تولید فولاد موجود است که مقدار تولید هر یک از آن به یازده اعشاریه چهار میلیون تن می رسد علاوه بر آن یکصد و پنجاه فابریکه کوچک تولید فولاد در آن کشور وجود دارد که مقدار تولید آن سه میلیون تن تخمین شده است .

اکنون در کشور هند پنجاه و پنج فابریکه تولید سمنت وجود دارد که ۹ فابریکه آن آن دو تنی می باشند ، مقدار تولید سمنت در آن کشور سی سال قبل سه اعشاریه هفت میلیون تن بود و لی امروز تولید آن به بیست میلیون تن می رسد . اکنون در هند بیست و هشت دستگاه بزرگ تولید کننده کود کیمیای موجود است که کود نابروجن و فاسفورس را تولید می نمایند .

بهین ترتیب در هند چند کارخانه جدید کود کیمیای در حال ساختن می باشد . امروز کشور هند او لین کشور تولید کننده کود کیمیای در جهان محسوب می شود ، مقدار تولید کود کیمیای آن در سال سه میلیون تن است ، هند سالانه سیزده میلیون تن نفت تولید می نماید که تقریباً نیاز فعلی آن کشور را می سازد .

هند در قسمت تصفیه نفت به مرحله نهائی خود رسیده است دستگاه های تصفیه آن سالانه ظرفیت تصفیه ۳۲ میلیون تن نفت را دارا می باشد .

در سال ۱۹۵۱ مقدار تولید ذغال سنگ در هند ۴۵ میلیون تن بود و امروز این رقم بر (۱۰۴) میلیون تن می رسد که بدین ترتیب هند در قسمت تولید ذغال سنگ پنجمین کشور جهان محسوب می شود و چین بیست و بیتمی می شود که تولید ذغال سنگ آن در سال ۱۹۸۵ به ۱۵۰ میلیون تن می رسد .

صنعت نیز در هند انکشاف خوبی کرده است و بر اساس ارزیابی ایکه از طرف دولت آن کشور بعمل آمده است هند در حال حاضر اسیا و آلات مختلف تخنیک و انجنیری را تولید می نماید .

در هند انواع مختلف دستگاه های صنعتی که به منظور حمل و نقل مواد معدنی ، زراعتی و آبیاری و غیره در داخل کشور از آن استفاده بعمل می آید در داخل کشور تولید میشود . بیش از چهار کارخانه در هند وجود دارد که ماشین آلات تولید نساجی می سازند که بعضی از آنها با تولیدات بعضی از کشور های پیشرفته جهان رقابت می نمایند .

در هند در قسمت صنعت برق دستگاه های عظیم تولید برق که در آن توربین های

آب و بخار ، ترانسفار مر ها ، موتور های تولید برق ، دنده های سوچ ، کیبل و لین های برق ، تجهیزات تپویه و دستگاه های کنترل صنعتی هوا شامل اند ، تولید می شود ، هند در قسمت صنایع الکترونیکی سامان آلات مختلفی چون رادیو تلویزیون ، تب ریکاردر ، ماشین آلات الکترونیکی حساب و غیره گام های استواری برداشته است و همچنین در قسمت مخابرات فضائی و سامان آلات کپیوتری و در باره تکنولوژی امکانات زیادی را بوجود آورده است .

هند طیارات مافوق سرعت صوت «اچ اف ۲۴» نظامی و «اچ اف ۷۴۸» غیر نظامی را می سازد . صنعت اتمو بیول سازی نیز در کشور هند انکشاف خوبی نموده است و سالانه در آن کشور ۶۵ هزار موشی لادی و سرویس و حمل هزار موشی سا بکل ساخته می شود ، هند در صنعت بایسکل سازی در جهان مقام دوم را حایز است ، صنایع مولده هند به کشور های خارجی صادر می گردند اکنون دانشمندان هند راه استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی را نیز گشوده اند .

آری ! بعد از تأسیس جمهوریت هند روابط میان مردم افغانستان و هند به شکل روز افزون آن ادامه و انکشاف یافته است ، چه مردم ما با مردمان سرزمین هند و چه مشترک زیادی را دارا می باشند و جالب تر از همه اینکه کشور ما افغانستان و جمهوریت هند دو کشور غیر متسلک در منطقه بوده از جمله کشور های صلح دوست و آزادی پسند در سطح جهانی می باشند و این دو کشور از کشور های دو ستار دیتان بین المللی بشمار می آیند .

مردود کشور بر ضد استعمار ، اپارتاید ، تقصب ، هژمونی ، استعمار و تمام اشکال ظلم و ستم مبارزه نموده اند و می نمایند بنابر داشتن روابط نیک تاریخی فرهنگی و کلتوری مردم ما در سادی های مردم هند ساد و با اندوه آنها اندوه هگین میگردند . مردم ما در شرایط گتونی که مصر و ف دفع و طرد جنگ اعلام ناشده محافل ارتجاعی ، هژمونیستی و امپریالیستی این دشمنان آتشی بجان مردمان عذاب دیند جهان می باشند و از وطن ، انقلاب و ناموس شرف و آزادی خود با متانت و پایداری حراست می نمایند حلول سی و سومین سالگرد جمهوریت هند را به مردمان صلح دوست آن کشور تبریک می گویند و موافقت های هر چه بیشتر آن ها را در ساحه های مختلف حیاتی تمنا دارند .

خاتول کله ورید؟

— دا چیری هم کیدی نه شی! هغه پیغله چی داخبره یی کړی وه ، د بازگل آگاهور بدری وه او بله یی د بنیادی لورزر خانکه ... ددواړو موپکونه نه په غاړه وو.

د ټول کلیوال ولس خو لی پیغلو ته وازی ختلی وی . بدری ټو پک په بله اوږه کړ او په لوړ آواز یی وویل :

— آبا رښتیا وویل ... که زموږ له کورنی څخه ټول د وطن او انقلاب په لارکی شهیدان شی هم څه پروا نلری ... د وطن شمله به لوږه او

انقلاب به بچ شوی وی زه ټولو وروڼو او بلرونو ته وایم چی که له چاسره د خپل سر ویره وی نو نه دی

څی موږ کلیوالی پیغلی به د هغه انقلاب دفاع کوو چی موږ یی لسه وینځتوب څخه وژ غور لو او دادی سترگی یی را ته په تعلیم باندی

رڼا کړی دی .. هغه چی نن ځان د وطن له دفاع او د انقلاب له ساتنی څخه بچ کول غواړی ، په دی آموخته شوی چی په کور کی زنا نه وځوړی

او ظلم یی وکړی ... خو موږ له خپلو وروڼو سره اوږه په اوږه د وطن دفاع ته چمتو یو

د بدری ددی خبرو په اوریدو سره دسور کی انگلی سره شول او هغه صحنه ور پیاد شوه ...

— ۳ —

د دوپی وروستی شمی ورځی وی . دوطن ټول ځوانان او په تیره ددوی دکلی ټول ځوانان د انقلاب د مورچو د ټینګولو په کار لگیا وو . ځوانانو نه شمی ته کتل او نه ورځی ته ...

ټولو په ګډه سره کار کاوه او کلیوالو ته یی د انقلاب پیغا مونه رسول . سور کی چی د شمی او ور ځی

ګوندي کار سخت زهیر کړی و ، یوه شنه د کلی ځوانانو د کوم کلیوال واده ته له ځان سره بوت . ښه د

خوند ټینګ ټکورو ، ځوانانو او پیغلو مست ایتو نه کول او هره څو اورونه بل شوی وو . داښ په مستی کی به یو نیم ډز هم وشو . په دی کی سور کی سټو ما نه او خوب

یچنی سترگی په یوی ټینګلی پیغلی باندی ولګیدی چی په مینه مینه یی ورته کتل او مو سکی وه . د بیعی سړی جا می وی او د گیسونو رڼا

ته یی ټیک پر اوربل باندی ځلیده . غبی غټی سترگی یی په خیال سره اړولی ، جکه پوزه او سره او سپین

انګی یی وو . شوندی یی سړی کړی وی او به غاړه کی یی د لونگو اخیلو نه اچولی وو .

ډیره شبیه په دغی تننداری بوخت وو . په ډیر شرم او حیا سره یی سترگی ورسره جنګولی

خو څو شبیې وروسته چا بدری ته چیغه کړه او هغه یی له نظره پناه شوه ...

د بدری په سرو جا مو کسۍ تصویر دسور کی سترگو ته دپړی وپړی شو . لکه چی د اوبو

په تل کی یی په یوه سره شمی باندی نظر غړولی وی ، خوناڅاپه څوک او پو ته تیره و شپۍ او اوبه

په دایروی کړی کی له خپل آتښ سره هغه شمی دپړی وپړی کړی ... هغه په همدی سوچ کسۍ

ډوب شوی و او هیچا او هیڅ شمی ته یی پام نه و . خو پدی کی یی د بازگل اکا غږ تو غوږه شو :

— هلکو او س څه و ایا ست ؟ آدم څا نه زرغون شاه ... وواياست که نه ؟ او س نو خبره تردی را ورښیدله چی زموږ انقلاب به زموږ لونۍ او

ورپسی شور بکت جوړشو ... ټولو دبدری او د هغی د ملګری خبرو ته پام کړی و او یو تر بله یی خبری او مشوری کولی :

— خدا یزو دا نجلی رښتیا وایی ... — دا خپل پلار به څیر میړ نسۍ ده !

— داد باز گل آکا لور ده ؟ — داد منکی خورده ؟ — ورور خو یی هم د انقلاب د

دفاع په کمیته کی دی ! — خو نا څا به د زرغون شاه زبیر — دبدو نکی آواز د بزگرانو سلا — مشوری او خبری ور غو ځی کړی :

— باز گل آکا که موږ د خپلو عقلونو جلب د ښځو لاس ته ورکړو هیڅ یوی پریکړی او فیصلی ته نه شو رسیدلی ... ښځی به موږ کی

شر ګوی ... او نه پریږدی چی جر ګه خپل کار وکړی

پدی کی باز گل مدا ځله وکړه : — دا څه وایی زرغون شاه ...

نجونو خو څه بده خبره ونکړه ... ښځی خو نن سبا زموږ په ژوند کی ډیره اغیزمنه ونډه اخلی ښځی خو نه وایی چی تا سو جر ګه مکوی هغوی خو د جر ګی د ګټور انجام

هڅو نه کوی ... د زرغون شاه په سترګو لی د غوصی او قهرنښی نښانی را غلی خو د جر ګی له ویری یی څه ونه شو ویلی او آخر یی — وویل :

— موږ څو غواړو چی دوو غی جوړی لاربه مخکی ونیسو ... خو دا ښځی غواړی چی د تر بکینت او نقاق ، ورور وژنی او جګړی او ږدی لاسی زور واخلي ... زه خواویم چی جر ګه

دی پدی خبری وکړی چی څنگه د «هغوی» خبرو ته غاړه کیږدو او د «صیب» پیغام سره سم دی روغه راولو

نا څا په کړس کړس ټکهارۍ درو جری له منځه پور ته شو ټولو هغی ځواته وکتل چی بدری

او د هغی ملګری ناستی وی ... هغوی د بکرو دوه دوه ډبرۍ یو په بل باندی ټکولی ... د ټولوبزرگانو پر شونتو باندی دمو سکا څپودلال —

ټین رڼا ته خپلی کرښی خپری کړی ... ځکه هغوی پو هیدل چی ښځی د په جر ګه کی له کیدو نکونویو

پیشنهادو سره مو افقه نلری او دا د پښتنی قبا یلو له درندو دو — دونو څخه یو دود دی چی کله په

جر ګو کی د خلکو او اکثریت د ګټو په خلاف یو پیشنهاد او یا پر یکره و شی نو ښځی او نجونی چی

د جر ګی په خوا کی د جر ګی څارنه کوی ، د مخالفت په دود ډبری ټکوی یعنی دا چی موږ د درسه مو — فقه نلرو ...

او دا وخت بدری او د هغی ملګری په حقیقت کی د زرغون — شاه د پیشنهاد مخالفت کاوه ...

باز گل آکا نور څا نته زحمت ورنکړ چی د زرغون شاه په معامله کاراونه او له سازش نه ډک پیشنهاد

پانندی غور وکړی او یاد جر ګی نظر پی و غواړی ... خو سور کی مری خلاصه کړه او په قانع

کو ونکو د لایلو سره یی د زرغون — شاه خبره رد کړه او په پای کی یی ورته وویل :

— ګوره زرغون شاه ، زموږ په پلارنی و وطن کی او س او س واک د همدغو خلکو دی ...

بزګرو ، د غریبانو ، د زیار کالو نکو او ټولو خلکو ... همدغه ناست بزگران چی دا او جر ګه یی ډکه او درنده ده ، د پلارنی وطن

دملی جیبی غری دی د حکومت قوت ددوی د متو په زور کی دی ... ټول واک د همدغو دی ... دوی په خپلی خبر ښیګڼی باندی ښه پوهیږی ...

(صیب) او د هغه په څیر کسان ددغو بزگرانو او غریبو خلکو نمایندګی نه شی کولی ... نو

واقعات

پیوسته بگذشته

پنجم

سال

۱۹۸۱



مغالفت ملیون ها انسان در جهان بر خلاف سلاح نیترونی

کشور های سوسیالیستی

تاریخ سوسیالیسم جپا نی از بوته همه انواع آزمایش ها بیرون شده است ، تجارب گرانبیا کسب کرده است ، سال ۱۹۸۱ ، سال پیروزی های جامعه سوسیالیستی سال افزایش تولیدات و سال همبستگی و اتحاد با انقلاب جپا نی بود ، کمو نیست ها با چیلانات دشمنان گوناگون مقابله گردید اما با روحیه انقلابی برخورد نمود و میدان را برده اند . سال ۱۹۸۱ نشان داد که برای تصمیم مشترک و تامین منافع و دفاع از دست آورد های سوسیالیستی هیچ شکی وجود ندارد برگزاری کنگره های احزاب کمو نیست کشور های جامعه سوسیالیستی آزاده مهمترین افراد های اروپا و جپا نی به شمار می رود همه کنگره هادر فضای دموکراتیک با موفقیت کامل بر نامه های اقتصادی ، اجتماعی خود را به تصویب رسانیدند و بدینترتیب گامی در راستای بهبود مادی و معنوی خلق خویش و تحکیم صلح

جپا نی برداشتند .

بیست و ششمین کنگره حزب کمو نیست اتحاد شوروی در ماسکو برگزار شد . برگزاری این کنگره مصوبات و پیشنهادات سازنده آن از اهمیت چشمگیری برخوردار است . کنگره سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی را ارزیابی و جمع بندی کرد و برنامه رشد اقتصادی ، اجتماعی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۹۰ را به تصویب رساند . قرار های کنگره نه تنها در زندگی خلق های شوروی بلکه در سرنوشت همه خاکی های گیتی در سیر تحول سراسر زندگی بین المللی تأثیرانکارناپذیر بخشیده اند .

دوازدهمین کنگره حزب کمونیست بلغاریا در اخیر مارچ ۱۹۸۱ در صوفیه گشایش یافت این کنگره در زمانی برگزار شد که مصادف با جوامع سازنده و بزرگ در تاریخ کشور بلغاریا مانند ۲۵ سالگرد پلینوم اپریل ۱۹۵۶ ، نودمین سالگرد تاسیس حزب کمو نیست و ۱۳۰۰



بابی سانند مبارز آیر لندی

تاریخی بشمار میرود این پدیده باز تاب آرایش جدید نیرو های طبقاتی وحدت مبارزه طبقاتی و تغییر معیاری در تکامل اوضاع و احوال سیاسی این کشور است حزب سوسیالیست اکریب کرسی های بار لمان رادر احیاء دارد . حزب کمو نیست یونان نقش اساسی رادر راه سوسیالیزم ایفا کرده است و نتایج انتخابات نشان داد که وضع سیاسی نوین در این کشور پدید آمده است و قطب بندی نیرو های سیاسی به صورت جدی شکل گرفته است حزب تر فی حوره زحمتکشان قبرس «آکل» چهلمین سالگرد بنیان گذاری خود را جشن گرفت حزب ترقی حوزه زحمتکشان قبرس نقش سترگی در مبارزه مردم قبرس بازی کپرده است .

کنفرانس رهبران هفت کشور عمده سرمایه داری، ایالات متحده امریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه آلمان غرب، کانادا و جاپان دایر شد . مبصرین اظهار نظر نمودند که مذاکرات تحت فشار شدیدی ایالات متحده امریکا برگزار گردید و نتایج را از خود بجا گذاشت یکی از شوم ترین اهداف این نشست رهبران کشورهای عمده سرمایه داری بحث پیرامون به اصطلاح مساله کمپوچیا و مداخله در امور کشورهای مستقل بود و

سری هم به افغانستان انقلاب پس زدند و خواستند وضع جهان را به وخامت کشند .

در سال ۱۹۸۱ مار گریت تاجر

صدر اعظم انگلستان همخوان با سیاست ما چرا جویا نه رایگان باقی ماند و باعث شد که زحمتکشان انگلستان بانگ اعتراض بلند کنند و حزب کارگر خواستار استیضاح خانم تاچر شدند .
لطفا ورق بزنید



کنگره ۲۶ حزب کمو نیست اتحاد شوروی در ماسکو

در سال ۱۹۸۱ مارش صلح ۸۱ تحت سرپرستی قبرمان صلح کشور های اروپای شمالی براه انداخته شد شرکت کنندگان این مارش به یک هزار کیلو متر پیاده روی از طریق دینمارک، آلمان غربی بلژیک و فرانسه آغاز شد. هزاران تن از اهالی بروکسل در برابر مقر «ناتو» علیه انباشت جنگ افزار های هسته ای در اروپای غربی دست به تظاهرات زدند و ریگان در برابر اعتصاب کارکنان کنترول هوایی از خشونت کار گرفت و ایشان را از کار اخراج کرد.

در دوره انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، فرانسوا میتران کاندید ریاست جمهوری فرانسه از حزب سوسیالیست بحیث رئیس جمهور جدید آن کشور انتخاب شد البته نقش کمونیستان فرانسه در این امری تا حدی و مثبت بوده است .

در سال ۱۹۸۱ رسوایی رشوه کمپنی های بزرگ چند میلیتی موضوع خیلی جا لب بوده است و این مانند رسوایی لاکمید در امریکا می باشد.

جنگ آیر لند یکی از تکان دهنده ترین رویداد های دوران مابه حساب میرود. در آیرلند از سال ۱۹۶۹ کال



تظاهرات و اعتراضات اروپائیان علیه مسابقه تسلیحاتی



تظاهرات جوانان در اروپای غربی

کرد. علت عمده این بحران، همان گرایش های جنگ طلبانه و مسابقه تسلیحاتی است. طبقه کار گرو زحمت کشان کشور های سر مایه داری به خاطر استثمار و غارت نیروی کار شان، سازمان یافته و به اشکال گوناگون به پیکار علیه نظام استثمار سرمایه داری پرداختند. رونا لد ریگان تلاش های مذبو حانه را برای پوشاندن انتقاد تی که علیه پرو گرام های اقتصادی وی براه افتاده، انجام داد وی طی بیانیه اعتراف کرد به دلیل بالا بردن ربح بانکی تطبیق پروگرام های اقتصادی حکومت امریکا با موازین جدید رو پرو گردید و بدین ملحوظ باید مصارف بودجی آن تغییر بخورد و قروض فدرال به يك هزار میلیون دالر

بایی سندنز که با خواست اعطای حمایت زندانیان سیاسی برای رزندگان در آیرلند شمالی به اعتصاب نخوردن غذا دست زد، جان سورد، تدفین او با تشریفات کو همدی صورت گرفت مردم آیرلند شمالی سه روز سوگواری کردند، مرگ بایی سندنز که در اثر بی اعتنایی نفرت انگیز حکومت درد های جبار انگلستان اتفاق افتاد داغ سنگ افتضاح دگری را به جبین مدعیان کاذب آزادی ودمو- کراسی کوبید.

بقیه در صفحه ۴۴

طی سال ۱۹۸۱ اوضاع کشور ر پولند در اثر تلاش های ثمر بخش حزب و دولت آرا مش خود را به تدریج باز یافت، اقدامات جدی در راه برقراری وضع آرام به عمل آمد اتحادیه همبستگی از بین رفت و حکومت نظامی جهت برقراری نظم انقلابی و حفظ دست آورد های سوسیالیستی اعلان شد. بیا س یکصد و یازدهمین زادروز تولد ولادیمیر ایلیچ لینن رهبر سترگ اندیش کارگران و زحمت- کشان بنیان گذار نخستین کشور سوسیالیستی جهان در سرا سر گیتی جشن گرفته شد. مذاکرات بین لیونی پریژنف و منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی و همومت سمیت صدرا عظم جمهوری اتحادی آلمان چنین باززش است طرفین درین مذاکرات را روی اوضاع سیاسی اروپا و جهان متمرکز ساختند و بر صلح و جلو گیری از مضیبت اتمی و ایجاد فضای صلح و آرامش برای مردمان جهان تاکید شد.

کشور های سر مایه داری کشورهای سرمایه داری اروپای غربی و امریکا در تب بحران می سوخت، جلوه های روشن آن نیز در کاهش فزاینده تولید، تشدید تورم و افزایش بی سابقه بیکاری و گرانی سر سام آور تبلور

مین سالگرد تا سیس دو لت بلغاریا است که طی جشن های ملی تجلیل گردید.

شانزدهمین کنگره حزب کمو نیست چکوسلواکیا در ۱۶ اپریل ۱۹۸۱ گشایش یافت این کنگره تصمیم بزرگ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را تصویب نمود.

هیات رئیسه اکادمی علوم شوروی مدال طلایی کارل مارکس برای سال ۱۹۸۱ را به موسس ف هوسال منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست چکوسلواکیا و شخصیت پر جسته جنبش جهانی کمو نیستی اعطاء کرد.

دعیمین کنگره حزب کمو نیست متحده آلمان ۱۱-۱۶ اپریل ۱۹۸۱ در برلین دایر شد نتایج کنگره نه هم مورد مطالعه قرار گرفت و اجرای وظایف جدیدی که در برابر حزب دو لت قرار دارد، تاکید گردید، کنگره بر نامه ترقی و پیشرفت پنج سال آینده را بررسی کرد.

هزدهمین کنگره حزب انقلابی مردم مفلستان در اولناتور مرکز آن کشور با شتراك نمایندگان



کشور های سوسیالیستی بصورت واقعی علیه مسابقه تسلیحاتی مبارزه می نمایند

این رسم تست که ایستاده بگیری

ما فتح میکنیم
ما فتح می کنیم
با غنای بزرگ بشا رت را
با خون و خنجر خفته درخونمان
با آیین گوشت و گلوله و مرگ
و شلیک فریاد

سپیده دم روز ۲۸ دلو ۱۳۵۲،
خسرو گل سرخی را به «میدان
اعدام» بردند، مزدوران ساواک
دورش را گرفته بودند، گویی
از پیکر نحیف شکنجه دیده اش
نیز هراس داشتند، در میدان تین
چیتگر تهران، گل سرخی از جلا
دا نش خوا هش کرد، چشمهای
او رانه بندند، میخواد هوا پسین
بار، طلیعه خورشید را به بیند،
تبسمی بر لب داشت و پیشانی
بلند کم موی او، مثل همیشه،
آیت مناعت بود، هنوز زمین
لرزه آخرین دفا عیه او حس می
شد:

«...صدای من این دیوارها را
خواهد شکافت، شما نمی توانید،
این صدا را، مثل جسد سوراخ
سوراخ شده من در خاک پنهان
کنید.»

و همینطور هم شد، سالها،
پس از شهادت او، در خیامان شاه،
اسم و رسم او رابه بنده کشیده اند و
شعر و غزل او را زیر گیسو تین
سایر نمودند، اما هرگز
گل سرخی فراموش نشد، انگار
شیخ او در کارخانه ها، مدرسه
ها و روستاها سفر می کرد و

حماسه شهادت او را به گوش
با د زمزمه میکرد و باد به پرند
می گفت و پرنده به گند مزارو
گند مزار این قصه را به دشت های
شقایق می سپرد... تا سالهای
دیگر که خلق، بیمراس، نام
نامی او را به دیوارهای شهر
نوشتند، همانطور که خود شاعر
خلق پیشکوی نموده بود:

روزی که خلق بداند
هر فطره خون تو محراب میسود
کدام شاعر، به سکو گل سرخی
می نواند، از آن سوی دیوار، از
شهر شهادت، به شهر وندان
اسیر پیام پامردی بدهد،
انکار میخواست به چهره
زمینگیران بیدست و پا، در یوزه
گران حقارت، در یانه بزد:

((و رفتی
شهر در سو سوخت
باغ در تو سوخت
اما دود ست جرات
بشارت فردا -

هر سال سبز می شود
باشاخه های زمزمه گر
در تمام خاک
گل می دهد
گلی به سرخی خون!

گل سرخی، شاعر انقلابی
خلق، در شعرش زیست و در
شعرش ابدیت یافت، شعر
برای او سرگرمی نبود، گردنش
را با طناب «قافیه» نه بسته
بود و برای خریدن واژه های

زیبا و خیال انگیز، به سراغ
عتیقه فروش ها و جواهر
فروش ها نمی رفت، تمام کلمه
های شاعرانه او، همه افزار
ترانه و ترنم او از محلات جنوب
شهر، از حقیرترین کوچه
های زندکی برداشته شده
بود.

گل سرخی «مرد عمل» بود و شعر
رابرای گردن افراشتن در محافل
روشنفکری نمی گفت، بارها -
شعر و خنجر را قافیه ساخت،
در همان حال پا و ردا شت که
هیچگاه شعر مانند خنجر پرند
نبوده است:

...لطفا آیه های روشنفکرانه
را مانند کاه و علف جلو ما نریزد.
چرا شعر نباید شعار باشد، در
جایی که زندگی کمترین شباهت
هتی بخودش ندارد، این
کفر است که دنبال شعر ناب و
جوهر سیال، سینه چاک دهیم،
من به نفع زندگی، از شعر
این توقع را دارم که اگر لازم
باشد، نه فقط شعار، بلکه خنجر
و طناب و زهر باشد، گلوله
و مشت باشد...

در عقیق ترین دوران تاریخ
کشورش، آنجا که دستگاه های
عظیم تبلیغاتی، پاسداران فرهنگ
رو سپیگری، عقل و ایمان
توده ها را دزدیده بودند، گل سرخی
با شعرش، به «افشاگری» پرداخت:

«این سر زمین من است
که می گریه
این سر زمین من است
که عریان است
باران اگر نیامده

چند ایست
آن گریه های ابر
کجا رفته است؟
عریان نی کشتزار را
یا خون خویش پوشان!

شعر او مانند گلوله بی، در
نیمه شبان خاموش، خواب
راحت در خیامان رابه می برد،
سکوت سهمگین دروغین تر از
میداشت و چنین بود رسالت
شاعری که سجده گاه او مردم
بود:

«من با سیاهی دو چشم سیاه تو
خواهم نوشت
بر هر کرانه ای این باغ
دستی همیشه منتظر دست دیگرست
چشمی همیشه هست که نمی خوابد...»

او نسل نو پای کشورش را با
شعر تازه بی آشنا ساخت شعر
«زیستن در مرگ».

هر بار ابیاتی از شعر بلند مایا
کوفستی را که برای مرگ
لینین سروده مرور می کنیم، بیاد
گل سرخی می افتد:

«در وجودم خنده ای نه،
بل اندوه جانکاهی است،
می بنمت -
بقیه در صفحه ۵۰»

در طی سالهای (۱۹۷۰-۱۹۷۵) در حدود (۶۱-۶۴) فیصد تیل مورد نیاز هند از کشورهای نفت خیز تهیه و تدارك دیده شده و اما در طی سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) مقدار تیل مورد نیاز آن کشور به (۶۳) فیصد بالغ گردیده است.

طبق يك راپور دیگر حجم وارداتی تیل در کشور هندوستان در خلال سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) با التریب به (۱۶۲۵) و (۷۱۶) میلیون تن بالغ شده در حالیکه این مقدار در طی سالهای (۱۹۷۳-۱۹۷۴) با ۱۱۰۰ تریب به (۱۳۸۷) و (۳۵۵) میلیون تن ارقام داده شده است. بامقایسه نمودن حجم اسعاری وارداتی آن کشور میتوان گفت که خریداری نفت خام و مرکبات آن در خلال سالهای (۱۹۸۰-۱۹۸۱) به (۵۱۷۶) کروڑ کلوادر هند و در طی سالهای (۱۹۷۴-۱۹۷۹) به تریب به (۳۲۱۳) و (۵۴۱) کروڑ کلوادر هندی بالغ شده است بادر نظر داشت ارقام فوق الذکر حکومت هند تجویز گرفته است تا حجم وارداتی نفت خام و مرکبات آنرا از کشورهای خارجی کاهش دهد. برای آورده ساختن این هدف يك سلسله تحقیقات و محصنات در سواحل ابحار و نقاط مرکزی کشور پهنایور هند آغاز گردیده است.

تاریخ کشف و بهره برداری از ذخایر نفت در هند به قرن (۱۹) میرسد و برای اولین مرتبه در طی سالهای (۱۸۶۶-۱۸۶۹) در سواحل شرقی آن کشور در نواحی آسام امور بهره کاری و حفارچاه های نفت صورت گرفته است، در چاه اول در ناحیه «ماکوم» در عمق کمتر از (۳۶) متری زمین نفت خام بدست آمد لیکن نفت متذکره برای امور مارتکتک واستعمال قابل استفاده نبود

پس در سال (۱۸۸۹) میلادی در ناحیه دیکپای ایالت ((آسام)) بمقادیر زیاد نفت در سطح تجارتی کشف و مورد بهره داری قرار گرفت. به تعقیب آن در ایالت آسام

مجبور شدند تا تیل مورد نیاز خود را از معادن و ذخایر کشورهای آسیای غربی تهیه و تدارك ببینند و کشور پهنایور هند نیز از این امر مستثنی نبوده است طبق گزارشات مطبوعات هند

از بیست و هشت چند افزایش یافته است که این امر بدو هرنوع شك و تردید اقتصاد کشورهای واردکننده نفت را در جهان تا اندازه زیادی متاثر گردانیده است. کشورهای ذیل قه

با بلند رفتن قیمت های تیل خام از يك اعشاریه سی دالر در سال (۱۹۷۳) به فی برل (۳۶) دالر در سال (۱۹۸۰) فرخ پترو-لیوم خام در بازارهای فروش در طی کمتر از هشت سال اضافه



گوشه ای از تاسیسات برمه کاری درچاه های مناطق ساحلی بمبئی-هند

ترجمه غیور

جستجو برای استحصال نفت در کشور پهنایور هند

يك شيركت تيل تا سيس گردید در سال (۱۹۲۵) زیر نظر کارکنان شيركت تيل «برما-ايل» کشفیات جدیدی در رشته استحصال نفت بعمل آمده و این کار تا اوایل سال (۱۹۵۳) ادامه پیدا نمود بعد از سیرای شدن مدت چندی در ایالت «اسام» دو چاه دیگر نفت در نواحی «نشر اکارتیا - موران» کشف و مورد بهره بر - داری قرار گرفت. در سال (۱۹۵۶) از طرف حکومت هندیک کمیسون مشترک برای استحصال نفت، تیل و گاز تا سيس و بکار انداخته شد که اینک امروز بحیث يك مرکز عمده و بزرگ برای تفحصات و استحصال نفت در سواحل ابحار و مناطقی که خلی آنکشور مصروف فعالیت است، در سالیان اول در نقاط مرکزی و شرقی هند برای تشخیص، ثبت، استخراج استحصال نفت يك سلسله پرو - گرام های سروی جیالوژی و معادن بعمل آمد و در آن زمان به استثنای بنگال غربی که يك پروژه مشترک «اندو - ستا نواک» در آنجا تحت اجرا قرار داشت در متباقی حصص نفت خیز آنکشور پروگرام های سروی معادن و جیالوژی در مروض تطبیق قرار گرفت.

نخستین چاه تیل در سال (۱۹۷۵) در ناحیه «جوالا ماخی» حفر گردید و متعاقب آن در ماه می سال (۱۹۵۸) گاز طبیعی در محل متذکره استحصال گردید و اما باید گفت گاز استحصال شده خیلی محدود بود و برای امور تجارتی آنقدر مساعد نبود. مجدداً در طی همان سال در ناحیه «گامی» واقع در سواحل غربی گجرات و همچنان ناحیه «وسانگ موخ» در نزدیکی سواحل اسام دو چاه جدید برای استحصال و بهره برداری نفت خام حفر گردید.

در اثر کاوشهای علمی و تفحصاتی برای اولین مرتبه تیل از چاه «گاجی» در ماه سپتامبر سال (۱۹۵۸) بدست آمد. به تعقیب آن استحصال و بهره برداری نفت خام از چاه های آنکشور در سال (۱۹۶۰) کالول در سال (۱۹۶۱)، لکوا در سال

(۱۹۶۴) وگیلی کی در سال (۱۹۶۸) ایالات گجرات و اسام این نوع فعالیت ها ایالات گجرات و اسام برای اولین مرتبه بحیث دو محل عمده و بزرگ نفت خیز در کشور پهناور هند شناخته شد و باید گفت که به استثنای يك چاه کوچک نفت خام در نگالند دیگر در هیچ یکی از نقاط آنکشور چاه های نفت بسوی تجارت و مازکنگ تدارک دیده نشده است. طبق راپورهای هند سالیانه اضافه از هشت اعشاریه پنج میلیون تن نفت تولید و مورد استفاده قرار میگیرد. باید گفت که در طی چند سال اخیر از فعالیت های تفحصاتی در مناطق ساحلی آنکشور در سکتور استحصال

و بهره برداری از نفت خام نتایج مطلوبی بدست آمده است چاه نفت خیز يکه در سال (۱۹۷۶) در سواحل بمبی کشف و مورد بهره برداری قرار گرفت يکی از عمده ترین چاه های نفت خام آنکشور در دهه (۱۹۷۰) بشمار میرود. طبق راپورهای که در مطبوعات هند انتشار یافته سالیانه مقدار بیش از هشت میلیون تن نفت خام درجه اول از این چاه ها استحصال میگردد. طبق همین راپور بتاريخ اول جنوری سال (۱۹۸۱) حجم بهره برداری و استحصال نفت خام چاه های مناطق ساحلی و مرکزی هند به اضافه از (۲۶۶۳) میلیون تن و مقدار گاز آن جمعاً به (۸۴۰) میلیون مکعب متر راپور داده شده است که از این رقم حجم تیل استحصال شده ای چاه های

ساحلی به (۱۷۷۲) و مقدار گاز این سواحل به (۷۴۰) میلیون مکعب متر بالغ میگردد. بقول راپورهای سروی جیالوژی گفته میشود که مقدار تیل و گاز چاه های اکتشافی و تحت مطالعه همین اکنون سالیانه به (۳۳۸) میلیون تن نفت درسواحل ابحار و بیش از (۱۰۲) میلیون تن نفت در سواحل آنکشور موجود بوده است و همچنان مقدار گاز تحت مطالعه و پروژه های تفحصاتی در سواحل سالیانه به (۳۲۹) بلین مکعب متر و در مناطق مرکزی به بیش از (۲۶) بلین مکعب متر بالغ گردیده است.

با در نظر داشت نرخ تیل در شرایط امروزی مقدار نفت خام چاه های ساحلی و سواحل مناطق آنکشور که همین اکنون سروی شده و آماده استخراج بوده است به (۱۲۰) هزار کروڑ کلدار هندی بالغ میگردد.

موسسه استخراج و تفحصات هند برای سروی معادن و جیالوژی آنکشور در ده سال آینده يك پلان تفحصاتی را طرح وروی دست گرفته است. در این پلان آمده است که برعلا و سایر مناطق حتی در ایالات اسام و گجرات نیز امکان بهره کاری و استخراج نفت. موجود است که تعداد مجموعی چاه های سروی شده همین اکنون بین (۲۱۶) - (۴۹۰) بالغ شده است. علاوه بر این در يك عده از سواحل خورد و بزرگ دیگر آنکشور نیز شرایط و امکانات مساعدی برای انجام امور بهره کاری و استخراج نفت موجود می باشد. در حالیکه تا اکنون در سواحل و مناطق گجرات و بخصوص حوزه «کوجی» چاه های متعدد کشف گردیده است در اعماق زمین در این محل زمینه خوبی برای بهره کاری مزید در جهت استخراج نفت موجود است، کشف مقادیر زیادی را کار طبیعی در عمق های مختلف در منطقه «دهاج» از يك آینده روشن و نوین مژده میدهد. گذشته از آن بر طبق راپورهای سروی معادن و جیالوژی در سواحل شمالی و موزة بقیه در صفحه ۴۴



مینار قطب در دهلی جدید

برای شما می‌گزینیم :

این هفته از ادبیات فرانسه

فریب خورده

از آندره مورو

این داستان از میان بیش از یکصد داستان
این نویسنده برای شما برگزیده شده است

پیوسته گذشته

سراغ داشنه باشد. بلکه فکر می کرد نگاه تازه دیگری بعضی معایب را بهتر درك می کند ، من هم با میل میرفتم ، چون کار فعال و محیط صمیمانه پشت پرده نمایش را دوست میدارم ، تمرینی که آنروز دلبم آشفته تراژ همیشه بود ، ظاهر را فابر از جریان تمرین رضایت ندا ست ، گفت :

— نمی دانم چه شده ، کار پیش نمیرود ... ژنی که معمولا به اشاره بی منظورم را درك می کرد ، این بار سرکش و متهم شده است و این موضوع از او عجیب است ، خلاصه دوست عزیز ناراحتم همین اکنون خودت خوا هی دید .

هنر پیشه بی آمودوری صحنه بی که تقریبا خالی بود ، مقابل میزی به سبک دوره نابلون نشست ، او در نقش فابر بازی می کرد ، صحنه ی کوچکی بامنشی تشکیل دادند ، منشی ورود بازیگری را که قرار بود در نقش من بازی کند ، اعلام کرد ، به

نمایش است ، عمده گفتگو ها ست و در مورد ترتیب دادن گفتگو ها من واهمه بی ندارم .
از او پرسیدم :
— خانم آستیه چه شد ؟

— کدام خانم آستیه ؟
— همان خانمی که همسفر ت بود و الهام بخش این نمایشنا مه است ؟
— آها «په پیتا» را می گویی ، این نامی است که در اسپانیا به او دادم ، زن خو بی بود .

— زن خو بی بود ، مگر چیه شده ؟
— قضیه کاملا تمام شده است ، حتما رفته است نزد «په بی تو» اما در نما یشنا مه زن فریب خورده دوباره ظاهر می گردد .

تابستان سپری شد ، در ماه اکتبر شنیدم که نما یشنا مه «زن فریب خورده» را تمرین می کنند . فابر اغلب از من می خواست که در تمرین نما یشنا مه او شرکت کنم نه به آن سبب که در من صلاحیت خاصی

ژولیسست یعنی «اورت» درصدد نلافی انتقام است ، ولی بعد در آخرین لحظه به خود می آید و علی الرغم کینه یی که دارد ، عشق پیروز می گردد .

— عشق به تو ؟
— طبیعی است ، اما زده سوم به نظرم میرسد که باید رفقیه قهرمان و شوهرش را نیز وارد صحنه کنیم شوهر در فکر انتقام است ولی ، ژولیسست با شها مت تمام خودش را بین او و رفقیه خودش ، یابین او و قهرمان می اندازد و قهرمان یعنی مرا نجات میدهد .

— به نظرت نمایشنا مه کمی هیجان نی نشده ؟

— در گفتن و بیان هیجان نی معنوم می شود ، ولی ارزش کار در پیاده کردن این هدف هاست ، قهرمانان نمایشنا مه من امروزی هستند ، به زبان من و توصیحت می کنند و درست رفتاری مثل همه ی ما دارند ، هیجان در نما یشنا مه بد نیست چون اساس

— کدام نمایشنا مه را ؟
— همان را که با هم در باره اش صحبت کردیم ، این نمایشنا مه با صحنه یی از نو شروع می شود ، عنوانش «زن فریب خورده» است ، پرده اول نو شته شده ، البته نو شتنش مشکل نبود ، واقعیت زندگی اساس کار را فراهم ساخته بود .
— واقعیت زنده گی ؟ خیلی خطرناک خواهد شد ، حتما صورت اصلی قضا یا را عوض کرده یی ؟
— خوب البته ، به کار خودم آشنا هستم ، عوض کردن صورت قضا یا غریزی است ، از قهرمانی یعنی از خودم ، يك نقاش چیره دست درست کرده ام ، از تو که در نما یشنا مه «برنار» خطاب می کنم ، يك آدم احساساتی ، و لی جزئیات قضایا همه عوض شده ، اشکال کار در پرده دوم است ، فکر می کنم این گونه تر تیبش دهم که برنار ، در صدد سوء استفاده است و در مرز موفقیت نیز قرار گرفته حسیون

وژنی در روی صحنه بیتا بی می وگفتم: میا یم. سالن میبو ست و ژنی در با لای آن کرد: فابر را که شدیداً بر افروخته انتظار ما را می کشد، رهنمای مییاید یا نه؟ چون من... شده بود به طرف پله های مو قوت کردم. یا سخ او را من به عهده گرفتم که در ملت تمرین، صحنه را به بقیه در صفحه ۲۷

شنیدن صدای او حالت خاصی را درخود احساس کردم، فابر ازهمه تکیه کلام های من بهره برداری کرده بود و بعضی از حرکات عادی مرا به باز یگر آموخته بود، گفتگو ها ساده، طبیعی و سریع بود، بعد ژنی وارد صحنه شد، با رغبت شور انگیزی گوش می کردم، می خواستم بدانم فابر این صحنه را چگونه به درک گرفته است، منکه میدانستم موضوع از چه قرار است و لی او گمان کرده بود که يك اوات «ژولیسست» نو مید ودر مانده به فداکاری دردناکی گردن نهاده است، ز برادر صحنه بی کی ژنی در برابر ما اجرا کرد، از زبان ژولیسست چنین گفت: «شما نمی توانید بفهمید سعادت او سعادت من و خوشی او خوشی من است.»

ژنی، چنانکه فابر هم به من گفته بود نمی توانست لحن کلام راتا اخیر نما یشنا مه نگه دارد، دوسه بار فابر سخن ژنی را قطع کرد تا از او بخواهد با شور بیشتری بازی کند، ظاهراً باز یگر می کوشید، اما موفق نمی شد، آنگاه عصبانی شد و با ایراد تازه نویسنده نما یشنا مه بر افروخته گردید، به جلو صحنه آمد و با نگاه به جستجوی فابردر میان سالون پر داخت.

دو بر کجایی؟ بلی دید متان، کی با نو ست؟

— بر تر ان.

— بهتر لطفا هر دو نفر بالا بیایید، باشما کار دارم.

فابر گفت:

— حالا ادامه دهید، پس از تمرین خواهیم آمد.

— خیر، تمرین دنبال نخواهد شد من و نو یسنده باید موضوعی را روشن کنیم و تا موضوع روشن نشود من از بازی خود داری می کنم.

فابر بالحن قاطعی به من گفت:

— زنکه دیوانه شده!

— چرا دیوانه؟ ژنی هوشمندترین وظیفه شنا س ترین باز یگر پاریس است، باید گیش را شنید، چه می خواهد بگوید؟ او باید نقش خود را، آنطور یکه نما یشنا مه تعیین می کند، ایفاء کند، همین و بس، من و نو یسنده مبتدی نیستم که نیاز مند پند و رهنمای بازیگران نما یشنا مه ام باشم.



هنرمند



ملك شير محمد خان صافي

تساوی حقوق اقوام و ملیت‌های

کشور یا دست‌آورده دیگری

از مرحله نوین انقلاب شکوهمند ثور



"امروز در کشور ما هیچگونه نهمونی در امر اجرای مراسم دینی و مذهبی وجود ندارد.
"اوس پشتنو قومونو او قبايلوته نایته شوی ده چی جنگ د خه شی لپاره دی ."



مهر چند و رما رئیس عمومی
اتاق های تجارت

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بحیثیت روح پیداد با عظمتی در کشور اخیراً دایر گردید بالای حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم ما ارزش خاصی را حایز می باشد، طی این پلینوم با اهمیت در حیات زحمت کشان میهن مصوبه به تصویب رسید که در آن به حل بنیادی مسئله ملی و برای برقراری حقوق ملیت ها و اقوام ساکن

راپو و ترمجله در ارتباط بر محتوای ارزشمند این مصوبه با تنی چند از نمایندگان اقوام و قبايل پشتون و نمایندگان اقلیت های میهنی کشور به پای صحبت نشسته گفت و شنودی را در زمینه بعمل آورده است که در ذیل توجه شما را بدان جلب می نمایم .



ملك تکر خان دوزیر ستان
اوسیلونکی

ملیت های بلاکشیده میهن ما می باشد حزب دموکراتیک خلق افغانستان از هفده سال بدین سو در راه محو ظلم، استبداد و تبعیضات استثنائی مبارزه ملی و تبعیضات استثنائی مبارزه بی گیر می نماید و محو کامل هر گونه تبعیضات هدف عالی آن را تشکیل می دهد .

کشور عزیز ما افغانستان که از لحاظ ترکیب خود متشکّل از ملیت ها و اقوام مختلف می باشد در شرایط کنونی به رشد و انکشاف مادی و معنوی باشند - گان آن ضرورت مبرمی احساس می نماید .

خوش بختانه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در جهت سعادت و بهبود حیات و تحقق آرمان های دیرینه همه زحمتکشان کشور اعم از اقوام قبایل و ملیت های مختلف کشور توجه جدی مبذول میگردد .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان حتی در زمان استبداد شاهمی از طریق پارلمان خواستار پایان بخشیدن به ستم ملی در برابر ملیت ها و اقوام ساکن کشور و تأمین حقوق مساوی آن ها گردیده بود .

در پی پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور با نظر داشت مفکورهای اساسی فوق حزب و حکومت به یک سلسله اقدامات و سیمعی در جهت بهبود وضع مادی زحمتکشان متشکّل از اقوام و ملیت

مهر چند و رما رئیس عمومی اتاق های تجارت در مورد نقش مصوبه هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زمینه حل بنیادی مسئله ملی و تداومی که در این زمینه در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در فرور و پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب آزادی بخش ثور برای اجرای این ماموریت های دست گرفته شده است چنین ابراز نظر کرد :

مصوبه پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحق انعکاس دهنده خواسته های مقدس و با ارزش

های مختلف کشور دست یا زیده است. به برکت اتخاذ تدابیر حزب و حکومت اکنون جرایدی به زبانهای از یکی، ترکیبی و بلوچی به نشر می رسد و بالآخر مصوبه پلینوم هفتم در نظر است تا برای نشر جراید بزبانهای ملیت های مختلف در مراکز ولایاتی که قبلا در آنها چنین جرایدی نبود آمادگی گرفته می شود و همچنان تدریس در مکاتب و نشرات را دیونسی بزبانهای ملیت های مختلف افغانستان آغاز گردیده است.

پلینوم تصویب نموده است تا تدابیر جدیدی در جهت تأمین تساوی حقوق و همکاری میان ملیت و اقوام کشور بعمل آید و برای برآورده شدن این مامول سیستم وسیع و تدابیر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی طرح و تحقق یابد، البته در ساحت اقتصادی تصویب پلینوم هفتم هدایت می دهد تا در رشد سریع مناطق زیست آن ملیت ها و اقوامی که در وضع کنونی از لحاظ اقتصادی کمترین رشد یافته اند توجه جدی مبذول گردیده و برای بهبود زندگانی آنها از جهت اموال مورد ضرورت اولیه تسهیل فرود و استقرار لات عنعنوی آنها و استقرار قیم عادلانه برای آنها تدابیر لازم اتخاذ گردد.

موصوف بپاسخ این سوال که آیا در شرایط فعلی در امر اجرای مراسم دینی و مذهبی برای مردمان کشور با خصوص برای اقلیت های کوچک مذهبی چه آزادی هایی داده شده است و حقیقت این امر چه تفاوتی با تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب نور دارد گفت:

حزب و دولت انقلابی ما با وجود فشار سنگین تحریکات و مداخلات بیشتر مائتد معاضل ارتجاعی، هرگز مو نیستی و امیر-یا لستی در امور داخلی کشور ما توانسته است در جهت تثبیت، تحکیم و توسعه دست آورد های انقلاب نور گام های بلند و بردارد. تضمین آزادی عقیده و اجرای مراسم دینی و مذهبی برای مردمان آزاده ما یکی از دست آورد های بی نظیر انقلاب شکوهمند نور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن می باشد. وی گفت: امروز در کشور ما هیچگونه موانعی در امر اجرای مراسم دینی و مذهبی وجود ندارد و همه باشندگان کشور ما در مسایل عقیده و مذهبی خود آزادی عام و نام دارند و این دشمنان انقلاب نور است که حقایق مربوط به وطن، مردم و جامعه ما را وارونه جلوه می دهند و می خواهند افکار جهانیان را در مورد حقایق مربوط به کشور ما مغشوش سازند و بدین ترتیب با استفاده از وسایلی گوناگون مانع عدم پیشرفت میهن و جامعه ما گردند.

ولی مردمان آزاده ما دیگر سرب نمی خورند و حقایق مربوط به وطن انقلاب و جامعه خود را از نزدیک مشاهده می نمایند و بر تبلیغات چنان ارتجاعی و امیری لستی که بر ضد مردم ما در و غیراگنی می نمایند نفرین می فرستند.

ملک تکرخان یکی از نمایندگان اقوام و قبایل پښتون راجع به اینکه دولت های استعماری گذشته به منظور برآورده ساختن اهداف ننگین خود چگونه سیاستی را پراهمی انداختند و میان مردمان آزادی پسند

سرزمین ما چه خصومت های را ایجاد می نمودند گفت:

پخوانیو استعماریدو لتونو ته دپو لو هه مهمه لاره دافغانستان پر ضد داوه چی ((بی اتفاقسی و اچوه او حکومت و کړه)) بل داچه ملی او سیاسی رهبرانو برضد بی بدبینی زهر آگین تبلیغات خپرو ل، ترخو پخپل ولس کی ددوی نقش کم کړی او خلک ورت په لمړی قدم کی منتفر کړی لکه دافغانستان په آزادی مین امیر امان الله خان پر ضد دانگړیزا نو تبلیغات چه وروسته دافغانستان خلکو پو-هیدل چی امان الله یو وطن پرست پاچا وو خو نور دامان الله خان په باره کی آرمان او افسوس له وخت نه تیر شوی و، خوڅه شی چی خلکو ته د تل د پاره خړ-کند شو هغه داوه چی انگریزانو دزا په استعمار په حیث دافغانستان د خلکو لمړی درجه دشمن دی چه نن په نوی رنگ زموږ د هیواد د خلکو د تحریکولو لپاره د نوی استعمار د ستر با دار امریکا سره را مخکنی شویدی. نو موږی زیاته کړه:

د نور ملی او دموکراتیک انقلاب په کامیابی و سره وطن دایدی حو شجتي خوا ته قدم واخیست خو دیر ژر دافغانستان په پرمختگ په لاره کی خنډونه پیدا شول، ملت بی خایه تحریک سوچی-بیجه کی حارچی دشمنانو او په وطن کی د ننه زر خریدو ته زمینه برابره شوه چی شه کته و رخنه واخلی، خو خوشبختانه دافقلاب دد و هم نکاملی پراو یوخل بیا د خلکو زخمونو پښی کینو دی اود ملت خلکو نه په وار وار سره د پخلا کولو د عدالت در سونه ورکړل

اولا و رکوی بی. به هر صورت دپښتنو قومونو او قبایلو لپاره په اوم پلینوم کی تصویب شوی سند چی متن بی دردیو او تلو-یز یون له لاری و او رول شو یوخل بیا پښتنو قومونو اوقبال-یلو ته دافغانستان او سنی انقلابی حزب او دولت نا بته کړه چی د پښتنو قومونو او قبایلو ناربخ، دود او رواج (جرگومرگو) ته دیوه تاریخی اصل په حیث گوری او زیات ارزښت و رکوی او ددی د سیاسی حقه حقوقو، اجتماعی او اقتصادی او فرهنگی مسایلو لپاره خاصه پاملرنه لری.

ملک شیر محمد خان صافی ددی موضوع په هکله داسی وویل: اوس پښتنو قومونو اوقبایلو ته داخبره نا بته شوی ده چی جنگ دڅه شی لپاره دی آیا مذهبی جگړه ده یا سیاسی، نورڅوک دمذهب په نوم نه غولیری ځکه هرڅوک پوهیدلی دی او پوهیږی چی د اسلام ددین زمه وار پخپله خدای (ج) دی نه امریکا، چین مصر، سعودی عربستان، انگریز او نور.

نو پو لو پښتنو قومونو اوقبال-یلو ته دا ضرورتی چی د وطن د آرا می په خاطر راپور ته شی جرگه او مرکه وکړی او یوخل بیا دپښتنو ددغه منل شوی اصل په نوم د وطن د آرا می فیصله وکړی او د جرگی او مرکسی اهمیت لانو رهم د تاریخی پاپو کی تا زه کړی، د خپل انقلابی دولت او گوند سره دی ملاتړ شی، هر دول دشمنانوته دی ځواب و رکړی ترڅو پلار وطنه ملی جبهه ورو وروقت واخلی او په نتیجه کی ملت اوخلک آرامه شی.



دکتر هونگ انج مایکروبیالوژیست به نسل جدید زنان کارگر ویتنام تعلق دارد.

از مجله و من

مترجم وکیل

پنجده سال مبارزه زنان ویتنام قهرمان برای صلح و مساوات

تاریخ زنان ویتنام به تاریخ هزار ساله بادر نظر گرفتن مشخصات مراحل مختلف اعمار و دفاع آن کشور ارتباط نزدیک دارد. مبارزه زنان رادر اتحادیه های متنوعی چون مبارزه آزمون سده زنان ویتنام علیه مناجوزین اتحادیه زنان برای آزادی - اتحادیه زنان خارجی، قهرمانی - وطن پرستی - ولاداری دموکراتیک اتحادیه زنان اتسی امپریالست و تجربه انقلابی آنها یکی از افتخارترین عنوانات گرفته اند. آورده بصورت متناوب تلاش بشعور مردم ویتنام بشمار میرود. در اوایل قرن بیست زمانیکه مردم ویتنام طبقه کارگر در فائیکات جنبش های دهقانی در تحت استثمار و تنظم استعمار یون فرانسوی کشور درکوه هاو قریه جات تشویق و ترغیب و فیوخال هابسر میردند - زنان چه در

ظامیل وجه در جامعه از توهین بی جلو حس رنج میردند. چون زنان نمیتوانستند پیش ازین مورد تبعیض قرار بگیرند بهین دلیل بود که اکثریت شان به جنبش های وطن پرستانه پیوستند.

اتحادیه زنان ویتنام که در سال (۱۹۳۰) منع منغم گردیده و تحت شعار دلیک زنان اساس گذاشته شده - توانست به اسرع زمان تعداد وسیعی از زنان را بشود جلب نموده و دورهای جدیدی را در مبارزه افکانه بسویه ملی اعزاز نماید.

سازمان از طرق متعدد و غیر عنتوی به تاسیس بنیاد های انقلابی سهم گرفتند.

آنها تنها از مبارزین حمایت و پشتیبانی بعمل آوردند بلکه همچنان برای خرید اسلحه و مهمات نظامی جیبه ویت منح پول جمع آوری نمودند در بسیاری ساعات زنان رهبری قیام را بعهده داشتند. در واقع امر جنبش زنان سهم قابل توجهی رادر پیروزی انقلاب ایفا نمود.

پیروزی انقلاب اگست (۱۹۴۶) راه را برای آزادی همه مردم باز نموده هکذا این انقلاب نقش بزرگی رادر تغییر زندگی زنان ویتنام ایفا نمود این انقلاب زن را از اسارت غلامی وار ها نیده زن را بمقره اعضای فعال جامعه میدل نمود سازمان زنان هزاران زن رادر دفاع از قدرت انقلابی بسیج نمود. دوران زمان آنها هنوز هم در معرض خطر دشمنان داخلی و خارجی قرار داشتند.

زنان در آن مقطع تاریخی میبایستی علیه فر-پیسوادی و تجاوز خارجی مبارزه مینمودند زنان ویتنامی همراه با مرغان آن کشور در مبارزه متناوب - طولانی در عین زمان مشکل علیه استعمار یون فرانسوی سهم فعال گرفتند میلیون هازن در جنبش وطنپرستانه پیوسته و بدین وسیله سیلی محکمی بروی دشمنان حواه نمودند البته این جنبش شامل جنبش می لنج، منلج کایی و بنج تی - تین نیز بود پیروزی تاریخی قوای مسلح مردمی در دین بین - یو در ۷ می ۱۹۵۶ - شکست نهائی برای استعمار یون فرانسوی محسوب میگردد بعد از کنفرانس (۱۹۵۴) ژنو انقلاب ویتنام وارد مرحله جدیدی گردیده و دو وظیفه سترا - تیزیک مهم در برابر آن قرار گرفت اعصار سوسیالیسم در شمال ویتنام و ادامه انقلاب ملی و دمو کراتیک در جنوب ویتنام. در جنوب زنان ویتنام قهرمانانه در صفوف جنگ در تحت شرایط قانونی و نیمه قانونی و غیر قانونی به مبارزه شان ادامه دادند زنان قریه جات فعال بوده - به زور مزارع میرواخذند از قوای مسلح آزادبیشی دفاع بعمل آورده شو هران و پسران شان را ترغیب مینمودند تا در مبارزه انقلابی ملحق شوند آنها در سال (۱۹۶۸) به قیام - تیت ماوتین و در سال ۱۹۷۵ - به جنبش قهرمانانه

هو چی مین پیوستند - بر علاوه زنان در تربیه اطفال و وظایف اجتماعی سهم برآورده گرفتند. در مبارزه کبیر میبینی صد ها هزار زن به زندان افیدند - بسیاری از زنان در تحت شکنجه وحشیانه قرار گرفته و تعداد زیاد سان چام شهادت نوشیدند لیکن آنها تا آخرین ساعات زندگی منحیت مبارزان واقعی به مفکوره های راستین انقلاب وفادار ماندند.

در شمال ویتنام - زنان فعالانه جنبش را تحت عنوان نهضت سه مسولیت یا شعار های «همه چیز برای تولید همه چیز بخاطر پیروزی بر امپریالیسم امریکا» پراه انداختند آنان در ایجاد یک جیبه قهرمانانه سر قاسری در کشور جدیت نمودند برای دهه های متوالی مادران زنان و خواهران از پسران - برادران و شوهران شان که علیه دشمن در سنگر هاو جبهات مبارزه میکردند دور بودند. هزاران دختر جوان و زنان داوطلبانه علیه دشمن در جبهات جنگ غیر زمیند - بدینوسیله جاده هوچی مین در فر چام توانست شمال و جنوب ویتنام را بهم پیوند دهد. زنان ویتنامی انبات رسانیدند که در فعالیت های سازماندهی و رهبری مهارت خارق العاده دارند. زنان نقش قابل ملاحظه ای را در پیکار قهرمانانه قوای مسلح از خود نشان داده ساکنان جنوب ویتنام توانستند (۴۰۰۰۰) طیاره جنگی امریکا را سقوط دهند بعد از آزادی جنوب ویتنام و اتحاد مجدد آن کشور که هنوز زخم های جنگ التیام نیافته و خرابی های جنگ بر طرف نشده بود مردم ویتنام بادو نیروی ارتباطی جدید چون هر هونیست های چین و حلقه پول بوت یانگ ساری دوشا مواجه گردیدند در ولایت سر حدی زنان دوشا دوشی هسوران شان در دفاع هرا میخا و ویتنام سهم گرفتند. در پنج سالیکه گذشت زنان ویتنام فعالانه در اعمار مجدد آن کشور سهم گرفته اند.



این اولین کودستانی بود که بعد از آزادی در جنوب ویتنام کشور شد - در حالیکه امروز بیش از دو صد باب کودستان درین شهر بشماره میرسد.

زنان در اتحاد شوروی از همه حقوق و امتیازات برخوردارند

هائز قرن ها به اینطرف از جمله قشر های ستمدیده و استعمار شونده بودند و موقف تا ثرباری را در میان اجتماع داشتند. مشکلات و پروبلم های زنان از جمله مشکلات و پروبلم های بفرنج اجتماع محسوب میشود که در گذشته ها، تیوریسن ها و جامعه

شناسان نظر به خصلت طبقاتی شان اساس مشکلات و پروبلم های زنان را بد رستی حل نموده نتوانسته و آنرا توجیه دگر گونه میکردند و بشکل تراژی دیدی بیولوژیکی وانمود میساختند و چنین ابراز عقیده میکردند که این مقام پائین و عدم توانائی زنان است که نمیتوانند بکارهای مهمی دست و پا زنند و افکار و اندیشه های اخلاقی را تبارز دهند مازکس و انگلس به ریشه و اساس این پروبلم ها تماس گرفتند و انمود گردانیدند که نابرابری وعدم مساوات زنان با مردان در جامعه، کانون خانوادگی اساسی های اجتماعی و اقتصادی دارد. لنین، پاربار میگفت اصرار میورزد که آزادی و مساوات زنان با بوجود آوردن یک جامعه انقلابی پیوند عمیق و ارتباط ناگسستنی دارد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر برای نخستین بار، در تاریخ، زمینه آزادی اجتماعی و کلتوری زنان را که قرن ها خواب آنرا میدید آورد. نخستین فرامین حکومت اتحاد شوروی تبعیض میان زن و مرد را لغو گردانید اما مساوات قانونی بین زن و مرد، همان با آزادی زنان صورت گرفت از این رو خیلی ضروری بود که آزادی آنها بطور واقعی و موثر اطمینان داده شود تا زنان در زندگی نوین نقش فعالی داشته باشند.

لنین پیرامون این موضوع چنین اظهار داشته است: ((کاری که دولت قدرتمند شوروی آغاز نموده است تنها زمان پیشرفت نمی نماید که به عوض صرف چند صد میلیون، میلیون ها زن اتحاد شوروی در سراسر کشور در آن اشتراک و رزند. همچنانماقین داریم که درین صورت زمینه انکشاف و گسترش سوسیالیسم در عقبه در صفحه ۵۱

کاری که انجام میدهند سوسیالیسم شان را بلند میبرد بدین صورت آنها میتوانند دانش نورا فراگیرند به شیوه کارماشین آلات جدید آشنا شوند و تربیه و فشنلی و عمومی خود را بهبود بخشند و در عین حال مسلك تازه ای را نیز فراگیرند. در شوروی تنها در سال ۱۹۷۸ در حدود نه میلیون کارگر زن حاضر شده اند نامهای تحصیلات بلندتر شده و بیش از اعشاریه هشت میلیون مشاغل تازه و مسلك های جدید را آموخته اند. در اتحاد شوروی مقررات خاصی در قسمت حمایت کارگران از نگاه وضع صحی، مخصوصاً توجه به صحت و سلامت زنان کارکن وجود دارد همچنان در کشور شو را نمیتوان زنان را به کارهای موزلف گردانند که آنها مجبور گردند اعمال زور سببی را که پیش از اندازه ایکه قانون معین گردانیده انجام بدهند زنان که در مسلك سنگین کار میکنند از امتیازات زیادی برخوردارند که امتیازات مذکور رت از سعادت کم کار رخصتی بیشتر و طولانی تر و حقوق تقاعد زیاد میباشند همچنان برای مادران کارگر، امتیازات خاصی داده شده است.

دولت اتحاد شوروی همیشه این نکته را در نظر داشته که تضمین بدارد که زنان در شرایط مساوی کار نمایند.

ازجانب دیگر مجهز ساختن مجدد موسسات تکنیکی، بهبود وضع کار، دگرگونی شرایط کار مساوات و برابری مرد و زن در امور اجتماعی فضای بوجود آوردن شرایطی که زنان بتوانند در حیات اجتماعی سوسیالیسم کودکان معقولانه بصورت موثر بسپارند یا بیسی و وجایب اخلاقی دولت اتحاد شوروی را تشکیل میدهد. زن

که برای زنان لازم پنداشته نمیشود زن ها پنجاه و پنج فیصد محصلان را در مکاتبت ثانوی اختصاصی تشکیل میدهند پنجاه فیصد جمعیت محصلان و موسسات تعلیمات عالی عبارت از زنان می باشد. از ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۷ تعداد زنان متخصصین که تحصیلات عالی و اختصاصی ثانوی دارند هفده بار بلندتر رفته و چهارده اعشاریه هشت میلیون و پانجاه و نه فیصد نام متخصصین را زنان تشکیل



یک زن و کودک در اتحاد شوروی

میدهند در اتحاد شوروی انواع مختلف تربیه مجدد صورت میگیرد و در هر زمان شیوه تدریسی در لوون میشود و درجه تحصیل نرادیله بخوانند بلند برده میشود زنان اتحاد شوروی چنان عشق و علاقه شدید به تحصیل و بلند بردن سوسیالیسم و مسلكی شان دارند که بعد از مرخصی از وظائف شان به تقویه مسلك خویش میپردازند و در بهلولی

بطور عموم در مورد حقوق و دستمزد کارگران این شعار سوسیالیستی یعنی از هر کس به اندازه کارش وجود داشته و در مورد مرد و زن یکسان تطبیق می شود. در کشور شو را هر گونه تقلیل دستمزد نسبت به جنسیت کارگر و همچنان عمر، نژاد و ملیت ممنوع قرار داده شده است در کلیه شعب اقتصاد ملی معیار دستمزد و معاشرات مساوی و انداز کار برای زنان و مردانی که دارای عین درجه، تحصیل

بر علاوه قوانین اتحاد شوروی، برای زنان کارگراست و زمینه تحصیلات به سوسیالیسم، طبق برنامه های مرتب برقرار است از تبعه شوروی بگه وسیع و گسترده می و حیاتی وجود دارد زنان و دختران میتوانند در زمینه های گوناگون به آموزش ببرند از نداشتن با سستای مشاغل

سهم زنان در مبارزات آزادی خواهی

ارتقای نقش روز افزون زنان کشور های رو به افکشاف و تو به استقلال رسیده یکی از مشخصات مرحله کنونی جنبش دموکراتیک بین المللی زنان بشمار میرود . موج جنبش زنان درین کشور ها همچو امر دینف با جنبش رهایی بخش ملی نیرومندی بی سابقه کسب نموده است و به عنصر پر اهمیت جبهه ضد امپریالیستی و ضد استعمار ی مبدل گردیده است .

وضع زنان در تمامی کشور های در حال رشد همگون و یکسان نیست در شرایط کنونی روند تفکیک راه رشد به این کشور ها در پروسه است یک عده آنها راه رشد انقلابی و دموکراتیک را در پیش گرفته اند و در بعضی دیگر این کشور ها مناسبات سرمایه داری نفج گرفته و رشد می یابد در کشورهای که راه انجام دگرگونیهای بنیادی اقتصادی و اجتماعی راد پیش گرفته اند ، شرایط مساعد جهت بهبود بخشیدن وضع زنان تامین می گردد .

خلق های این کشورها در راه تقویه اقتصاد ملی ، طرد عقب ماندگی و وابستگی به انحصارات بین المللی گام های فراخی را برداشته اند درین کشور ها تعداد زنان شاغل درده سال اخیر روبه افزایش بوده و ابعاد فعالیت آنها خیلی متنوع است .

به منظور جلب هر چه گسترده تر زن به پروسه تولیدی اقدامات خاصی صورت می پذیرد .

رشد و تحکیم امر دموکراسی و مقاطعه با کلیه اشکال تبعیض نا برابری و ستم ، افق های وسیعی در جهت شرکت فعال در حیات اجتماعی در برابر زنان گشوده است .

زنان جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر از امکانات مساعد جهت رشد همه جانبه استعداد های خویش برخوردارند .

شرکت زنان الجزایر در قیام ملی ۱۹۵۴ که بعدا به انقلاب ملی و دموکراتیک مبدل گردید خیلی پرباست .

سیمای زنان قهرمان چون جبهه پشت بو علی، جمیله بوخرد جمیله بویاشا ، ملکه گووند و دیگران در تاریخ جنبش مقاومت کشور الجزایر جاودانه می درخشند . آنان وسعها زن قهرمان گمنام دیگر در پیشاپیش صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال کشور شان قرار داشتند وقتا که در سال ۱۹۶۲ خلق آزادی

انحادیه اتحاد ۸ میلیون زن را خواندن و نوشتن آموخته اند .

زنان موزمبیق تا قبل از پیروزی قیام ملی بار ثقل میراث استعمار و ستم را بر شانه می کشیدند از کوچکترین حقوق اجتماعی و مدنی بی بهره بوده به کار های طاقت فرسا گماشته میشدند ازدواج اجباری دختران در سنین بسیار

خورد پدیده معمولی جامعه موزمبیق بوده است .

زنان موزمبیق همپا و همسنگر برادران، پدران ، شوهران و فرزندان خویش به خاطر نیل به استقلال و تمامیت ارضی سلاح برداشته با شرکت حماسه آفرین خویش در جنگ های استقلال خواهی مثالهای فراوان قهرمانی و جانبازی را از خود بجا گذاشته اند .

زنان به سواد و دانش

نیاز مبرم دارند

از مسؤولیت های بزرگ اجتماعی زن که عهده دار آن بوده است تربیه نیکو سالم اشغال میباشد . از آن است که حزب و دولت ما به آموزش و پرورش زنان بیش از دیگران اهمیت قایل گردیده تعلیم و تربیت را برای زنان یک امر حیاتی شناخته . تسهیلات لازم در جهت فرا گیری سواد و دانش را به آنها مساعد می گردانند .

امتیازی که زن از مرد دارد این است که زن مربی و تربیه کننده مرد است در صورتی زن می تواند فرزندان لایق فهیم و یادانشی پرورده که خودش فهمیده بودموافق تمام مزایای علم و دانش آگاه باشد این در صورتی امکان پذیر است که باید مردان این حق را به زنان تایل باشند و آنها را نباید اسیر و برده پندارند و مانع تحصیل و آموزش شان گردیده از فعالیت اجتماعی آنها جلو گیری بعمل آورند .

زن باید آزادی فکر، عمل بیان و غیره داشته کرامت و شخصیت او در نزد مرد قابل توجه

باشد هر کز زنان تحت فشار و مراقبت بی مورد قادر بان نیستند که کودکان سالم و مفید تربیه نمایند چه آنها مدام العمر زیر شکنجه روحی قرار دارند چون یک زندانی در چار دیوار خانه محبوس بوده از رمزحیات اجتماعی بکلی آگاهی نمی دانسته باشند ، پس پرونده دست ایشان نیز همان گونه ناآگاه و محروم همه چیز بار میاید که بالاخر بار دوش جامعه گردیده مضر خود و دیگران می گردد .

این یک امر واضح و بارز است که زن مستقل و آزاد مرد آزادی خواه و مبارز کربیه می کند دیگر بشاوت به زنان محیط و مملکت ما که دست آورد مرحله نوین تکاملی انقلاب نور پشتیبانی و حمایت قاطع و همه جانبه خویش را از حقوق زنان بعمل آورده و زمینه هر نوع مساعدت به زنان محروم و دردمند ما میسر است امید زنان بیلار و خود آگاه مادر پرتو و عنود های سوهمند حزب و دولت انقلابی شان مفید جامعه و مبین شان گردند .

چند نکته سودمند

بدون اشتراك زنان ، هیچ جنبشی نمیتواند به پیروزی برسد

انجیلا دیویس را

بشنا سید

انجیلا دیویس زن مبارز سیاه پوست و دختر قهرمان خلق آمریکا به راه جانبازی ها و راه پیکار بخاطر سعادت زحمتکشان را پذیرفته است .

نام و شهرت این زن دلیر ، دختر قهرمان و پیر آوازه خلق آمریکا در سالهای ۱۹۷۰ سراسر کره زمین را گرفت . فریاد های (انجیلا دیویس باید ، آزاد گردد) همه روزه رساتر از حنجره ها طنین انداز بود و حتی این فریاد ها در سایر قاره ها نیز می پیچید .

در یکی از شبهای زمستانی محافظ یکی از زندانیهای شهر کفورتیا به قتل می رسد و به قتل آن سه نفر سیاه پوست متهم میگردد . بعد ها این سه نفر اعدام شدند و در آن هم زنجیر شهرت می یابند .

انجیلا دیویس زن مبارز و قهرمان خلق آمریکا گرچه در مسافرت بود مگر به جرم دست داشتن در حوادث قتل سوء قصد متهم دانسته شد . او که راه مبارزه به خاطر انسان های محروم مستمیده و تحقیر شده جامعه پر زرق و برق آمریکا را برگزیده است میگوید - راه ام راه واقعیت و سعادت انسان است او همه عمر تحت تعقیب پولیس قرار

داشت (۲۱) ماه شکنجه های زندان و دخمه های هولناک را متحمل شده است جرمن فقط داشتن وجدان پاکیزه احساس بشر دوستی و عدالت پسندی است او که قلبش به خاطر آسایش انسان

ها می طبد میگوید : این طریقه را برگزیده ام (زیرا من انسانم و کمونست) قانون شکنان و پولیس در برابر خواست انسان جهانیان عقب نشینی نمود و انجیلا دیویس رها گردید .

آزادی انجیلا دیویس از زندان بالاخره به دل به موج نیرومند اعتراض و خشم استعماری فرمان روایان ایالات متحده گردید . انجیلا دیویس در محله نیک رایتی بر مینگام ایالت جنوبی آمریکا در سال ۱۹۴۴ بدنیا آمد . او از همان کودکی استعداد شگرفی از خود نشان داد و در سن پانزده سالگی موفق بدینافت پورسجامه لیبرال رضا کاران گردید و به تحصیل خویش در پوهنتون براندیسکی ادامه داد .

بعد تر در پوهنتون های فرا نفورک و سیاسی در رشته های ادبیات هنر های زیبا - فلسفه - اقتصاد سیاسی ... تحصیل نموده است .

زندگی و پیکار انجیلا دیویس عضو کمیته مرکزی حزب کمونست آمریکا مبارزه بر حق است و به غرض هموار نمودن راه سعادت زحمتکشان و رنجبران جوامع بشری به خاطر فردای مسعود و پیروز . او در رأس سازمانی قرار دارد که علیه راسیسم و اختناق میرزد . شبکه های این سازمان در چهل ایالت آمریکا فعال است . انجیلا دیویس ! راه تو پیروز و افتخار تو بزرگ است .

به منظور انجام پیکارها و وظایف دربردارنده بدون احساس خدمتگی و ماندگی که نتیجه آن سبب پیشرفت امور و نشاط روحی میباشد مطابق عقاید دانشمندان رعایت نکات ذیل برای همه سودمند و مفید بداندست مسعود :

و راحت نشوید .

۱- سعی نمائید شبانه خوب و زود بخوابید و تا آنجا که ممکن است اوقات اولیه شب را با خوشی و صفا بگذرانید بطوریکه بابت دیدن یکی از دوستان خوب بروید و یا اینکه کتب خوبی را مطالعه نمائید و یا هم به بازی و تفریح های سالم بپردازید زیرا اگر شب به سما خوش گذسته باشد روز بند به نیروی از کار و میکشید و نیروی جادو برابر خواهد کردید .

۲- صبح زود از خواب برخیزید و چند دقیقه ورزش و تنفس نافذ هوا را پاک و صاف تنفس نمائید . لازم است در فایق اولیه روز افکار مثبت و مفید داشته باشید زیرا افکار منفی نیروی سحار به هدر میدهد و بهترین راه برای داشتن افکار مثبت اینست که برای موفقیت خود نقشه و هدفی داشته باشید و اگر در یکی از کار ها پیروزی نداشتید بپسوده افسرده و نا امید نشوید .

۳- در کار های روزانه با قاطعیت تصمیم گرفته هبتگاه در انجام کاری تردید و دو دلی نداشته باشید زیرا همین تردد نوا ی جسمی و روحی سمرا بپسوده صرف مینماید .

۴- از عوامل خارجی که موجب ناراحتی بهم خوردن تمرکز حواس شما میشود مانند سرو صدا جلو گیری کنید .

و تکلارید بیلزوم به اطاق کار شما داخل نموند زیرا همین عوامل در اثر ضیاع انرژی از قدرت کار شما میکاهد .

۵- از حرفهای بپسوده و از مباحثات بی نتیجه و طولانی بپرهیزید زیرا اینها با ایجاد خدمتگی فکری و جسمی قدرت کار شما کم مینماید .

۶- در ضمن روز چند دقیقه وقت خود را صرف انجام کار های فکری نمائید مثلا بازی شطرنج و یا حل جدول بپردازید زیرا این دقایق بشما کمک میکند که با افکار تازه بدون خدمتگی فکری مسائل را حل نمائید .

۷- گوشش نمائید با رعایت نظم و اصول علمی با دوستان به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته و ضمن مباحثه بپسوده عصبانی

نماید .

۸- در ضمن روز چند دقیقه وقت خود را صرف انجام کار های فکری نمائید مثلا بازی شطرنج و یا حل جدول بپردازید زیرا این دقایق بشما کمک میکند که با افکار تازه بدون خدمتگی فکری مسائل را حل نمائید .

۹- گوشش نمائید با رعایت نظم و اصول علمی با دوستان به طرح مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته و ضمن مباحثه بپسوده عصبانی

نماید .

۱۰- در ضمن روز چند دقیقه وقت خود را صرف انجام کار های فکری نمائید مثلا بازی شطرنج و یا حل جدول بپردازید زیرا این دقایق بشما کمک میکند که با افکار تازه بدون خدمتگی فکری مسائل را حل نمائید .

اینگ یك پارچه شعر بزبان
حسن زاده شاعر پر شور آذربایجان
شوروی که تحت عنوان نمیتوانسد
بگنجد بوسیله شاهین فاضل تر -
چه گردیده نیز دریجا تقدیم می
میشود .

يك دختر
در انتظار دیدار ...
باد میوزد ...

در قلبم است
مرکز عشق من
اشك
حبری شنیدم
در باره اشك
میگویند اشك
بچشم فائده دارد
میگویند اشك
چشمها را سالم و پاك نگاه می
دارد .

در این صورت باید بگوئیم
از چشمها
به گونه ها
عدم قطرات اشك بریزد

نماید بلکه خودش نیزه بلسان دری
شعر می سراید و از عهده ترجمه
اشعار دری بزبان آذربایجان طوری
که لازم است و توقع میرود بدر می
آید .

شاهین فاضل نه تنها به اشعار
شعراى افغانستان علاقمندی دارد
بلکه به سایر شون مختلفه حیاتى
خلق دوست افغانستان دلچسپى
دارد و زوى همین علاقمندی دردوره
های مختلفی در افغانستان ایفای
وظیفه کرده است در اینجا معرّفی
آثار این شاعر مردمی دو سه نمونه
در سال ۱۹۴۰ - در آذربایجان شو -
روى متولد شده است . بعد از اتمام
دوره تعلیمات متوسط در سال ۱۹۵۹
در بوهندون شهر باکو به فاکولته
خاورشناسی داخل شده در سال
۱۹۶۴ - آنرا به اتمام رسانیده است
در سال ۱۹۷۴ دوره اسپیرانتوزی
را در اکادمی علوم آذربایجان شو -
روى تکمیل و در رشته علوم
تاریخ (قرون اسطی) دکتورای خود را
بدست آورد .

شاهین فاضل از سال ۱۹۷۸ به
اینطرف اشعار شعراى افغانستان

دوکتور ابر



شاهین فاضل

شاعر با استعداد آذربایجان شوروی

اشعار او برای مطالعه علاقمندان
مجله وزین ژوندون که در راه معرفی
شعرا و علما کشورهای برادر و دوست
سهم بارزی گرفته و می گیرد تقدیم
میشود .

مرکز عشق

کسی را که دوست دارم
از قلب دوست دارم

چنین است عشق من
چنین است عشق من
من با قلب دوست دارم
زیرا
در جسم نیست

فقط نه به گریه

بگذار اشك از چشمان براید

باخته و قهقهه

انسان

زمین سرمایه من ،

هوا - سرود من است .

آیا که گفت ناچیز .

که می گوید فقیرم ،

مگر نمی بینید که هست

دربالای سرم نیم پاره آسمان

دوزیر پایم کره زمین ؟

يك دختر

در انتظار دیدار ...

ودختر

در انتظارش باشد

یا بخانه بر گردد ؟

در ...

و

این يك دنیا محبت

... می که

... تواند

به يك خانه بگنجد

را بلسان از آذربایجان ترجمه و نشر
مینماید . تا کنون بیش از (۳۰)
پارچه اشعار شعراى افغانستان
«منجمله» دستگیر پنجشیری باریق -
شفیعی سلیمان لایق - ضیا قاریزاده
و غیره) از طرف او ترجمه و در
جرايد و مجلات مختلف آذربایجان
نشر گردیده است . شاهین فاضل
شاعر آذربایجان در این روزها کتابی
را در باره «تو عشق منی» نامگذاری
کرده در دست تهیه دارد . در این
کتاب اشعار يك تعداد شعراى
معاصر افغانیان جمع آوری و تدوین
شده است .

شاهین فاضل نه تنها اشعار دری
را به لسان آذربایجان ترجمه می



محمود ابو داننس

مبارزه خلق فلسطین از عقب میله های زندان علیه صهیونیسم

خودم با ید برای خود و کیل
دعوی تعیین نمایم نه شما اگر
برای من این حق داده نمیشود
میتوانم که بدون و کیل از خود
دفاع نمایم. در جلسه محاکماتی
قاضی برایم اجازه نداد تا در رد
اتهامانیکه بر من وارد بود
پیردازم و به ایشان گفتم که
این شماست که بکمک اادارهای
بزرگتان و طن ما را بزور اشغال
و ما را از خانه و کاشانه ما
بیرون رانده اید.

با استماع این سخنان پولیس
نظر به امر قاضی در حضور
نمایند صلیب سرخ بین المللی
چون حیوان و حشی بر من حمله
نموده و ضرب محکمی بر بینی من
حوا له نمود که منجر بشکستن
استخوان بینی من شده. بعد از
آن من بقاضی گفتم که: ((در
صورتی که شما بمن اجازه نمیدهید
تا از خود دفاع کنم پس محاکمه
من چه مفهومی دارد. هر چند لتان
میخواهد همانطور در باره من
فیصله صادر کنید.))

با ید متذکر شد که اکثر
مبارزین فلسطین که بدست
صهیونیست ها اسیر میشوند
بدون اینکه قانوناً محاکمه
شوند یا برای شان حق داد
شود که از خود دفاع کنند مجبور
زات میشوند. واکثرشان بدون
اینکه از محاکمه خود با خبر شوند
فیصله محکمه در غیابشان صورت
گرفته و در زندان برای شان
ابلاغ میشود.

واما در مورد من بعد از اینکه
قاضی حسب الخواهش خود
بدون اینکه بمن حق دفاع
بقیه در صفحه ۵۰

شان زجر دادن زندانیان به
انواع مختلف بود بدین منظور
ترتیب و گماشته بودند. بعد از
یک سلسله تحقیقات من ید
مرا بزندان مرکزی رام الله
انتقال دادند که آخرین مرحله
تحقیقات من در زندان بیر شیبا
اختتام یافت. تعاملاً صهیونیست
ها چنین است که وقتی کسی را
اسیر میکنند به منظور فریب
اذهان جهانیان نفر مذکور را
غرض ملاقات با نماینده صلیب
سرخ بین المللی میبرند. ولی
در حصه من این موضوع صدق
نداشت زیرا وقتی من بدست
آنها اسیر شدم برای مدت ششماه
برایم اجازه ندادند تا نماینده
صلیب سرخ را ملاقات کنم. وقتی
نماینده مذکور می آمد تا زندانیان
را از نزدیک ملاقات و از مشکلات
آنها و پر خورد زندانیان
آگاهی حاصل کند. پولیس زندان
مرا از نظر آنها در یک سلول تنگ
الی زمانیکه نماینده های مذکور
محیط زندان را ترک میکرد مخفی
نکند شش ماه چنان برایم
اجازه نمیدادند تا کسانی را که
بدیدن من بزندان میامدند
ملاقات کنم.

جریان محاکمه من -

بمقتصد محاکمه زندانیان
اسرائیلی با رد یگر مرا بزندان
هیرونی بردند. چریا محاکمه
کا ملا ساحتگی بود. زیرا پولیس
دشمن بمن گفت که ایشان و کیل
دعوی برایم تعیین نموده اند که
در واقعیت امر این شخص پولیس
مخفی بود که به منظور کسب معلوم
مات مورد نظرشان از من گماشته
شده بود. من نظر آنها را رد نموده
و خاطر نشان ساختم که من

تا بر ضد دشمن استعما ل نمایم
تفنگ خود را نیز شکستاند. تا
دشمن از آن استفاده کرده نتواند
آنها بمن خود را رسا نموده
و گرفتارم نموندند مگر از همان لحظه
گرفتاری شکنجه جسمی بامشت
ولگد و وسیله تفنگ آغاز گردید
یک افسر دشمن با تفنگچه خود در
قسمت بالائی چشم ضرب
وارد نمود که باعث شکستن
استخوان پیشانی من گردید
و به این ترتیب در چشم چپ نیز از
نعمت بینائی محروم گردیدم
در نتیجه این زدو خورد بیست
و پنج جراحت شدید بدست
وارد آمده و دشمن نیز تلفات
مزیدی را متحمل گردید و باعث
قتل دو سرگروپ عساکر
دشمن گردید.

بعد ازین همه زد و خورد مرا
بزندان هبر و ن انتقال نمودند
که در آنجا برای مدت چندین روز
بدون کدام کمک اولیه غذا و آب
ماندم. هدف دشمن ازین همه
فشار و شکنجه روحی و جسمی
این بود تا من هر گونه معلومات
لازمه را که در باره مسایل
کماندو ها با شد بدسترس شان
بگذارم ولی تحت هرگونه
شرایط و فشار تسلیم خواست
نمیداد دشمن نشدم.

مستنطق از من سوال نمود
که ((چرا به اینجا آمده ام؟))
جواب دادم که ((من به اینجا
آمده ام تا شما را که وطن ما را
بزور اشغال نموده اید نابود
سازم.)) با شنیدن این سخنان
آنها بخشم آمده و سیلی محکمی
بر رویم زدند. مدیر زندانیان
و معاو نشن که انسانهای
خیلی سنگدل و وحشی بودند یک
گروپ مخصوص را که وظیفه

محمود ابو دانن مبارز سر
سخت خلق فلسطین میباشند و مدت
هفت سال را در زندان دولست
نا منهاد اسرا نیل سپری نموده
است سرگذشت روزهای تلخ
زندانی را که خیلی ها آموخته
است و چهره واقعی امیر یا لیزم
و صهیونیسم را بر ملا میسازد
بشرح زیر قصه میکند:

من در اثنای جنگ در حالیکه
جراحت شدید نیز برداشته بودم
در ناحیه هلبول بدست عساکر
دشمن اسیر گردیدم. من خوب
میدانستم که از جها ر طرف در
محاصره دشمن قرار دارم ولی
تصمیم گرفتم که تا به آخرین
رمق حیات بجنگ علیه دشمن ادامه
دهم. محلی که در آنجا جنگ بین
من و عساکر دشمن واقع شد
یک منطقه کاملاً کوهستانی بود
برخورد مسلحانه ما برای چندین
ساعت دوام کرد تا اینکه همه
بمبارهای دستی اتمام خلاص شده
و جز چند مرمی چیز دیگری نماند.
شتم. روی این اصل برای دفاعی
چند از فیر آتش علیه دشمن خود
داریم نمودم آنها فکر کردند که
من کشته شده ام ولی جرئت
نمیکردند که نزد یک من
بیایند و از فاصله چند صد متری
نوسط لود سپیکر صدا میدادند
کردند که با ید تسلیم شویم. وقتی
آنها بمن نزدیک شدند بار دیگر
به آنها فیر نمودم که این تبار
آتش چندین ساعت دوام کرد تا
اینکه همه مرمی ها بمن به آنها
رسیده که جراحت شدیدی
بر تمام بدنم وارد آمده و از همه
برتر جراحتی بود که در چشم
راست خود برداشتم که منجر
یکوری من گردید. چون دیگر
مرمی و بم دستی موجود نبود

نگاه آشنا

در آغوشم گل دوشینه جادداشت
 که هر برگش بهاری رونما داشت
 به شمع می همنشین بودم شب دوش
 که چون خورشید و مه پروانه ها داشت
 پریشان سنبلی کز نار هر مو
 هزار آهوی چین را خونبها داشت
 بدستی دسینه گل دست چون شمع
 بدستی دامن زلف دو تا داشت
 به نرگس شیوه های عشرت امروز
 برابر و عقده های دلکشا داشت
 نه بر آیین خوبان چشم بدور
 گل رویش نسیمی از وفا داشت
 ز گرد دامنش تا دامن صبح
 نفس داد و ستد با توتیا داشت
 هزاران شیوه بیگانه سوز
 نهان در هر نگاه آشنا داشت
 برویش موج میزد حسن گویی
 گلش بر چشمه خورشید جا داشت
 (طالب آملی)



پیمان

وطن دانی که در هر نار و پودم
 به هر جا در سرا پای وجودم
 به اشعار و بگفتار و سرودم
 زمهرت یک جهان احساس دارم
 ترا تا زنده ام من یا سدا م
 • • •
 کنو نکه انقلابت اوج گیر است
 ظفر از جنبش روتق پذیر است
 نو ای فتح می آید بگو شمع
 که دشمن خوار و پامال و حقیر
 است
 • • •
 اگر یک مشت بی فرهنگ و نادان
 بد ستور سیه کاران، دو نان
 • • •
 ترا خواهند بدخر جام و ویران
 مگر نو باو گان رز مجویت
 به خون خود بر آرند آرزویت
 • • •
 کنون ای ! میهن آزاد مردان
 ستیغت پرور شگاه عقابان
 به خون خویش بندم باتو پیمان
 که کوشم در ره آبادی تو
 بی آرامش و آزادی تو
 ۱۶ - جدی - ۱۳۶۰
 افشار سیلو - کابل
 نور محمد «فیضی» اسفنده بی

دنری سوله

شوه دهر شمولد له مرکه ...
 بکی پا تی هم او تا نت شو
 لالهند پسی وا لد ها یم ...
 نه خو سوله ، نه دیتا نت
 شو !! ؟
 دو کور زیار



حیدری وجودی

نگاه رسا

خمار میکشدم ساقیا شراب کجاست
 شراب ناب به شبهای ماهتاب کجاست
 بیک بیاله لب خشک من نگردد تر
 بنو شم و بخروشم خم شراب کجاست
 ز نور ماه نشد کشور دلم روشن
 گرفته خاموشم، ای عشق آفتاب کجا سرست
 درین بهار دلم با کسی نمیجو شمس
 ندانم آنچمن پر گل گلاب کجا ست
 بجز صحیفه روی تو ای معلم عشق
 بدو قل نظر بهتر ین کتاب کجا ست
 بدیده ای که بود جلوه گاه چون تو گلی
 جهان آنش و آبست جای خواب کجا ست
 که دیده دردل شب چشم نمیخواب ترا
 بمن بگو که آن خاندان خراب کجا ست
 مرا بیال محبت کشد بعالم نور
 بجز نگاه رسای رشع ناب کجا ست

بشارت باران

بسم الله «نزهت»

غزل

ز آب زند گانی گرنه لعل اونشان دارد
چرا خضر خطش بر چشمه حیوان مکان دارد
کسی از قدر و عزت پایه فرق فرقندان دارد
که روز و شب درین درگاه سر بر آستان دارد
ز ابروی کج و وزناوک مژگان خونریز
بقصد قتل من چشم تو تیری در کمان دارد
به این جسم نحیف و لاغر هر کس بیندم گوید
که این بیچاره اندر دل غم موی میان دارد
طبیعا می توان از ضعف تن فهمید احوال
کجا از هویدا حاجت شرح و بیان دارد
سراپا برق حسرت آوز این انتظارم سوخت
که یارب آن پیرو تا کی از من رخ نپهان دارد
میاش از کید چشم پر فسونش لحظه ای غافل
که از مدل بصد نیرنگ برد و قصد جان دارد
به استقبال نازش از مسرت جشن برپا کن
که سرو قامتش امروز میل گلستان دارد
ندانم شعر «نزهت» از کجا شد اینقدر شیرین
مگر طوطی طبع او شکر اندر دها ن دارد



بیمیرد

بگذار که ابلیس گنبدار بمیرد
آن مرتجع گمره مکار بمیرد
بگذار که آن بنده او هام و خرافات
در خلسه کابوسی شب تار بمیرد
آن مسخره شعبده بازان سیاست
و آن ملعبه دالر و کلدار بمیرد
آن دشمن بیداری و آگاهی مردم
آن مغل علم و هنر و کار بمیرد
در جامه اسلام چو آراسته خود را
آن مرتد بد نام ریا کار بمیرد
از روشنی در کومه کوه هاشمه پنهان
آنجا بقم و حسرت و ادبار بمیرد
کاریش چو بود غارت دارایی مردم
آن جیفه گر غاصب طرار بمیرد
آن قاتل مرد و زن و بیچاره و مظلوم
وان فتنه گر خائن خونخوار بمیرد
آن نوکر بی همت امریکو انگریز
و آن فاسق و سردسته اشرا و بمیرد

بنگر که آفتاب
بر شبان تیره و مرداب و ارتو
بر لحظه های هستی خاموش و بی
ترانه ات
چگونه با تمامیت روشنائی خود
سناخو تمندانه می تابد
و باران، این واژه ی همیشه مقدس
انسان
رخساره ی زند گانی چرکین ترا
می شوید
با صمیمیت
و ایمان بیاور به روشنائی، به
خورشید، به باران
به لحظه های سرشار پر بار
و روز های آفتابی
آسمان لاجوردی - آبی
به سبزه های از خواب زمستانی
بیدار گشته
به گل به گیاه به شکوفه های
نورس
و به درختانی که پنجه ی بیداد،
قامت های شان را به خاک می انداخت

و درختانی که در برابر بیداد
باد.
خشم توفان، همچنان قامت افرا -
خته ماندند
در عمق فاجعه، در لحظه های
پدرود.
- تاریک، غمناک، پردود.
به سوی آفتاب، به سوی باران.
دست های خود را تکان دادند
در برابر بیداد شانه خم نکردند
زانو نزدند.
همچنان بی هراس، بی تردید
سر بلند، پا امید.
قامت افرا خسته ماندند.
بشارت باران و حماسه ی شهادت
را بپذیرفتند
بنگر به آفتاب به باران، به سبزه
به گل به گیاه -
که نام دلاوران را چگونه تکرار
می کنند.

کابل - زمستان ۱۳۵۹

م. عاقل

بیرنگ کوهدا منی

سلام

زمن به نرگسی شهلایت ای نگار سلام
به حلقه حلقه مو های تا بدار سلام
ز من به خنجر مژگان و تیغ ابرویت
بیک نگاه دوچشمان پر خمار سلام
سلام به قامت مو زون حسن زیبایت
زمن به مهر تو ای سرو گلغندار سلام
بخنده های دل انگیز لعل میگوشت
به عشق پاک و نگا های پر شرار سلام
سلام به دین دزدانه و خموشی بدن
به قهر و جنگ و ادا های بی شمار سلام
طمع ز قلب پریشان من چه میداری
بقو ز دیده غمناک و قلب زار سلام
سرم فدای رخت ای گل امید دالم
پوعله های سحر گاه و شام تار سلام
سلام «رویش» خود را بتا قبول فرما
بگونه عاشق غمگین و داغدار سلام

محمد عزیز «رویش»



علایم بیماری در کودکان

مادران می توانند قبل از بیماری کودک خود مطلع شوند

معمولا اگر بیماری در مراحل اولیه تشخیص داده شود علاج و یا درمان آن به مراتب سهل تر و آسانتر خواهد بود و دوره در مان بیماری نیز به همین ترتیب کوتاه تر میشود در مورد کودکان معمولا مادران قبل از هر کسی می توانند منوجه دگرگونی و تغییرات در حالت ظاهری کودک خود شوند و در همان مراحل اولیه تشخیص دهند که کودک در حالت عادی قرار ندارد و یک ناراحتی پیدا کرده است ، این تشخیص بموقع خیلی مهم است و موجب میشود که کودک از خطر در مان بماند و علاوه بیماری به دیگران سرایت نکرده قبل از آنکه به دیگران سرایت کند تحت کنترل قرارگیرد ، درین جا ما بزبان بسیار ساده علائم و نشانه های شروع بیماری در اطفال ذکر می کنیم و با بفاخر سیر دن این علائم ، پدران و مادران می توانند مراقب وضع عمومی کودک خود باشند و به مجردیکه این علائم را در کودک مشاهده کردند وی را نزد داکتر ببرند تا تحت تدای قرار گیرد.

۱- و قتیکه کودک بطور غیر طبیعی حالت غیر و حساسیت پیدا میکند و بدون جهت پناه گیر شده و گریه را سر می دهد درین وقت و قتیکه مادر است بدون قتیبه و خشونت روی در دست را با کودک بشیر گرفته و با او از راه محبت و نوازش مادری بشیر آمد کند و هرچه زودتر با داکتر در تماس شود .

۲- مواقعی که کودک در شرایط عادی و معمولی خواب آلود به نظر رسیده و به

ها توجه زیادی میکند علاقه نشان ندهد این کسالت و حالت خواب آلودگی یکنوع بیماری کودک را درنج می دهد که هرچه زودتر به داکتر مراجعه شود .

۳- در و قتیکه کودک اشتباهی خود را از دست میدهد و به خوردن غذا علاقه نشان نمی دهد درین موقع اصرار زیاد به کودک که غذا بخورد فایده ای ندارد بلکه باید در صدد فهمیدن علت بی اشتیاقی که همان شروع یک نوع بیماری است بر آمد .

۴- موقعی که کودک در ساعت عادی و معمولی بخواب نرود و باز باشد و گریه را سردهد ، بدبختانه ، بعضی از مادران درین موقع بدون آنکه توجه به حالت عادی کودک کنند او را تنبیه می کنند و از خشمونت و بی حوصلگی کار می گیرند در حالتی که بداند که خواب نکردن کودک در موقع عادی علی دارد و با تنبیه بی فایده پیدا نمود با داکتر در تماس شود .

۵- حرارت بدن کودک را در

عادی میشود یکنوع سرخی در قسمت رخسار کودک به مشا هده میرسد و یا بعضا رنگ طفل به اصطلاح پریده معلوم میشود این علامت بسیار مشخص است که کودک در مرحله شروع یکنوع بیماری است و درصدد هرچه زود تر تدای آن بر آمد .

۶- موقعی که برای طفل اسهال و یسا استفراغ پیش میشود که این مریضی اگر در اثر کشیدن دندان ها نباشد بسیا خطرناک بوده و به زود تر فرصت آب وجود کودک کم میشود پس و قتیکه ما دران و پدران است که هرچه زودتر با داکتر در تماس بشوند تا جلو این بیماری گرفته شود .

۷- اگر کودک گرفتار سرفه و ضما از بینی و چشمان کودک آب جاری باشد و با مشکل نفس بکشد این سه علامه است که با هم یکجا ظاهر میشوند و به منزله هو تسیر باشی برای پدران و مادران است که مراقب کودک باشند و در صورت لزوم با داکتر به تماس شوند .

۸- موقعی که کودک گوش خود را میخارد و یا مالش میدهد و اگر بسیار خرد است سر خود را شور میدهد و گریه را سر می دهد که درین موقع مادر باید متوجه طفل باشد و او را نزد داکتر ببرد .

۹- موقعی که دانه های سرخ خورد در روی پوست صورت و یا نقاط دیگر بدن کودک ظاهر شود که ممکن علائم یک نوع بیماری باشد که حتما با داکتر در تماس شد .

۱۰- اگر در پاها و بازو ها و صورت کودک یکنوع تمنج پیدا شود و کودک خود را ناراحت احساس کند باید هر چه زود تر به داکتر مراجعه شود .

۱۱- اگر در بدن کودک یکنوع سخی پیدا شود و کودک در سر دردی سکایت کند و حرارت بدن او بالا رود و در صورتی که در



شناخت استعداد کودکان

سه الی شش ساله

والدین گرامی و مربیان عزیز تحت این عنوان کودکان را مورد مطالعه قرار می دهید که سن سه سالگی را آغاز نموده اند و اولاً کودکانی را مورد مطالعه قرار می دهیم که سن آنها از سه تا چهار سال می باشد .

این سن از نظر تکمیل شخصیت کودک از هر جهت قابل توجه و در خور اهمیت است که یک دوره مهم و استثنائی بشمار می رود، ما در این دوره حس می کند که کودک او دیگر کاملاً تابع او نیست ، بلکه یک شخصیت مستقل است که دارای تمایلات و خواسته های جداگانه می باشد و کودک در این دوران از جمله کلمات که زیاد تر تکرار می رود کلمه « چرا » است ، او می خواهد دلیل دستورات پدر و مادر خود و در حرف هائی را که می زند بفهمد و تا دلیل آنرا نگوید دست پر داد نمی شود در حقیقت مادر و پدر صبر و حوصله زیادی داشته باشند تا بتوانند به تمام سوالات او جواب بگویند و درین چامفصد مادر، مربی معلمین کودکان هاست ، که این مسؤولیت بعد از پدر و مادر متوجه آنهاست .

البته درین سه ، شخصیت کودک زیادتر رشد میکند و صفات او شکل می گیرد و وقتی کار کوچکی را انجام می دهد ، خوشحال می شود و تشویق می گردد اما و قتیکه بسا اطرایان به توافق نرسیده ، او قات او تلخ سه و از آنها انتقاد می نماید .

بعضی از پدران و مادران ناکام متوجه می شوند که کودک آنها دارای خصوصیات ناپسند شده است مثلاً ممکن است کم طفل حسود شود و به همه حسادت کند و یا در صدد آزار دیگران بر آید ، کار هائی که نزد پدر و مادر سابقه ندارد طفل انجام میدهد اما وظیفه آنهاست که زیاد نگران و دلخور نشوند زیرا در حقیقت این شخصیت کودک است که آهسته آهسته شکل می گیرد و از همین جهت صفات خوب و بد در او ظاهر می شود و طفل مانند بزرگان این خصوصیات را نمی تواند کنترل کند .

کودک درین دو ران بخوبی متوجه جنس خود میشود و میدانند که پسر است یا دختر او بملوه خوب میفهمد که بطور مثال اگر دختر است روزی مانند مادر خود یک زن خواهد شد و مانند مادر خود مادر .

درین سن پدران و مادران بسا انتظار داشته باشند که به سوالات کودکان خود در امور جنسی مواجه میشوند ، سوالاتی که حتماً باید به آن پاسخ لازم بدهند

و کودک را در ابهام باقی نگذارند . بزرگترین سوال آنها هم اینست که بچه و یا دختر حطور بو جود می آید و یا اصولاً خود آنها چطور بدنیا آمده اند و درین مورد کافی است که به آنها گفته شود که بچه ها و دختران در شکم مادران رشد می کند و وقتی به اندازه کافی بزرگ شد آنوقت از شکم مادر خارج میشوند .

درین سن بملوه کودکان خصوصیات جنسی خود را هم پیدا می کنند ، مثلاً پسر ها احساس می کنند و می خواهند دایماً با مادر خود باشند به پدر خود که شب با مادرش در یک اتاق می خوابد حسادت می ورزد و نظیر این احساس را دخترانست به مادر خود دارند ، در همین سن نیز ممکن است فلب ها دچار بیخوابی شوند و از خواب بپرد و به اتاق خواب مادر و پدر خود بیایند و وقتی آنها را کنار یکدیگر به بینند بیشتر ناراحت میشوند و دیگر به اتاق خواب خود نمی خواهند برگردند .

ایشان البته جریان های عادی است که در هر کودک درین سن ، بطور ضعیف یا شدید ظاهر میشود و در این موقع باید پدران و مادران به کودک خویش کمک کنند تا او بتواند بر احساسات خود غلبه کند و این در حقیقت با آنهاست که در رفع نا را حتی کودک خود کو شش گفته .

بعضی از مادران معمولاً خوششان می آید

و افتخار می کنند ، و قتی می بینند که پسر کوچک شان آنها را در آغوش گرفته و از حدمعمول زیاده تر عشق به مادر خویش نشان می دهند و لی بر مادران است کسسه راه حل درین مورد چیست و که در محبت به کودک مرز و حدودی قائل شوند و برای کودک بفهمانند و قتیکه تو بزرگ شدی می توانی از دواج کنی و همسری داشته باشی و با او زندگی کنی .

در هر حال اگر پدر و مادر عاقلانه در این مورد رفتار کنند حسادت کو د کان بزودی از بین می رود ، دیگر پدر برای آنها یک رقیب نیست بلکه ولی نعمت و رئیس خانواده است و کودک سعی میکند چون پدر خود بتواند تادروزی مانند پدر خود خانواده ای را تشکیل دهد و صاحب همسر و فرزند گردد . این مثال در حقیقت از نظر پرورشی آینده کودک حائز اهمیت خاصی می باشد .

کودکان چهار تا پنج ساله:

رشد کودک در چهار سالگی کاملاً محسوس درین سن میتوان با او درست صحبت نمود و حرف زد و مسائل مختلف را برایش تشریح کرد .

کودک در این سن بهتر حرکت می کند ، بهتر حرف میزند و بهتر نقاشی می کند ، استعداد های سال گذشته کودک حالا شکل ثابتی بخود می گیرد و بایک تست عادی می توان تشخیص داد که عوش و ذکاوت و احساسات او تاچه حد تکامل نموده است ، این تست یا امتحان ساده است :

مثلاً کودک می خواهد شکل انسان را بکشد ، درین مورد نباید به او دستور داد که شکل یک انسان را نقاشی کند ، بلکه خود کودک معمولاً درین سن با علاقه ای که به نقاشی

دارد این کار را میکند ، آنوقت باید دقت و توجه کرد که او شکل را چطور کشیده است ، در اینجا نباید صحبت از این که کودک شکل انسان را از نظر نقاشی خوب و قشنگ کشیده است نیست ، بلکه مهم این است که او از اعضای بدن انسان آ یا همه را کشیده است یا نه ؟ یک کودک چهار ساله که از آنکه وارد پنج سالگی شود باید بتواند برای شکل انسان سر ، چشم ، بینی ، دهن ، پا و بالاخره تته بکشد دختران معمولاً ذوق نقاشی بیشتری در این سن از پسر ها دارند و آنها قاعدتاً باید اشکال که رسم می کنند درست نقاشی کنند .

از نقاشی هائیکه توسط کودکان می شود نه فقط هوش آنها بلکه میزان تکامل احساسات شان را هم می توان تشخیص داد اگر شکل نقاشی شده خود را خط خط می کنند و یا فاصله های میان سر و بدن را درست ترسیم نمی کنند دلیل آن این است که از نظر احساسات و روان اختلافاتی در آنها موجود است ، کودکانی هستند که در اشکال و نقاشیهای آنها ، انسانی که کشیده اند ، دستش قطع شده است یا آنکه چشمانش را از حلقه بیرون کشیده اند و یا پشت او خمیده است این نقاشیهها حکایت از یک نوع ناآرامی درونی کودک و اختلال در احساسات او می کند .

حقیقت قضیه در نقاشی هائی کودکان آنست که آنها در این سن معمولاً خود را کمی شناخته اند و تصاویری که از یک انسان می کشند ، فقط یک تصویر خیالی و ذهنی نیست بلکه تصویری از آن چیز هاست که در خود شان یافته و کشف کرده اند ، مادران د قیق که در هر حال متوجه آینده کودک خود هستند بقیه در صفحه ۳۵



از تنگنای زمان تا زمان

عمر بعضی از حیوانات

گفته می شود که در جمله حیوانات فیل زیاد عمر می کند و یک فیل تا هفتاد سال زندگی کرده می تواند اسب ها که اقسام و انواع مختلف دارند طول عمرشان تا پنجاه سال میرسد به همین قسم اسب آبی چهل و یک سال، خرس سی و چهار سال، شادی بیست سال، پشک بیست و سه سال، و سگ ۲۳ سال عمر می کنند.

در پرندگان گریس ۵۲ سال، طوطی ۵۵ سال، گوربت ۵۵ سال، سایه ۱۷ سال، کنری ۲۲ سال، گلستر ۲۳ سال، و کرده اند.

کار دنیای سی سال عمر دارند. بهین تر تیب یک نوع ماهی که «ک رک» نامیده می شود عمر زیاد دارد که عمر آن ۲۵ سال نشان داده شده است و یک نوع ماهی دیگر که در آبهای سواحل کوه های انگلستان پیدا می شود شصت سال زندگی می کند.

در حیوانات کوچک کشت عمر زیاد دارد و یک نوع آن که موریثو سی نامیده می شود یکصد و پنجاه و دو سال عمر می کند بهین قسم در قسمت های جنوبی امریکا کشت های بی پیدا می شود که یکصد و سی سال عمر کرده اند.

صابون چه وقت ساخته شد؟

استفاده از صابون برای نخستین بار در روم رواج پیدا کرد مگر نه اینطور که اکنون مورد استفاده قرار دارد در آن زمان بعد از آن که توسط یک نوع غنچه های سبز بدن را مالش می دادند به تعقیب آن بعد از خود را ذریعه مگنیز می شستند. مگر صابون بشکل امروزی (البته با کمی تفاوت) در قرن هفتم میلادی ساخته شد. در قرن هشتم مسلمانان هم به ساختن صابون شروع کردند مگر ساختن صابون در اروپا در قرن نهم آغاز یافت در لندن تا قرن دوازدهم صنعت صابون سازی شروع نشده بود تا اینکه در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم صابون در آنجا ساخته شد در سال ۱۶۵۳ زمانی که ملکه انگلستان الیزابت و فات کرد اولین زن بود که صابون را برای شستن بدن وی به کار بردند. در امریکا صابون در سال ۱۶۰۸ ساخته شد.

ارتفاع برج ایفل

در طول چهار فصل تغییر می کند. هر کس میداند که برج ایفل ۳۰۰ متر ارتفاع دارد مگر فکر

می کنیم برای بسیاری مردم این موضوع معلوم نباشد که این ارتفاع در هر فصل سال و در هر قسم شرایط جوی یکسان نیست و با تغییر درجه حرارت فرق می کند. طوری که برای ما

معلوم است زما نیکه یک میله آهنی که ۳۰۰ متر طول داشته باشد در چه حرارت داده شود ۳ میلی متر به طول آن افزوده می شود و به این اساس زما نیکه هوا به اندازه یک درجه گرم شود باید به ارتفاع برج ایفل هم ۳ میلی متر افزوده شود مواد آهنی برج ایفل هم ۳ میلی متر افزوده شود مواد آهنی برج ایفل در درجه های گرم نا بستانا پاریس ممکن به اندازه چهل درجه سانتی گراد گرم شود در حالیکه درجه حرارت در روزهای سرد و بارانی مثبت ده درجه و در زمستان به صفر و حتی به منفی ده درجه هم پائین می آید. طوری که می بینیم در تابستان درجه حرارت پاریس به چهل درجه می رسد و بنابراین امکان دارد که برج ایفل به مقایسه ارتفاع ۳۰۰ متر خود ۱۳۰ میلی متر یعنی ۱۳ سانتی متر کم و زیاد شود.

تغییراتی که در برج ایفل بوجود می آید بواسطه یک میله فولادی نکل دار معلوم می گردد خاصیت این میله فولادی که با برج ایفل یکجا نصب گردیده چنین است که با کم و زیاد شدن درجه حرارت در طول آن تغییرات نمی آید و دائماً به یک حالت ثابت می باشد از این سبب است که در روزهای گرم قله برج ایفل به اندازه ۱۳ سانتی متر ازین میله فولادی بلند می شود مگر شکفتن تر از آن اینست که این میله فولادی تغییر ناپذیر که بسیار خاصیت خوب دارد یک دینار هم ارزش ندارد.

اختراع هلیکوپتر جدید

در اوایل سال ۱۹۸۰ هلیکوپتر جدید بنام ((تاو روس)) توسط یک گروه دانشمندان پولندی اختراع گردیده و مورد استفاده قرار گرفت.

این هلیکوپتر جدید که ظرفیت انتقال ده سواری و سه نفر پیلوت و عملیات را دارد بر علاوه اینکه وظیفه امبولانس را اجرا می کند همچنان در وقت ضرورت می تواند اموال تجارتن را نیز حمل نماید به همین ترتیب این هلیکوپتر برای فرسندن داده شد.

و نقل و انتقالات مواد پروژهای ساختن یک وسیله خیلی مهم و یا ارزش محسوب می گردد طول این طیاره در حدود سیزده و نیم متر و عرض آن چهار و نیم متر اندازه شده است. طیاره تا وروس در هر قسم شرایط جوی فعالیت می کند و برای اولین بار در سال ۱۹۸۱ در نمایشگاه جهانی ((پوزنان)) واقع در پوزنان در معرض نمایش قرار داده شد.

ادویه شیرین!

عسل علاوه بر اینکه یک غذای شیرین است ارزش دارویی هم دارد. در زمان های باستان مردم به منظور علاج زکام و ریزش يك قاشق عسل را با شیر و لیمو در چای انداخته و به قسم دوا صرف می کردند. يك نشریه بلغاریایی می نویسد که اکنون این موضوع در مشاهدات کلینیکی به اثبات رسیده است که عسل برای کاستن ریت معده و زخم معده، تیزاب معده، و گاستریک اسید و فشار خون و تشویش اعصاب يك دای مفید محسوب شده می تواند. اگر روزانه سی الی چهل گرم عسل خورده شود ها ضمه را نورمال نگه میدارد. دانشمندان معتقدند که عسل هشتاد نوع مواد مختلف دارد که مواد مذکور برای عضو پوست انسان ضروری است و آن باشند عبارت از تمام ویتامین ها، انزایم ها، اسیدهای عضوی، نمک های معدنی، هورمون ها، انتی بیوتیک ها و غیره می باشند.

بزرگترین آتشفشان جهان

یکی از بزرگترین و وحشتناکترین انفجار آتشفشانی که نظیر آن طی هزار سال اخیر دیده نشده عبارت از (تمپوره در جزیره سو مبراوه) است که بتاريخ ۵ ابریل سال ۱۸۵۹ دراندو نیز یا بوگو بپوست است، آواز انفجار آن بعدی مد هشت بود که از فاصله ۱۸۰۰ کیلومتری شنیده شده بود فوران این آتشفشان خیلی شدید بود و از ۱۰ الی ۱۲ ابریل ادامه داشته و باعث جدایی کتله بزرگی از دهانه آن گردید. همچنان در فاصله پنجمصد کیلومتری دور آتشفشان مذکور مدت سه روز تا ریکی مطلق حکمفرما بود. از مرکز آتشفشان جفله سنگ ها پی که قطر آن به ۱۵

از انرژی بحر چگون استفاده کرد

این منبع انرژی از اختلاف حرارت آب سطح بحر و اعماق آن بدست می آید. مهمترین موقعیت این منبع انرژی حرارتی بحر در دو هزار کیلومتری اطراف خط استوای زمین قرار دارد که بین خط سرطان و خط جدی مصادف میکند. در اینجا بین اعماق ۷۵۰ و ۱۰۰۰ متری بحر اختلاف حرارت از ۱۵ الی ۲۵ درجه سانتی گراد در تحول بود و نظر به سطح بحر بهمن اندازه سرد تر می باشد و این پروژه انرژی حرارتی بحر در سال ۱۹۳۰ در ساحل کیوبا اعمار گردید. اکنون چند دستگاه آن در نقاط مختلف ساخته شده که انرژی حرارتی اوتیک یاد می شود. پیشنهادات عملی در مورد بکار انداختن دستگاه های مذکور در دو صنف گنجانیده می شود. دستگاه های سیستم سابل بستر و دستگاه های سیستم سابل باز.

در دستگاه های سیستم سابل بستر مایع امونیا طوری بکار برده میشود که در آنسر

حرارت سطح آب بحر، امونیا تبخیر میگردد، امونیا که باین ترتیب به تبخیر میرسد قوه حرارتی آن باعث گردش موتور علیحده میگردد، موتور مذکور چون بیک جنر اتور دیگر وصل است بنابر حرکت آن قوه برق بخوبی تولید شده مینواند.

بعد از آنکه امونیا تبخیر شده از توربین خارج میگردد در تیوپ علیحده به حرکت افتاد موقعیکه در آب سرد اعماق پائین تر بحر میرسد دوباره به مانع مبدل میشود بعدا در اثر عملیه پمپ کردن دوباره در توربین رهنمایی میگردد تا در اثر حرارت آب سطح بحر داخل توربین تبخیر گردد و باین ترتیب با سابل های

بقیه صفحه ۳۳

شناخت استعداد

به نقاشیهای کودکان خود نیز توجه داشته و می توانید به بسیاری از روحیات آنها پی ببرید و بفهمند که آیا کودک آنها واقعا با مشکل و ناراحتی درونی روبروست؟ آیا احتیاج به توجه و مراقبت زیادت دارد؟ آیا دچار تگرانی و ترس شده است و از چیزی دائم در وحشت و تگرانی است؟ و یا آنکه خویشتانه کودکی از هر جهت سالم و بدون هیچ عارضه و اختلال درونی است.

کودکان چهار ساله می توانند با قیچی، کاغذ علاقه فراوان نشان می دهند و اگر سکاچ تپ به اختیار آنها گذاشته شود حتی ساعت ها به آن مصروف خواهند شد. کودکان در فاصله سن پنج سالگی علاقه و توجه زیادی به جریاناتی دارند که در اطراف آنها اتفاق می افتد. پدران و مادران می توانند در باره این اتفاقات و حوادث با کودکان خود به سویه آنها صحبت کنند و ذهن آنها را با واقعیت های عادی زندگی آشنا سازند که از لابلای این گفتار فهم زبانی آنها را زیاد تر می کند.

مثلا در باره اینکه ما می چرا در آپزندگی میکنیم؟ انسان از چه ساخته شده است؟ برای اینکه آب را جوش بدهند از چه استفاده کرد؟ چرا انسان کار میکند؟ چرا جنایت کاران را زندانی میکنند؟ اما وظیفه مادران و پدران و در قدم دوم از معلمین کودکانست - هاست که به آنها جواب درست و قناعت بخش دهند تا ذهن آنها کلمات و جملات درست را ثبت نماید و به آنها می توان از سن

بسیار خودی این هنر را یاد داد که در آینده آنها می توانند به جرات صحبت نمایند و صحبت آنها حقیقت داشته باشد باید درین قسمت زیاد تمرین کرد با او زیاد صحبت نمود. حرف زد و از آنها سوال کرد و جواب قناعت بخش شنید و قیقه آنها جواب درست دادند آنها را تشویق کرد که تشویق در بلند بردن و یا بیدار ساختن استعداد های آنها نقش مهمی را بازی می کند.

با کودکان درین سن می توان بازی توسط کلمات کرد یعنی يك کلمه را گفت و از آنها خواست هر چه راجع به این کلمه یاد می آید بگویند مثلا توپ بازی و غیره. ولی مهم این است که این تمرینات نباید به عنوان درس انجام گیرد بلکه این تمرینات جنبه بازی و تفریح داشته باشد و کودک از این کار لذت ببرد و از آن نتیجه بهتر خواهد گرفت و بدین ترتیب کمک مهمی به تکامل و پیشرفت استعداد او خواهند کرد.

کودکان پنج تا شش ساله:

کودکان پنج ساله دو ران طولانی و برای تحول را پشت سر گذاشته اند و در حقیقت کودکان رسیده اند آنها قیافه ای مطمئن تر از کودکان چهار ساله دارند و از آنها جدی تر و مستقل تر بنظر میرسند.

کودکان درین سن کامی مایل هستند از پدران و مادران خود دوری اختیار کنند و دوستانی برای خود پیدا میکنند که به آنها بازی کنند و سرگرم شوند، اما بعد از اندک مدت که با دوست خود مصروف بازی باشد بیاد مادر خود می افتد و علاقه مند میشود زودتر به خانه برود و مادر خود را ببیند. بطور خلاصه: همه چیز حکایت از آن دارد که کودک به زودی آمادگی برای رفتن مکتب و قدم گذاشتن به جامعه و تماس با همسالان را فرا می گیرد اما بعضا پدران و مادران درین سن تکران می شوند و با خود میگویند آیا دختر و پسر ما که به مکتب رفت استعدادهای فرا گرفتن دروس را خواهد داشت؟ و درین سن خود کودک نیز متوجه این نکته میشود که سال آینده به مکتب خواهد رفت، تکرانی و تشویش نیز نزد او ایجاد می شود و با هیجان زیاد منتظر روز بستر که از خانه به مکتب برود.

درین جا فقط توجه مادران و پدران را می خواهیم که هرگز استعداد کودکان را ناچیز تصور نکنند و به آنها اطمینان داشته باشند و حالا خوشبختانه فرصت این کار در مکتب بارویکار آ مدن توجه که در قسمت تر بیه آینده سازان این کوره اسب این انرژی ها بر آورده خواهد شد که استعداد های نهفته آنها بیدار شده و آنها را متوجه مسؤولیت های آینده که در پیش رو برای سکو فانی این مرز و بوم دارند خواهند شد.

آنها که جايزه هارا...

از او ميپرسم نظرش در باره نو پر دا زى و شعر نو چيست و آيا او اين فورم شعري را ميسپسندد، يا خير؟ ميگويد: اگر منظور از نو پر دا زى اين باشد که شاعر به او زان شعري بى اعتنا باشد و آنرا نشناسد و کلام آهنگين را شعر پندارد و يابى سبب در طول مصراع ها کمي و افزوني وارد آورد زياد به آن خو شبين تبستم و هر گاه مراد آن باشد که شاعر فرزند زمان خود باشد و به جاي تقليد کو را نه از شاعران متقدم و به کارگرفتن همان استعاره و تشبيهاتي که صد ها بار در شعر پيشينيان آمده است خود خلاقيت و آفرينندگي هنري داشته باشد و مضمون و محتوي شعر را نو گرداند و در اين زمينه از کهنه گرايي پير هيزد سخت به آن معتقدم و به کار چنين شاعراني ارج ميگذارم. دکتر خير خواه در پاسخ بـ يك پرسش ديگر در اين زمينه که وي کدام سبک شعري را ترجيح ميدهد و خود پتر ميتواند ابداع يافته اش را در آن پير و را ندانند؟ سدهده ميگويد: من در هنر به ربا ليزم اعتقاد دارم و به اين عقیده ام که با اين سبک هنر مند خواه شاعر باشد و يا نو پسند و يا نقاش و... بهتر ميتواند زندگي عيني جامعه خود را انعکاس دهد و درقا لب مفاهيم هنري آنرا به ديگران القاء کند خود هم در همين روال مسي سرايم و ميگويم در شعرم زندگي مردم ميسن خود را آنکو نه که جريان دارد انعکاس دهم او در يك زمينه ديگر ميگويد: شعر با پدا آئينه را ستين نماي درد هاي اجتماعي باشد ((نه بيان کنند درد هاي دروني و کلام افردى شاعر چه در اين صورت شاعر فقط خود و احساس و کاستي هاي خود را مينمايد و نه جامعه و مردم خود را، و براي اينکه شاعر بتواند درد مردم را انعکاس دهد با پيد در ميان آنان زندگي کند)) اين درد ها را حس نمايد، از آن متاثر گردد و باز آنرا در خيال شاعرانه بازتاب دهد. از دکتر خير خواه خواهش ميکنم براي آشنايي بيشتر خوانندگان ژوندون نمونه هايي از شعر خود را در اختيارم قرار دهد و او دو پارچه شعر ((دافغان مهرمان و لس ته)) و ((د انقلاب دفاع)) را که از نظرش واد همان خصوصيت هايي است که وي از آن دفاع ميکند در اختيارم قرار ميدهد. شما را به خواندن اين پارچه شعر ها دعوت مي دارم:

دافغان قهرمان ولس ته

داستبداد خنجر دى مات کړه قهرمان ولس ته
نوى نظام دى مبارک شه افغان ولس ته
تا په ملي قيام ما يى د استبداد ټکه کړه
تا که تر سره د عمر و نولو ي ازمان ولس ته
له داړه مارو ستمگر و نه دى خلاص کړي خلک
جى به زمونږ په سر نو شت او هستي لوبى کيدى
لاي لو ختم شولونور هغه دوران ولس ته
دغه نظام زموږ په ژوند کښي ديد لو ن نقطه ده
د انقلاب په کړي تر سره هرا مان ولس ته
د شرافت او عزت ژوند به هرا افغان و لري
د قدر و پد کارگران او دهقانان ولس ته
اى د عمرو نو زو ريد لو زيار ايستو نکو خلکو
درنه شول ليرى ټول غمونو او خفگان ولس ته
هر يو ارمان په دملي نظام تحق و مو مى
سم د تاريخ په مسير او س شو لوروان ولس ته
په يو وحدت سره وتلى يو خدمت د پاره
په خپل همت سره وطن به کړي وودان ولس ته

دا خپل ملي پير غ به لوړ پدي جهان کښي سا تو
وطن به ساتو په سرو وينو د خپل خان ولس ته

د انقلاب دفاع

د ثور انقلاب نه هر افغان دفاع کوي
په زياتو ولولوتري نه دهقان دفاع کوي
را غلي دا بد لون د هر کارگر په گڼه ده
دا هر ه فيصله نسي د بزگر په گڼه ده
د خپل ملي نظام نه کارگر ا دفاع کوي
په زياتو ولولوتري نه دهقان دفاع کوي
پدغه انقلاب کښي سود خورو کړي تا واندی
خايني او رشوت خور له وطن تبتي بړي خفگان دي
له پاکو ارمانونه بزگران دفاع کوي
په زياتو ولولوتري نه دهقان دفاع کوي
د ثور انقلاب لري سپيڅلې همد فونه
چي ټول خلک آرام شي لري داسي پلان نه
نو ځکه تری زموږ زيار کښي دفاع کوي
د ثور انقلاب نه هرا افغان دفاع کوي
تاريخ سره چه سم ځي خامخا به کاميابيږي
د داسي سيلاب مخه چه څو ک نيسي محو کيږي
د خلکو نه د خلکو لوی جهان دفاع کوي
د ثور انقلاب نه هرا افغان دفاع کوي



شکريه برنده جايزه تشويقي
ميناتور

او که از سال ۱۳۵۷ کار مينال
تور را به آغاز گرفته است تا
اکنون بيش از بيست و پنج اثر
ميناتورى دارد و غلام جيلاني
روحاني را استادش معرفي
ميکند.

شکريه در جواب به يك پرسش
شش با حرکات دست و مايم
و حالت هاي چهره جواب ميدهد

که با روی آوري به هنر و بسنه
پرويش گرفته استعدادش در
اين زمينه اکنون رنج معيوب بودن
را کمتر احساس ميکند و ميگويد
شد آنچه را که نميتواند با زبان
به گفت آورد آنرا با زبان هنر به
بيان آورد.

او که معيوب بيت موجب شده
است که نتواند به تحصيلاتش
بيش از صنف سوم ادا مه دهد
آرزو دارد با کار متداوم و آموزش
ميناتور ريست پر جسته يسي
گردد و آثار متنازى را در اين
بخش هنري به وجود آورد.

شکريه در موقع خدا حافظي
به خواهرش مي فها ند به من
بگويد که از علاقمندان مجله
ژوندون است و هميشه شما ره
هاي اين مجله را ميخرد و مطالب
هنري را در آن ميخواند.

زن فریب خورده...

فایر گفت :

خوب چه شده ؟

— قضیه این است که من نمی توانم این متن را اجرا کنم ... چون این زن مهر بان شما عادی نیست، بامن اینطور درک می کنم ، من انگیزه رفتار او را نمی فهمم ، وجود شما احساس نمی کنم ، خلاصه نمی توانم در نقش او ظاهر شوم ، یعنی چه ؟ زنی که در کمال ناشیگری به او خبر می دهند شوهرش بازن دیگری به سفر رفته ، شوهرش را می پرسند و تنها واکنشش این است که در جواب بگوید :

— « مهم نیست ، همینکه خوش وراضی است ، من هم خوشحالم » چنین چیزی ممکن نیست ، خود مانیم روبرو ، تو رفیقهای زیادی داشته ای ، آیا هرگز زنی دیده ای که به هنگام عاشقی رفتاری مانند این کرکتر در نمایشنا مه تو داشته باشد ؟

فایر با غرور تمام جـــــواب داد :

— تنها یکزن ، و این همان است که در نمایشنامه «زن فریب خورده» وصف می کنم ، درواقع همین صحنه ای که به نظر شما غیر واقعی است ، عین واقعیت است ، برای اولین بار همه مصالح کارم را از واقعیت های زندگی گرفته ام ، شاهد آن هم بر تر آن است که در صحنه حقیقی او طرف صحبت زنی بوده است که اینک شما در نقش او بازی می کنید ، زنی به طرف من برگشت و گفت :

— پس مسوول این مـــــزخرفات تو هستی ؟ چنین مطلبی را تو با گوش های خود شنیده ای ؟ ممکن نیست ... یا این زنکه ابله بوده که در آنصورت من نمی خواهم در نقش یک ابله بازی کنم و یا اینکه تظاهر به بزرگواری کرده است ، چون خود او با کمال علاقه در صدد استفاده از آزادی بوده است که در این صورت جهره طبیعی و انسانی دارد ، اما این مطلب مایه ی نمایشنا مه دیگری است .

در محصله عجیبی رفتار شده بودم ، زنی کاملاً حق داشت او با فرامست هنری به وضع ژولیه است واقعی در صحنه زندگی بی برده

حساسی قرار می دهی گناه من چیست ؟ گفت :

— پس اعتراف می کنی که اورت مطا لبی به تو ابراز داشته بود که از من مخفی کرده ای ؟ — من اعتراض نمی کنم ، منظورم اینست که وضع من در میان شما دو نفر مشکل بود . ولی او دیگر به سختم گوش نمی داد ، به طرف ته سالون براه افتاده ، کلمات نا مفهومی زیر لب زمزمه می کرد ، آنگاه با چهره بازو تقریباً خندان به سوی من و زنی آمد دو دستش را روی شانه های زنی گذاشت و با خوشرویی تحسین آمیزی به او نگرینست و گفت :

— تو هنرمند بزرگی هستی ، بسیار بزرگ ، توسط با غریزه هنسری فهمیدی که موضوع نمایشنا مه من نه راست بود و نه واقعگرا نه و من نیز که هنرمند بزرگی هستم همینکه راه را به من نشان دادی علی الرغم تمایل و غرورم آنرا تعقیب کردم ، در آنی به واقعیت پی بردم و به زودی آن واقعیت را حواهم نوشت ، نمایشنا مه بسیار خوبی خواهد نوشت ، حال باید این نمایشنا مه را از نو بنویسم به تو قول میدهم که اینبار تو در نقش شما یسته آن بازی خواهی کرد . زنی با قیافه متاثر گفت : « انشاء الله »

آنگاه به من گفت : — اما تو ، باید به من کمک کنی . در این هنگام در بان تماشاخانه آمد و به فایر گفت :

— خانم با موثر آمده و انتظار شما را دارد .

صدای همان خنده کذایی به گوش رسید :

— خانم پایین است ؟ بگو بیاید اینجا .

لحظه ای بعد اورت خندان از دره در آمد و گفت :

— عجب امروز من هم حق دارم وارد شوم ؟ بر تر آن هم ؟ این قدر کار تمرین پیشرفته ؟ زنی سلام !

فایر در حالیکه سرش را تکان میداد سری تکان داد و گفت :

— خیلی بد جنسی ولی باز هم دوستت دارم و تو هم چه بخوای و چه نخواهی دوستم داری ، بلی تنها مرا دوست داری ، اودت عزیز ، به زودی زیبا ترین نمایشنا مه ام را خواهیم نوشت .

زنش جواب داد : — منظورت از منی فهمم ولی گیت را باور می کنم .

فایر خیلی کار نمی کرد ، سالی یک نمایشنا مه می نوشت و کنار نگارش آن هم سه چهار هفته وقتش را بیشتر نمی گرفت ، در موقع کار بسیار جدی بود ، ابتدا موضوع نمایشنا مه اش را به هر کس که بر می خورد تعریف می کرد تا تأثیر آنرا بسنجد ، صدا های مختلف را تقلید می کرد ، قیافه های گوناگون به خود می گرفت و از تحول قصه الهام می گرفت ، وقتی از سناریو مطمئن میشد ، صحنه ها یی از آنرا در حالی که در اتاق کارش قدم می زد به منشی اش دیکته می کرد و به نوبت جانشین همه بازیگران نمایشنا مه اش میشد ، سرانجام چرکتو پس را می خواند ، در این مرحله کارگاه های با من مشوره می کرد نمایشنا مه «زن فریب خورده» در فورم تازه ای خود به نظر می زیبا بود ، با شما متی شگفت انگیز حساس ترین جنبه های واقعیت در دناک در آن بررسی شده بود ، درامی شده بود رستین و گیرا ، هنر لیات از تندیشدت آن میکاست و تضاد موفقیت با صحنه های زننده پدید می آورد . وقتیکه نمایشنا مه را برای زنی خواند من حضور نداشتم ، ولی چند روز بعد زنی را دیدم و او از من پرسید :

— نمایشنا مه «زن فریب خورده» در شکل نو آن شنیدی ، واقعا خوب است ، نه ؟ عین زندگی است بی رنگ و روغن .

پس از نقش خود را ضعی هستی ؟

— کیف می کنم ، بازگو کردن آن ، احساس آن ساده ابدت مشکلی وجود ندارد .

تمرین ها به سهولت و سرعت بر گزار شد .

گاهی فایر مرا هم دعوت می کرد و اورت را در آنجا می دیدم پس از آنکه شوهرش بویی از قضایا برده بود ، من دیگر او را ندیده بودم ، چه در تماشاخانه و چه در مجالس و محافل ، وقتیکه با هم دیده میشدند قیافه کاملاً عادی داشتند و اشاره ای به اختلاف هم نمی کردند ، به زودی شروع نمایش «زن فریب

بقیه در صفحه ۵۵

تجربه های به انسان

نمونه نوشتنی از آثار ادیبان و نویسندگان
اتحادیه نویسندگان

در جستجوی تو باشم .

پرود گارا !

تو رحمی کن، من دست نیا ز
و حاتم را بسوی تو دراز-
می نما یم تو به لطف خویش مرا به
آرزو یم که بودن بها را ن تست
پرسان و با همه گل ها بیکه در
قلل حسنی تو دلیرانه مغرور و سر
بلنداند يك جا گر دان .

خداوند !

نو مرا نا امید مساز ، من
تشنه محبت و تویی نهایت مهر -
با نی ، مرا تجا ت بده واز درماندگی
دورم کن .

خدا یا !

فریاد مرا بشنو به بنده ات
رحمی کن، خدا یا ! خدا یا !

تو مرا یاری بده و مرا رهنما باش
نا درد و غم خویش را با عبادت تو
فراموش کنم ، فریادی را که در دل
شب از ذرات جانم بر می خیزد به
عرش برسانم .

خداوند !

بنده ات را ببخش و صبری
برایش بده که بی مانند باشد ، زیرا
همه چیز برای وی شوم است . مانند
غریقی است در بحر زندگی که همه
هستیش با کشتی حوادث در میان
امواج خروشان رها شده باشد .
خدا یا !

اندیشه

آن نقش انسان دوستی ، مهر به
انسان و مقام انسانی را مشاهده می
کردیم .

ای کاش این همه انسان هایی که
از يك اصل و جوهر اند . کمر به
قتل یکدیگر نمی بستند ، از ساحل
لبریز سعادت و گل های آرزوی
دیگران گل نمی چیدند . ولی افسوس
که همه انسان ها یکسان نیستند به
مقام انسان اوزشی را نمی پذیرند ،
بینوایان و زجر کشیده گان جامعه را
به چشم حقارت می نگرند ، همه
خوشی ها و سعادت ها را از آن خود
میدانند ، مایه شادی و خوشبختی
را تنها به خود می جویند . ولی
خوشا دستهای دیگر اند که زندگی
خود را وقف دیگران ساخته اند .
خوشبختی و سعادت خود را در
سیمای دیگران جستجو می کنند .
و به خاطر سعادت دیگران رنج می
کشند .

ای کاش همه انسان ها چنین
خصلتی میداشتند ، انسان های
سخت دل و خود خواه وجود نمید-
داشتند ، عاشق و محبت به انسان
و ارزش به مقام انسان همیشه
جاویدان میبود .

ای کاش چنین خصلت نیکویی
همه جامعه را پربار و عشق و
جاذبه و صمیمیت در تن و روان همه
جاودانه زنده گردد .



طاهره افشاری معلم صنف دوازده
لیسه انقلاب

ای کاش زندگی انسان همواره
آمیخته با فرزانه گی می بود ، تاگل
های آرزو همیشه سر سبز میبودند .
ای کاش زندگی انسانی که آرزو-
مند بود ، به زودترین فرصت با گل
های جوان و مالا مال از امید و
آرزو از بین نمی رفت .

ای کاش زندگی انسانی که در آن
چیزی ندیده بود و از آن گل عیشی
نه چیده بود ، در منجلاب به سر
برده و عبور امیدش بدون پندوگ
باقی مانده بود ، به زودترین فرصت
به خواب ایلفرو نمی رفت .

ای کاش قلب انسان ها که خانه
مهر و صفاست همیشه روشن می
بود و همچو آئینه با صداقت . تادر

توشه آینده

بشت خمیده ریش سپید و عصا
به دستی در حرکت میباشد پیابه
نظرم میرسد ، يك حس ترحم ، توام
با ناراحتی برآیم دست میدهند ،
لحظه ای خود را فراموش کرده غرق
دنیای خیال میشوم و یاد آن ایامی
را تصور می کنم که همچو این پیر
مرد خزان ندیده ، خزان زندگیم فرا
رسد و دست بی رحم روزگار پال
های پر قوت جوانیم رادر هم شکسته
خرد و بیچاره ام گرداند و جز یاد
خاطره ها چیزی از من دل سوخته
ساخته نباشد .

و با خود تعهد می سپارم که:

حال که قوت و نیروی در خود می
بینم باید از آن بهره و به ره مطلوب
به کار برم تا توشه یی در
هنگام کهولت و مایه یی برای بسا
افتخار زیستن داشته باشم .

هر زمانی که پیری سالخورده



حبیب «تجیب»

نیایش

ای هستی و زندگی من !

آغاز گر سر نوشم تویی ، من
برایم جویم ، نام تو در قلم نقش
بسته است می خواهم به زبان بیاورم
اما میدانم که صدای مرا خواهی
شنید و خواهی دید که مالک آن تنها
تویی ، تو که آفریدگار منی .

من حالا به خاطر عشق تو زنده ام
مرا بگذار تا ترا همیشه عبادت کنم و



ماللی کبیر

برادر کارگر



هما متعلم صنف ۱۲

ای برادر کارگر، که از فیض و جلال دستان پر آبله تو مردم تمام جهان به آسودگی زیست میکنند، سخنانم را بشنو:

در دورا نهی گذشته به زندگی تو و همکاران تو توجه نمیشد. اما حال که انقلاب تو (انقلاب کارگری) در میهن به پیروزی رسیده و پیروسیه تکامل خود را تکمیل میکند، به تو اطمینان میدهم و ایمان راسخ دارم که زندگی تو از بنیاد تغییر خواهد کرد.

برادر عزیز، چون هدف‌های انقلاب هدفهای تو یکپسند است: سپس به خاطر تحقق بخشیدن هدف‌های یگانه باید بایک دست چرخ ماتمین و با دست دیگر سلاح بر دست‌از انقلابت دفاع کنی و تا وقتی که قطره خون در بدن داری با برادران سرباز و جوانان دلیر میهن برای نابودی کامل دشمنان ناموس، میهن و انقلاب به مبارزه بپرداز. و اگر لازم بیافشد برای راه‌جای شهادت بنوش و حماسه دیگری بیافرین، و نام نامیت رادرج تاریخ مبارزین واقعی کشور کن.

برادر، به این امر ایمان کامل داشته باش که انقلاب از خودت است و برای تو کاری را انجام می‌دهد. پس وظیفه توست که در گام نخست از آن دفاع بکنی. و در گام دوم سطح تولید را بالا ببری و چون آفتاب فیض رسان باشی.

خاطره



زهره نظری متعلم صنف ۱۲
لیسه انقلاب

بلر، ندای قلبی را به یاد آر که سالهاست فریاد میزند که کجایی؟ اکنون با صدای گرفته در تاریکی شب باز هم می‌گوید به سویم باز گرد، گوش کن و تحلیل کن. که آیا میتوانم؟ باوجود دوری تو در این

چند سال باز هم ترا مانند دوران کودکی دوست بدارم. آیا میتوانم؟ با صدای قلبی که مملو از عشق و محبت یک دختر نسبت به پدرش است ابراز نمایم که محبت تو مانند روح شنی مهتاب انسان را از وحشت تاریکی نجات می‌بخشد.

آیا به یاد داری آن لحظاتی را که با هم در زیر یک سقف زندگی می‌کردیم، دست پر نواز شت را به سرم می‌کشیدی و با گفتن (دخترم) مرا از محبت در زندگی لبریز می‌نمودی، فضای خانه با بودن نسو نمایانگر خوشی‌ها بود.

اما دریغ! که زندگی بالاخره با همه یک نواختی‌ها، جدایی‌ها خوشی‌ها و ملال‌هایش سر میرسد و از تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها به جز خاطره‌ای دو ذهن چیزی باقی نمی‌ماند، آری من امروز تنها یادی از آن روزها می‌توانم و جز خاطره‌ای بیش چیزی در مخیله ندارم. یادام است آن روزی که مرا به

مکتب شامل ساختی و شبها تا دیر بر این درس می‌آموختی و مرا به آینده امید واری کردی به خاطر دارم آن روزی که برای اولین بار پارچه ام را که در صنف اول بودم گرفتم و در خانه آوردم مرا بی اختیار در آغوش کشیدی، و یکبار دیگر برایم ثابت شد که واقعا تو موجودی هستی قابل شناسایی.

به ویژه توای پدر محبوبم، که برای آرامی من زندگی را به کام خود تلخ ساختی، بلی تنهایی، جدایی و دوری و همه ملال‌ها را متحمل شدی.

باز هم برایت می‌نویسم، آیا به یاد داری هنگام رفتن را؟ بلی در حافظه هم هنوز هم باقیست آن روز بهاری هنگام غروب دامنه‌های ابر رنگ شقایق را به خود گرفته بود مانند این که عاشقی را کشته باشند که از خون او دامنه‌های ابر سرخ شده باشد، درخت هادر اثر وزش با دلرزه براندام داشت و شر شر آب که از لابلای درختان تپه به تندی سرازیر میشد موج می‌گرفت و می‌گشت نمایانگر آن بود که زندگی نیز چنان است که موج می‌گیرد و بالاخره از هم می‌پاشد، لحظه‌ها می‌گذرند و خاطره‌ها باقی

نغمه دل

وای کاش مرا فردا های بیشمار می بود تا اندر آبادی میهنم جهان شرین، خود را نثار میکردم.

وای کاش کودکی می بودم تا به صحرای سرخ شفق زار به پذیرایی کاروان سعادت گام می نهادم، و همگام با این کاروان به شهر زیبایی‌ها و شهر علم و عرفان برای یک زندگی واقعی می آمدم.

وای کاش ویرانه‌ها را به دست های خودم آباد میکردم، نه چنانکه مرغی را از داشتن کاشانه بسی نصیب میکردم، بلکه برای چوپه هایش نیز مخفی گاهی میساختم تا در زمان ترس و وحشت پناگاه می‌شد برایشان رضایت بخش و خوش آیند.

وای کاش دهقانی را همواره میدیدم که با دستش دانه های هرزه را از میانه گشتش برمی‌چیند به دورش می‌افکند.

می ماند. بنی در همین روز زیبا بود که به خانه باز گشتی چهره ات نمایانگر آن بود که اندوه بزرگی را در دل نهفته میداری و می دیدی که رنج بدبختی همه به مارو آورده است، تو آن روز بیشتر از هر روز دیگر مرا نوازش میکردی و گویا خود را مسئول میدانستی که برای آرامی و خوشبختی من و فراهم شدن زمینه درس و تعلیم جدایی و دوری را قبول کنی تا بتوانی شرایط را برای من مساعد سازی که خوب زندگی کنم، خوب بخوانم و به زندگی آینده امید وار باشم، بلی از نزد من به فرستگ ها دور رفتی، دوری تو برایم طاقت فرسا بود اما آهسته آهسته عادت کردم.

اگر چه مانند تاریکی شب که همه درختان و کوه های سربه فلک کشیده و خورشید را به کام خود می کشند آرزو هایم به تیره گی گرایید، اما امروز تنها چیزی یکه باز هم مرا امید وار میسازد نامه های نوست که برای رسیدن آن لحظه شماری می کنم، باز هم انتظار ترا می کشم و امیدوارم که روزی خواهی آمد.

یا در آن هنگام که آفتاب شعاع سوزناکش را به رنگ، رنگ وجود توای دهقان می پاشید، ای کاش ابری می بودم و بر سرت سایه می انداختم.

وای کاش! طوفانی میشدم عظیم تالانه مفت خواران را با خشم ویران میکردم.

و چشمات نشان را از خواب غفلت بیکبارگی باز می نمودم و به کار و زحمت فرامیخواندمشان تا میدانستن که دهقان کیست و کار چیست.



ناهید (بشر دوست)

پاسخها، پرداختها و اسلوبها

نخست ، درود گرم ما نشان
دوستان و گرامیان باد !
و اما بعد ،

چون پاسخگوی پیشین یا یار
مهربان ما و دوست گرامی شما
مصرف فیهیهای فراوان دیگری داشتند
بارگران و پر مسوولیت این صفحه
را به من کمیته کمترین سپردند.
یعنی پس از این من کمیته به پای
بزم سخنبا و ترانه های شما خواهم
نشست و با یاری جستن از بر خی
کار کرد های خجسته آن دوست
عزیز به یاری شما دوستاندا ران
صفحه (پاسخها) خواهم شما ف
امید وارم که از مهربانیهای خود
نکاهید و با فرستادن نامه های خوب
و خواندنی به رنگینی صفحه خود
پیفرایید .
از سوی دیگر ،

شما بهتر می دانید و آگاهید ،
که گوی به نام (سنت) هست ، و
گویی هم به نام (سنت شکنی) .
سنت اگر نیکو و پسندیده بود ،
میمانند ، دوام می یابد و به گونه ای
پرسیده می شود ، و اگر نپسود
خواهی نخواهی روزی و روز کاری
شکسته میشود و باید هم بشود و
پشکند ، زیرا چسبیدن به سنتی که
دیگر به نامز مانی رسیده است و
تیره گوی و تحجر ، نه تنها شایسته
تقدیس و پرستیدن نیست ، بل
سزاوار شکستن و از میان برداشتن
نیز هست . باری رسالت در آن
است که همچو سنتی باید شکستانده
شود .

روال یا شیوه کار در صفحه
«پاسخ به نامه ها» به گونه ای از
«سنت» مبدل شده بود سنتی ، که
تا مرزی پسندیده بود و تا مرزی

هم همراه با یکنواختی . دوست
گرامی ما پاسخگوی پیشین از پس
که مصرف بود و مشغولیت داشت ،
نمی توانست برخی نامه ها را بسا
فراغت و بی شتاب بخواند و بسا
آرامش خاطر به تحلیل و تجزیه آن

ها پردازد ، یا گاهی در میانه کار
های دیگر و نامه های محبت آمیز
شما چنان غرق می شد که شما
نپرسید و ما نگوئیم . به هر حال ،
پاییم بر سر گپهای دیگر .
من که چند گاهی به جای پاسخ-
گوی پیشین مسوولیت بررسی-
صفحه (پاسخ به نامه های دوستان)
دیروزی یا (پاسخها ، پرداختها و
اسلوبهای) امروزی را پذیرفته ام .
عرایض و سخنهایی نیز دارم که
باید همین حالا با شما دوستان و
دوستانداران این صفحه در میان
بگذارم و منتظر نظریات شما . بمانم
تا چه فرمایید و چه نویسید .

نخستین سخن این ، که ما گاهی
هر چند نا رسا در مرز سنت شکنی
پر داشتیم و با سبب فراوان از
کار کردهای پاسخگوی پیشین عنوان
صفحه را تغییر دادیم . چه می-
دیدیم ، که در این صفحه نهامساله
پاسخ مطرح نیست ، بل مسایل
دیگری چون پرسش ، انتقاد ،
توضیح ، تفسیر ، نشر ، جمع و
بدون تصرف یگان نبشته ، گرس
و نشر یگان پارچه شعر و مائش
نیز مطرح است ، پس به دنبال
واژه «پاسخ» دو واژه دیگر «پردا-
ختها و اسلوبها» را نیز به جای
(نامه های دوستان) افزودیم تا باز-
تاب راستین مطالب و موضوعهای
وابسته به این صفحه باشد . ببینیم
که نظر شما در این زمینه چیست .
دومین سخن این ، که در اسلوب
پاسخها نیز راهی تازه تر بر گزیدیم ،
بازی گزینشی این راه در نحوه پاسخ
ها و تحلیل نامه های شما نهفته
است ، امید واریم که مطلوب و
پسندیده واقع شود .

صومین و فرجامین سخن این
که در صمیمیت و بی ریا بودن با
دوستان و نیز در تتر سیدن از بد
خواهان و کژ اندیشان مانده شما
خواهیم بود . باشد ، ببینیم تا چه
پیش آید . اینک به امید یاریهای بی
دریغانه شما میپردازیم به پاسخ

و بررسی فرستاده هایتان .
نخستین نامه را ، که کشودیم ،
به نبشته یی زیبا از خالده لیب-
نیازی بر خوردیم این خواهر گرامی
ما نبشته خود را همراه با سلا می
گرم جهت نشر به صفحه ادبی مجله
فرستاده اند ، ولی ما آنرا در این
صفحه مناسبتر یا فتمیم ، باری پیش
از نشر این نوشته خوب ، یاد آور
می شویم که :

خواهر گرامی خالده لیب-بازی :
شما در نوشتن پارچه های منشور
ادبی استعداد و توانایی خوبی دارید
پارچه شعری را که در ذیل نامه خود
فرستاده اید ، نیز زیباست . ما
باور داریم که با مطالعه و پژوهش
گسترده تر شعر شما عران نام دور
معاصر ، استعداد شما بسیار زود
به شکوفایی میرسد و درخشش
بیشتری می یابد . اینک به اسلوب
همکاری های دوامدار شما ، سعی در
نوشتن شما را باندک تعدیل و صرف
و شعر شما را بدون تصرف به نشر
می سپاریم . ساد و سلا می-
باشید .

... در میان این دفتر کشوده در
مقابل من آنچه ، که در خور
روندون باشد . بیست ، طبع نام
رسای من کجا و چشم مو شکافو
بخنه جوی شما کجا ؟ اما بگذار-
یکبار دیگر ، بجویم ، شاید بریشان
نقشی از يك آرزوی خفته را بیایم
و برایتان بفرستیم .

آری ، همین از «هیج» بهتر است
همین نظم گسسته محبت ، همین
جام شکسته مهر همین آرزوی خفته
در خاک و همین در جستجوی همصدای
خوب را با هم یکجا بخوانیم ...
من ترانه می نویسم ، ترانه ای که
همصداست و هم فریاد . صدا و
فریادی ، که همواره با من است و
مرازنده میدارد ...

به من از عشق بگو

به من از عشق بگو

به من از قصه پر درد حلایی
هایش

ز آشنایی هایش

که تو تنها قصه گوی شب تنهای

منی

که از عشق هنوز

با تو بودن را میدانم و بس

نه جدایی ها را

و نه شبهای سریشانی و بی

سامانی

آسمان دل من

با فروزانی مهتاب وفا

مظهر عاطفه و مهر و صفا ست

نه جدایی و مراق و هجران

نه کمین گاه شب تار جفا ست

تا جهان ابدیت دل عشاق یکپس

با هم و بی همشان

هم رینا ست

دوست عزیز عبدالقدوس (نهفته)

فراهی

سلام صمیمانه ما را نیز بپذیر

نامه جالب شما را خواندیم . به

عکس گفته شما هم (بخنه) بود و

دست . به راستی با هر

همچو مطلبی را نه شنیده بودیم و

خوانده . اما از برکت وجود و فیض

قام شما هم خواندیم و هم شنیدیم

برادر محترم ، شما به کار بسیار

با ارزشی پرداخته حتی به گونه

به صورت تحقیقات علمی نزدیک شده اید

کار و کوشش شما درین زمینه

بسیار پر بهاست ، و از رهگذر

خدمت به زبان ، به ویژه از نگ

خدمت در معرفی لجه معمول و مروری

در محل و محیط مان ارزش خاص

دارد . بنابر این ، امید واریم به

نکته زیر توجه فرمایید :

۱- مقدار زیادی مثلا صد تا

و سه صد یا تا هر چندی ، که

توانید از همین گونه واژه ها

فراهم بیاورید و جمع کنید ، بعد

ها را به ترتیب الفبایی تنظیم نمایم

آنگاه به شکلی که در ورق

نوشته اید ، بنویسید . و نیز

ممکن باشد که هست یکبار

فرهنگها و لغتنا مه های معتبر

مانند (فرهنگ معین) و (لغت

دهخدا) مراجعه کنید ، و شیوه

کار

ها را در بخش تحلیل و ارزیابی یکواژه و معنای آن ببینید. دیدن این فرهنگها شما را یاری میدهد، کهواژه های خاص لهجه مورد نظر را با اسلوب بهتر و علمیتری بنگارید.

۲- هر گاه در امر بر آوردن نکته اول موفق شدید، به نظر ما بهتر می نماید، که با مدیریت مجله (فرهنگ مردم) تماس بگیرید، چه بای نشر همچو مطالبی در آن مجله به خوبی و گسترده گی میباشد. استواری نثار گامهای تان باد! و پیروزی نثار رها تان!

همکار گرامی حسین «فخری»:

پس از تقدیم سلام گرم متقابل و طلب صحت مندی برای شما این، که: شعر شما را با عنوان «ستایش» دریافتیم و خواندیم. توانایی شعری شما ستایش انگیز است، و لی در (وزن) کمی نارسایی دارید. به گونه مثال وزن چند مصرع در همین شعر شما بر هم خورده بود، ما به اجازه شما آنرا اصلاح کردیم، باری آنرا با اصلش که خواهی نخواهی نزد خود دارید، مقایسه نمایید و ببینید که نارسایی در کجا بوده است. از سوی دیگر، اشعار شاعران بزرگ و شناخته شده را در همین زمینه بیشتر بخوانید. با خواندن چند دفتر شعر خوب از شاعران رسا - نامند معاصر، گامهای بلند در شعر و شاعری بر خواهید داشت. به امید همکاری همیشه گی شما.

ستایش

ای حزب قهرمان!

امروز ما همه به شکوه تو خیره ایم
ایمان پاک ما ز تو سیراب گشته است
فرزند پر حرارت و با همت توایم
در عمر کوچکت چه فراز و نشیب ها
بیکار ها که جمله ز فولاد و خار سخت
غولان زور و زر همه در صحنه ستیز
در پیش قوت همه بشکست و خاک گشت
هر چند یک و یا دو سه فرزند ناخلف
بر دامن مطهر و انسانی تو تاخت
هرگز نگشت مشعل پر نور تو خاموش
محروم گشت نا خلفان از همه شناخت
آری ستایش تو و تکریم تو به ما
فرض است چونکه تازه تو آبا دگشته ایم
ایکاش عمر مهلت آنرا به ما دهد
تا باز شانه های ترا باز کم کنیم.
هم دشت های خشک و تب آلوده ترا
آباد و پر سخاوت و معمور و پر نسیم

دوست گرامی محمد ظاهر ایوبی معلم صنف یازدهم ساینس لیسه مهر شهید.

نوشته خوب شما را دریافتیم و خواندیم. لطفا به نکات زیر توجه فرمایید.

۱- حسن کنجکاوی و نگاه جستجوگر شما سزاوار سپاس فراوان است به کمتر شاگردی پیدا میشود که چون شما به مسایل دانش و فرهنگ دقیق شود و دقایق موضوعهای مهم علمی را کشف و درک نماید تا بتواند بر این، در حالی، که احساس و ادراک شما را در این زمینه می بینیم، انتظار داریم که از کار و پرداخت و مطالعه همیشگی خویش بکامید و با ارسال نوشته های بهر و سوده تر ما را شادمان بعد بداند.

۲- (فرهنگ عمید) و رساله (اغلاط مشهور) همان سان، که شما توجه شده اید از ارزش و اعتباری که فرهنگهای نظیر (فرهنگ معین) و (تألیفات نامه دهخدا) و «برهان قاطع» دارند، بی بهره اند. محققان و دانشمندان زبده زبان دری به «فرهنگ عمید» و «اغلاط مشهور» توجه و تکیه ندارند و بر این دوتا استناد نمی ورزند. همین امر، همین آن است، که ارزش علمی «فرهنگ عمید» و به خصوص (اغلاط مشهور) بسیار کم و محدود است، از سوی دیگر، رساله «اغلاط مشهور» فراهم آورده

رکن زاده - آدمیت، که سالها قبل به چاپ رسیده آنگاه از نادرستی ها و اشتباهات و هیچ ضرورت نیست که برای رساله کم ارزش و پر غلط استناد شود زیرا این رساله نه تنها در ست راهنمایی نمی کند، بل سبب تشویش و انحراف فکری خواننده نیز می گردد.

به پاسخ نامه بی شماره پیشین

پاسخگو:

سلام ما بر تو باد، برادر خشمگین.

گیرم قلم شکست، از زانترین قلم دیگر میخرم. خوب شد نگفتید که فکر مفاصل شده است که آنوقت ((فکر دیگر خردن)) مشکل تواند بود. این یکی که خبر خود را از گوشه رستان گرفته است، هیچی به من مربوط نیست، نه طبیب نه بیطار، سراغ کس دیگری را بگیرد. با زهم عوضی دق الباب کرده اری - خدمت حضور، عرض شود که اینجا مجله ژوندون است و مجله شما را به مجله ((دکمیا نواینس)) معطوف میداریم. تنها به نزد قاضی رفته اید برادر عزیز. از آن تو همین ها و تحقیر ها که میگوید یکی آنرا مثال زند.

شاید بگوئید ((تشویق های بیجا چه کسی را هنر مند ساخته است.)) براستی کسی را هنر مند نساخته است، اما میگویند ((در وجود هر انسانی هنر مندی خوابیده است و تنها آموزش و پرورش در ست این هنر مند را بیدار میکند)) کوشش نماید آن هنر مند درونی و جود را بیدار کنید و به تشویق ها بسپارید حساب نکنید که دروغ مصلحت آمیز است، راست میگوئید ((هیچکس در اولین گام میرداری به منزل نمی رسد)) و باز را ست میگوئید ((که هیچ کس در نخستین کار خود کامیاب نبوده است)) «سالها باید که تایلک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندریم»

اگر در یک روز، در چند شماره مجله ژوندون به تشویق ها کسی هنر مند میشود. بیا بیدار شو بت آسیای با به ثبت نام کنید و چندین شماره مجله را به سیاه مشق ها و تمرینات ادبی اختصاص میدهیم تا دنیا گلزار شود و کشورمان پر از هنر مند. آدرس را یاد داشت کنید که این چانس طلا ببارد دیگر میسر نیست.

مجله ژوندون - صندوق پرورش هنر مند - مربوط صفحه جواب نامه ها.

و میرسیم بر سر کلمه ((جیب)) که جنجال بر سر او - ست، گفتیم دو کلمه جیب داریم یکی به معنی کیسه و خریطه و دیگری به معنی گریبان و ...

و دلیلش گفتیم که چرا کیسه و خریطه پیدا شده بودم و حالا شما بگوئید و ببارد دیگر فرهنگ عمید تا نمره جبه کنید که آیا کلمه جیب معنی کیسه و خریطه را هم میدهد یا نه؟ یا اینکه پاسخگو آن معنی را از خود فرموده است و بقول شما از معده خود بیرون آورده است.

و گفتید مغز خام خود را بر تراز کامیو تر دانسته ام. عجب!

فهم سخن گر نکند مستمرا

قوت طبع ز متکلم مجوی

برا در بر آشفته، در آنجا این چنین نوشته بودم ((... مغز بر تر از کامیو ترم! چنین سبوی را یاد داشت نگرده...)) و خوب میدانید که آنجمله علامت تعجب به دنبال داشت و معنای جز شوخی و مطالبه چیز دیگری در نظر نبود و راستش هم کسی نمیتواند با مغز کامیو تر رقابت ورزد.

و خاضعانه عرض شود که منظور به رخ کشیدن سنده و سبیل نبود، و آننگهی لیسانسه شدن چه بها دارد که به رخ شما بکشم. والسلام

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

بس است



عزیزم در راباز کرده ام خوش باشی که خانم در خانه نیست .



برسا نمتان !

نی امروز ناوقت شده خودم پیاده میرم بای، بای !

فقط يك دالر داشت

اسکا تلندی پسرش را بگوشه بی
خواست و با عصا نیت گفت :
پسر خجالت بکش ...
چرا پدر ... برای چه خجالت
بکشم ؟
برای اینکه من تو را دیشب
با يك دخترى مقبول در كافى
دیدم ...
تو آزادى، هر کارى که دلت
میخواهد بکنی نی - نی ... ولى
من مخالم که این کار را بی جهت
انجام بدی و پولت را خرج کنی ...
خوب ، حالا بگو دیشب چقدر
پول خرج کردی !
پسر جوان جواب داد :
پدر فقط يك دالر !
تو مطمئنی که بیشتر خرج
نکردی ؟
بلى پدر جان ... مطمئن
هستم چون آن دختر يك ييشتر
از این پول همراه نداشت !!

خانه را آتش گرفت

نمایش بجای حساسی خود
رسیده بود که ناگهان خانم
از جایش پریده و وحشت
زده به شوهرش گفت :
عزیزم ... میدانی ... من
یادم رفته که والیسا کیت
اتوی برقى را از اتاق خواب
بکشم ...
زود شو تا خانه را آتش نگرفته
خود را به منزل برسانیم !
شوهر با خوشنسى جواب داد :
نگران نباش عزیزم ...
را آتش نخواهد گرفت .
چرا چه شده ؟
برای اینکه منم اتفاقاً یاد
رفته که شیر دهن تشناب
ببندم .

مرد کو با نی در یکی از رستورانهای امریکا ، مشروب زیبا دی
خورده بود ، بطوریکه بزحمست
میتوانست سر پای خود استاده
شود ... ولى بازهم به پیشخدمت
سفا رش مشروب را میداد ...
پیشخدمت رو به او کرد و گفت :
سولى آقا ، بهتر است که
دیگر مشروب را پس کنید .
کوبای پرسید :
چرا ... برای چه ؟
چون شما بسیار مست
هستین !
کوبای خنده پی کرد و گفت :
نی جانم ... هیچ اینطور نیست ...
من کاملاً به هوش و هوشیارم ...
وبعد با دست در هو تسل
نشان داد و گفت .
برای اینکه اشتباه نکرده آن
گر به را که می خواهد داخل
هوتل شود مى بینی ، فقط
دو تا چشم داره .. در حالیکه اگر
من مست می بودم آنرا چهار
چشمی میدیدم .
پیشخدمت سرى تکان داد و
گفت :
ولى شما اشتباه میکنید .
چطور من اشتباه میکنم !
برای اینکه آن گر به در مش را
بلند کرده و مى خواهد از هتل
خارج شود !!



بدون شرح

اشترک در اولین مسابقه

شاگردان ملا نصرالدین

-۲-

واقعۀ جهانی - حادثۀ ای که دهان‌های پر خنده را بسته کرد، چشم‌های بی‌آب را بگریه آورد، جوان‌ها را پیر ساخت و پیرها را جوان. نمیدانم بکدام زبان این واقعۀ خطرناک را برایتان بازگو نمایم؟ آیا با همین زبانی که درد هنرم است؟

نی - خدا این زبان را تنه بسازد که آن حادثۀ را بیان کرده بتواند.

اما ... اما ... دردا ... و ... در یفا -

چه درد سر تا نبد هم ... بلی در همین موقع حساس بود که یک نفر ناشناس «سر کرده میدان» ((لم داده آمد و با صدای وحشتناک خود گفت: «مسابقه امروز خلاص شد» این بود حادثۀ ای که همه قلب‌ها را ایستاد و معده‌ها را از خنده بازماند، آن واقعۀ هولناک. با شنیدن این گپ متوجه شدم که کارکنان و تماشاچیان با دهن‌های پر خنده و چشم‌های پر اشک بسوی (ویل خنده) روان شدند. من هم رفته به یک اطاق ریل بالا شدم، اما بعد از مدتی دیدم که درین اطاق همه هنرمندان و شاگردان بودند و این اطاق مخصوص بود. درین‌جا من با اعضای فعال (اتحادیه فکاهی) یعنی در و غکو ها، دیوانه‌ها و لافوکه‌ها آشنا شدم.

عجب جانی بود. در چوکی پیشرویم دیوانه‌ها که ریاست اتحادیه را به عهد داشتند نشسته بودند.

موتردر حرکت و همه کس مشغول خود. که دیوانۀ پیشرویم از جایش برخاست و رویش را سوی من دور داد و گفت: او... او... سلام احمد جان موهایت تغییر کرده.

اعصابم خراب شد فریاد زدم: می‌بخشید نام احمد نیست نام من لبوک است.

دیوانه گفت: او نام تان هم تغییر کرده.

بقیه در صفحه ۵۱

خون بود برایم گفت که: امروز زنده به من سفارش داد که چار ساعت وقت ترازد فتر بیرون شوم و چون در سینما «پول پرست» فلم تازه وارد هند ی بنام «سیوس» که سراپا رنگین و دارای محتوای عالی و بسیار بلندگمراه کننده می باشد، چار قطعه تکت برای دونفر بگیرم. با وجود آنکه یک پول هم نداشتم، بخاطر یکۀ سخن خانم صاحب را بزمین نه انداخته با ششم پول چار قطعه تکت وچپس گرم را قرض کردم. اما در نیمه راه خدا خیر ندهد این (کیسه بر) های مزاح قبی را که جیب‌هایم را خالی کرده بود.

ناچار با دست‌های خالی بخانه رفته خانم با دار بدون آنکه دلیل یا سختم را بشنود دید که تکت نگرفته ام مرا به این حال انداخت می ... هسی هو... هو... هو... او را

بگریه ای خود شگفتا شدم و چیزی نگفتم و خودم رفتم که کارروایی های دیگر شاگردان ملا نصرالدین را تماشا نمایم. و همه تماشاچیان با دلچسپی خاص متوجه نمایشات بی نظیر بودند.

اما درین موقع حساس که همه با چهار و نیم چشم به سوی هنرمندان! متوجه بودند حادثۀ بزگی در میدان بود قوع پیوست. حادثۀ ای که همه را تکان داد، واقعۀ دلخراش و کشتنه که تماچیان را چارده متر از جا پراند.

بلی بلی زبان قادر به بیان کردن آن نیست.

و گپ‌های کلان کلان و خورده خورده کلانی زبان مورچه و به خور دی کوه هندو کش جور می‌کنند و بیچاره زن‌ها و دخترها را عصبانی می‌سازند.

اما من به شاگردان ملا نصیحت کردم که متوجه باشند که بعد ازین دخترها و زن‌ها را چیزی نگویند و اگر نه موی کنک خواهند شد و یا پوست و روی شان پرت پرت.

اما که گپ را بشنود و قبول کند هنوز می‌خواستیم که بیشتر نصیحت‌شان کنم که کمی دور تر از من دو نفر پیس پیسک می‌کردند، یکی از دیگر می‌پرسید که رادیو مونث است یا مذکر؟

دو می‌جواب داد. مونث. اولی باز پرسید که چرا؟

دو می‌گفت: بخاطر یک رادیو از صبح تا خفتن گپ می‌زند و هیچ خسته نمی‌شود. بخاطر این مونث است.

اعصابم خراب شد بسوی آن دو دیدم، آن نفر را با لا کرده و خود را بزمین زدم و از پیش آن نفر فرار نمودم، درین میان شخصی پیشرویم آمد و گفت: چرا اینطور می‌گریزی؟ نه که زنت با جا رود و پشتت روان است؟ وضع مرا خود تان حدس می‌زنید.

بهر حال: من رفتم و به یک کنج میدان از ترس پنهان شدم که صدای غالمفال و داد و فریاد یک نفر بلند گردید. طاقتم نیامد بسویش رفته و از وی جو یا شدم که چه گپ است؟

در حالیکه سروکله‌اش پر

در قسمت دیگر میدان رجب‌خان در حالیکه (سگرت لایتری) بدست دارد و کمی متأثر بنظر می‌رسد بسوی عجب خان می‌رود و به وی می‌گوید:

فکر نمی‌کنی سگرت لایتر بجای گ و گرد را بگیرد؟

عجب خان با پوزخندی به سعت غارهای بینی‌اش جواب می‌دهد:

احمق نشو - کی می‌تواند که سگرت لایتر دندان‌ها و گوش‌هایش را پاک کند؟

رجب خان با شنیدن این جواب امیدوار کننده از خنده بغیز که می‌زند و به همان راه که آمده پس می‌رود.

در گوشۀ دیگر میدان چند نفر از شاگردهای ملا با هم تجمع شده بودند و صحبت از دوازه ماه می‌کردند.

یکی از آنها از دیگر پرسید: توجه ماه ای را بیش از سایر ماه‌ها دوست داری؟

او بلافاصله جواب می‌دهد:

ماه حوت را.

اولی با تعجب (دهن باز کن) پرسید:

از نظر تو ماه حوت چه مزیتی دارد؟

دومی گویی که شباهت تمامه فیلسوفی را گرفته جواب داد: هیچ، چون ماه حوت ۲۹ روز است و یک روز کمتر گرفتار خدا انصاف بدهد شاگردان ملارا با استادشان که همیشه پشت زن‌ها پرو پا گند می‌کنند



جستجو برای...

پنجده سال مبارزه...

۶۰ فیصد نیروی بشری رادرداعات زنان تشکیل میدهد. آنها وظایف مهم رادر ذرات ، تکبداوی حیوانات و اقتصاد کشور ایفا میکنند. قابل یادآور است که هشتاد فیصد زنان در امور تجارت و چهل فیصدشان در کارهای صنعتی اشتغال دارند. بهمین منوال نصبت فیصد کار گنان تعلیم و تربیه صحت و تجارت دولتی را زنان احتوا میکنند انکشاف سریع کادر زنان در سایش و تکنالوژی نیز چشمگیر است در سال ۱۹۵۶ تعداد فیلل زنان درین ساحه فعالیت داشتند و حالیکه امروز بهده ها هزار زن درین رشته مصروفیت دارند. ناگفته نباید گذاشت که چهل فیصد از انجیران آتکسور رازن تشکیل میدهد آنها موفغانه به تحقیقات علمی می پردازند دوکتوران وادوه سازان مقدم بر هم توجه شانرا به صحت طفل و مادر معطوف میدارند.

تعداد قابل توجه آنها به ساختن ماشین آلات فلز کاری - آپرسی - تراشید و صنعت برق مصر وفیت دارند در ساحه تعلیم و تربیه زنان فعالانه در تحرك دو جهت کار مینمایند - در تدوین خوب و فرا گرفتن خوب در ساحه ادبیات و هنر زنان کاشانرا با علاقه و اشتیاق بکارهای خلافتان وقف نموده و همه روزه در تلاش آنند تا توانائی ها و استعداد های شانرا در خدمت مردم بکار بیاند آزند.

بدینوسیله فعالیت های انقلابی بسیاری از کادر های زنان ابد یده شده و امروز مقام قابل ملاحظه ای را در وهبری دولت - اقتصاد و اجتماع بدست آورده اند.

نخستین دوره مقننه اسمبله ملی فیصدی اعضای انات پارلمان را (۲۵۴۸) احتوا مینمود در حالیکه در ششمین دوره مقننه در سال ۱۹۷۶ فیصدی شان به (۳۶۹) ارتقا نموده

در تمام سطوح شوراهای مردمی فیصدی نماینده می زنان به ۲۷ تا ۳۰ فیصد میرسد. در ویتنام امروز ۲۳ نفر از وزرا و ۲۲ معاونین و رهبران دولتی را زنان تشکیل میدهند

جمهوری سوسیالیستی ویتنام در صد آن است تا شرایطی را برای زنان فراهم نماید که آنان بتوانند وظایف شانرا به مثابه یک مادر خوب بسر رسانیده اطفال شانرا بشکل درست تربیه نموده و آنها را متحیت افراد صالح به جامعه تقدیم نمایند.

اتحادیه زنان ویتنام که توجه اولیاش را

به برابری های مربوط به فامیل و تربیه اطفال میذول میدارد نفس مهمی را درین ساحه ایفا نموده است. میلیون ها مادر ویتنامی اطفال شانرا به مثابه افراد با استعداد و شجاع جامعه تربیه کرده اند.

هوچی مین باری در مورد زنان ویتنام گفته بود: «مردم ما به مادران دو منطقه کشور ماحه شمال و ماحه جنوب بخاطر بیمان آوردن و تربیه یک نسل کامل قهرمان سیاس بگرانی را مدیون اند.» علی الرغم آنکه پنجاه سال مبارزه انقلابی یک دوره طولانی نیست لیک این دوره گویای تغییرات ژوف انقلابی است که مشخصه زندگی زنان کشور ویتنام را تشکیل میدهد.

اتحادیه زنان ویتنام بعیت فدراسیون بین-

المللی دموکراتیک زنان مانند همه زنان مترقی کسی بالاخص زنان اتحاد سوری و جامعه سوسیالیستی بخاطر همبستگی کار و بیکار نموده و از آن پشتیبانی بعمل آورده اند.

اتحادیه مزبور با همه نیرو و توانش از مبارزات انقلابی زنان همه کشور ها - از مبارزات عادلانه مردم جهان بخاطر صلح - آزادی ملی دموکراسی و ترقی اجتماعی پشتیبانی نموده است.

واقعات مهم...

پس از آنکه رهبری نا تو اعلام کرد که راکت های هسته ای میان برد امریکایی را در اروپای غربی مستقر خواهند ساخت، در سراسر اروپای غربی و امریکا اعتراضات براف افشاد. تظاهرات سرخپوستان امریکا برابر احقاق حقوق شان از جمله رویداد های مهم امریکا ست و راه پیمایی گسترده نمودند و حقایق تکان دهنده این مدافعان حقوق بشر را (!) فاش کردند.

سران ۹ کشور عضو بازار مشترک اروپا در لکسمبورگ گردیدند و جمع شدند هدف شان اتخاذ سیاست مشترک در برابر یک رشته مسائل مهمی بود که در برابر آنها قرار داشت اما هیچ گونه تدابیر توانست، بحرانی های گوناگون این بازار را چاره سازی

«موزا زو ک» که یکی از منا طسق

کو هستانی را در آنکشور احتوا مینماید امکانات خوبی برای برمه کاری چاه های نفت و گاز موجود بوده است. طبق پروگرام

مرنبه در حوزه های «براهما - پوترا، تراپو را، گاشجار و

میگالایا» واقع در ایالت اسام هند به اعماق مختلف امور برمه

کاری واستخراج نفت و گاز زروی دست گرفته و بشدت جریانی

دارد. هم چنان در بنگال غربی نیز چندین چاه نفت به عمق های

متنوع حفر و آماده بهره برداری شده است. در حال حاضر

تحت نظر جیو لو جستان کار در دو چاه جدید الاحداث این منطقه

بشدت جریانی دارد و قرار است تا او اسط تا بستان سال آینده

کاملا آماده گردد. در ایالت

اندیرا پردیش هند نیز در چاه های نفت و گاز کار جریانی دارد.

نفت این پروژها در ماه فبرو

سال (۱۹۷۴) در سواحل بمبئی

به فعالیت شروع نمود و اما کار های تولیدات تجارتی در ماه

می سال (۱۹۷۶) آغاز گردید

در سال های اول حجم مجموع

استحصالات نفت از این معدن روز

به (۴۰۰۰) بیرل میرسید لیکه

اینک امروز حجم مجموعی تولید

در روز به بیش از (۱۰۰۰) بشا

نزد (هزار) بیرل بالغ میگردد.

بر حسب راپورهای تازه در ح

حاضر حجم تولیدات و بهره

بردارنی از چاه های ساحل

آنکشور سالانه به اضافه

هشت میلیون تن میرسد که در

هر روز حجم آن (۱۵۰۰۰۰)

بیرل خواهد بود. چاه جدید

در این تازه گئی ها در نزدیکی

بمبئی کشف و به تولید آغاز

است بدون شک حجم استحصالات

نفت را در آنکشور تا سال

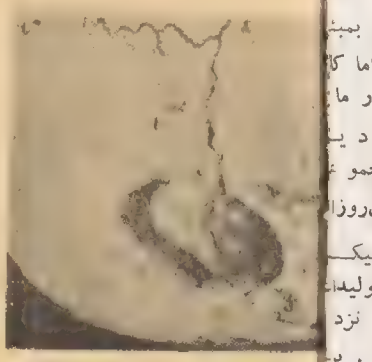
(۱۹۸۵) دو چند خواهد ساخت

شیوه‌های اولی طبابت در بلغاریای باستان



علاقه تجارتی و مبادلات فرهنگی، پرورش مواسی و همچنان زراعت و صنایع دستی و معملی، باعث آن شد تا علاقه‌مندی به علوم طبیعی، طبابت و وسایل مربوط به صحت و امراض، سفایابی و سائی مسایل مربوط به معالجه شیوه‌های مقدّمات تدوین و خدمات صحتی پیدا شود و این بخش مهم زندگی مورد مطالعه قرار گیرد. مردم آن اولین بلغاریا عقیده داشتند که بعضی سنگ‌ها دارای مواد اعجاب‌انگیز سفایابی می‌باشند. جواب شماره ۶۲ پاپ نیگولاس اول که «بلغاریایی‌ها سنگی یافته‌اند که بعضی اوقات علالت را رفع و بعضی اوقات نمی‌کند» نشان می‌دهد که اعتقاد به سحر بصورت متوازی با تجارب عملی در زمینه تدوین پیش و فته است. او این کتله‌های مفید در بلغاریا از میدگی سنگ‌های مدارا و از سه کیلو متری آن یعنی از میدگی سنگ تیفه‌های نزدیک قریه کالوگیر تسایا سفایابی استفاده می‌کردند. تا آخر قسرن ۱۹ در طبابت عنعنوی بلغاریا از دیگ سرخ برای رفع ضعف و دفع اثر چشم‌بد استفاده می‌کردند، دیگ سرخ و یا خاک سرخ بنام (ارگیلا دیورا) بعد از میله کردن در آب و یا مشروب حل شده و بیمار آنرا صرف می‌کرد. این رسم برای مدت طولانی وجود داشت. با این اعتقاد که سنگ سرخ‌خاوی مواد مفید بوده و هم از نگاه اعتقاد مردم باین باور بودند که صرف آن صحت آنها را بهبود می‌بخشد.

امروزه مطالعات تاریخی را در باره فرهنگ کشور و یاجا معه و قتی‌کامل میدانند شامل تمام بخشهای زندگی و موضوعات است که شیوه زندگی آنرا خصوصیت بارز می‌بخشد، روش، مواد و وسایلی که تدوین مردم یک سرزمین همزمان با آغاز یک زندگی فرهنگی آن بکار میرفته، گواه بسیار آموخته‌ها است از اینکه فرهنگ آن جامعه در زمان و یا مراحل بعدی در کدام سطح و معیار بوده است. زیرا تا مین صحت و سلامت مردم همیشه موضوع اولی است حل هر جامعه در زمینه همه قابلیت و تدابیر برای بقا بکار می‌برد و کمتر فرو گذاشتن درین زمینه صورت می‌گیرد. کذا آشنایی با شیوه تدوین و وسایل تدوین توده‌های اولی، در بنیان جوامع بعدی را گذاشته‌اند، در گام نخست آشنایی با معیار فرهنگی مردم آن چنان و این بخش امروز خصوصا با علاقه‌مندی و روزگاری می‌شود.



مردمان اولی بلغاریا عقیده داشتند که از بعضی سنگ‌ها به عنوان دوا و سفایابی استفاده کنند.

اما در مروت زمان اعتقاد و رسوم چایش را به مشاهدات، تجارب و بکار بردن مواد مفید و آزمایش شده داد.

همان بود که بناهای بزرگ در گروت و لکان و پساتر در منطقه دانیوب بلغاریا ساخته شد. سیستم‌های زیرزمینی آب رسانی بزمان آمد، همین اکنون بقایای زیادی از این گونه‌ها در زمین‌های بلغاریا وجود دارد که نشان می‌دهد آب بصورت بسیار مصنوعی و صحتی به منازل و معلات انتقال می‌یافت. حوض‌ها و فواره‌ها

باینصورت مطالعه همه جانبه تاریخ‌مضمون که در مروت در باره معیار صحتی و روش‌های تدوین بخش تدوین قبایل و ملل مورد دید می‌باشد. کشور بلغاریا درین زمینه یکی از بهترین مثال است. تاسیس اولین دولت بلغاریا در ۶۸۱ میلادی سرآغاز زیست خصوصی رشد فرهنگ مردم این کشور مطالعه باره پروژه‌های بزرگ ساختن، توسعه

بین می‌برد. یونانیها با گرایش به مسیحیت قبل از آن بلغاریا را از شستن و جود در روزهای چهارشنبه و جمعه منع کرده بودند.

همین اکنون معلومات و سعی در باره این موضوع توسط دانشمندان گردآوری شده که مردم بلغاریای باستان چگونه جمعه را عملیات می‌کردند و در نگاه فتن جمعه از چه روش‌ها و چه وسایلی کار می‌گرفتند. عملیات و شگافتن جمعه چه از نگاه صورت آنها در مورد وجود مرض و چه از نگاه بلند رفتن سطح معلومات شان در زمینه جراحی

و شناخت اعضای و جود انسان و همچنان آموختن بهبود در تکنیک عملیات دارای اهمیت بخصوص است. شگافتن جمعه بعد از زخم

بر داشتن سر در جنگ سبب شد تا در بخش جراحی و انکشاف چشمگیر طبابت، پیشرفت‌های زیادی بدست آید. و سایل خشن و

ابتدایی جراحی آن زمان برای چنین عملیات دقیق عبادت بود از سنگ چقماق، شاخ آهو، پوست سنگ پشت و امثال آن که در مروت زمان جای این وسایل را آلات دقیق و

پیشرفته جراحی گرفت و بآن ترسایا استخوان و داغ کردن آن نیز بزمان آمد. داغ کردن قسمت‌های آسیب دیده جمعه‌ها

(موخا) بعیت یک روش جراحی بیشتر توسط ترکها در این حوزه بکار می‌رفت اما بعدا مردم بلغاریا آنرا در سراسر بالکان رواج دادند. آنها برای داغ کردن واژ بین بردن

عوارض مرضی از ریشه بویا، شمش آلوده با حری و انواع دیگر روغن باب کار می‌گرفتند

همچنان گیاهها و سبزی باب بعیت وسیله بیوشی بکار گرفته میشد.

چون در جنگ‌ها سر و جمعه جنگجویان بیشتر صدمه و جراحت بر میداشت، لذا ضرورت تدوین عاجل و عملیات آن به

اصطلاح امروزی جراحی جمعه از یادانکشاف داد و وسایل جدید طبی در خدمت گرفته شد.

یک جمعه مربوط قرن ۸ و ۹ میلادی که از سوییچ بدست آمده و توسط دانشمندی بنام بوریف مورد کاوش علمی قرار گرفته است، بوضاحت نشان می‌دهد که با مهارت تمام

قسمت آسپا دیده آن جراحی شد و تدوین گردیده است عمق قسمت جراحی شده این

جمعه و شگافتن منظم آن نشان می‌دهد که جراحان آنوقت بلغاریا در این رشته پیشرفت

خوبی کرده بودند.

نصوبری از یک محقق و طبی دوره‌های باستانی بلغاریا.

دانشورهای بلغاریا - سوار، زوگین و بلیار ساخته شد.

کاونسای که در قسمت پائین وسط یکی از بناهای معتبر آن زمان بنام قصر سفید صورت گرفته، نشان می‌دهد که این

قصر دارای تسهیلات مرکز گرمی بوده است. همچنان در فرشی این قصر تل‌های سفالین وجود دارد که از آنها آب بصورت افقی و عمودی بهر طرف جریان می‌یافت.

بقایای عین سیستم در شهر بلیار نیز پیدا شده است. خصوصا مرکز گرمی آن از نمونه مرکز گرمی می‌باشد که قبلا در مین هانزا بکار می‌بردند.

همچنان تسهیلات و قایوی و بهداشتی به پیمان و سیم در مراکز شهرهای پلینکا و برسلاف بلغاریا وجود داشته است. در بخش غربی قصر کوچک پلینکا و برسلاف بلغاریا وجود داشته است. در بخش غربی

قصر کوچک پلینکا کارشناسان بلغاریای منازل بزرگ آبی، دو حوض و یک مرکز مواد فاضله ساخته بودند که بخشی از

ساختمان این قصر را تشکیل میداد و حوض‌ها چنان پخته و اساسی ساخته شده بود که از آن هرگز آب نفوذ کرده نمی‌توانست

تسهیلات رسانیدن آب، گرم ساختن منزل و حمام تقریبا جزء هر محل مسکونی آنوقت بود.

گسترش خدمات بهداشتی نسل‌های بنیانگذار بلغاریای امروز، در مروت زمان شیوه‌های متنوع سازی شستن و جود را از



یک نمونه از کار های میناتوروی حیدری

معرفی میناتورویست جوان



نورعلی (حیدری)

نورعلی حیدری نام دارد در قریه ساداب و مملو از گل وریاحین خدای ترگمن سوخ پارسا دیده به جهان گشوده است. حیدری که تحصیلات ابتدائی خود را در مکتب خدای تعلیمات متوسط خویش را تاصنف دوازده در کابل تکمیل کرده است فعلا بعیث معاون توزیع کتاب خانه عامه کابل مصروف کار است.

وی که آرزوی زیاد تحصیلات عالی را بدل می پروراند به نسبت ضعف اقتصادی نتوانست به آرزویش برسد وی جوانی است متواضع خوش معاشرت و پابند بوظیفه و مسلک، حیدری از طفولیت که هنوز در صوف

هوای فرحبخش، زیبایی های طبیعت کشور ما در جهان نظیر ندارد و این خصوصیت طبیعی باعث گردیده است استعداد های شگرف در رشته های فرهنگ و ادب پرورش یابد و به رشد کمال و جوانی برسد، استعداد های چوسان در هر کنج و کنار و طن عزیز موجود است و بدون شک به اندک تقدیر و نوازش و پرورش قیاد می- کند، وادی های سر سبز و ساداب، آبشاران نوحه گر و دم ساز فضای صاف و نوره ظام همه هنر آفرین است، چه بسا استعداد های که بدون رهت و استاد از طبیعت الهام می گیرند و در خلق آثار با عظمت باعث اعجاب دیگران می گردد، از زمره همجو گامهای طبیعی و خود رو از گلی نام می بریم که در دامان وادی های پر جلال و عظمت بامیان، پرورش یافته و کمال هنری خود را از طبیعت باز یافته، این هنر منده

ابتدائی کسب علم میکرد، به رسامی و نقاشی علاقه داشت و کماشای با کسین تصویر و صورت طبیعت عکس هنر مندی خود را فرو می نشاند، و لی این استعداد همواره با وی بود و از چند وقت بابتطرف است که در خلال کار های رسمی به ترسیم تا بلوی های میناتوروی مبادرت می ورزد وی از مکتب بهرژاد نقاش معروف و استاد بی نظیر گتور در قرن نهم پیروی می کند، بدون تردید این هنرمند با استعداد جوان به پشتکار خود

از مجله زنان شوروی ترجمه از : نیا زمحمد ((سلووی))

حیوانات دست آورد هنری یک آرتیست هندی سخن میگویند!

سعدی، نظا می، پو شکین و یو فسکی را اظهار و بیان میدار ارزش کار هنری آینه آهو



چندی قبل نمایش رستمهای که از ظرف هنر مند هندی بنا م آمده آهو جا تهیه شده بود در اطاق دوستی مسکو بمعرض نما یش گذاشته شده و توجه علاقه مندان هنر و دوستان را ن حرفوی را بخود جلب نمود.

نقطه جالب در کار هنری آینه آهو بود:

شکل ترکیب و شیوه رنگ آمیزی و شکل خیلی عادی و ابتدائی را دارد. طور مثال اگر در وسط سالون بیننده قرار میگیرد و به دور اندر نندار تون نظر اندازی نماید به سهولت میتواند تمام ساختمان حیوان و بریده های نقاشی شده را با استفاد شیوه خاص که بکمک رنگ هندی بکار برده ببیند. آینه آهو جابه شیوه و سبک سابقه

دودمان حیوانات را بشکل حقیقی و واقعی آن مجسم و خلق مینماید اما شایسته بخوبی میتواند درک نماید که حیوانات و پرند ها شروع بگپ زدن مینماید، و آنها نظر متفکرین بزرگ را مانند

آینه آهو جا آرتیست هنر بالباس کنوا تس (الباس مخصو رسامی)



نمونه از هنر آئینه آخوجا هنر مندهندوستانی که در آفرینش هنر خود از حروف دیو-عربی و روسی استفاده نموده است.

کو لو ز یا کیلا ز (تصویری که از ترکیب طور غیر عادی پا رجهای کاغذ، تکه و ساخته گندم ساخته شده با شد) یکی از اشکال مشکل آرت است که از عهده این کار تعداد محدودی مو قفا نه بر آمده میتوانند هنر مند جوان بنام و کتور یا دو لسینا که از نما یشکا ه دین هنر مسلط است آئینه در اجرای بعمل آورد در باره هنر آئینه گفت این هنر از مهارت خاصی بابکار

اندا ختن انگشتان ما هر زنا نه خود از سنگهای خورد و ریزه برگ ها، ملمع کاری و پر قو طوری استفاده بعمل می آورده که در صورت را از آورد اش به آسانی صورت میگردد .

و من به جرات میتوان گفت که قدرت کار آئینه مرا وادار می سازد که در اجرای امور محوله

خویش با تلاش زیاد کار نمائیم هنر آئینه شامل معانی و پهلوی های مختلف از قبیل احساس حقوق و وظایف، پوشش برای انسانیت، دوستی و تفقد است آئینه در کار هنری خود و ظایف هنری و رنگهای متنوع را مو قفا نه بکار برده است .

۲۳ . ۱۱ . ۶۰

انتقادی بود، وی میگوید که بزبان انگلیسی علاقه خاصی دارم خوشی دارم لغات های جدید انگلیسی را بیرون نویسم و از یاد نماید . یکی از خاطرات واضح تیاتر وی نیز با علاقه وی به انگلیسی ارتباط می گیرد یعنی حینیکه وی چهار سال داشت برای تماشای درام (دومو و جولیت) در تیاتر

سیار شکسپیر رفت و برای مدت زیادی بعد از آن وقت وی و برادر بزرگش یوری در مقابل اقارب شان آنچه را که در تیاتر دیده بودند اکت می کردند ، بدین ترتیب زمانیکه وی طفل بود تیاتر قسمتی از زندگی اش را تشکیل میداد .

بقیه در صفحه ۵۳



یفجیناسیمونووا در اوج شهرت قرارداد.

یفجیناسیمونووا ستاره زیبای

سینمای شوروی

(یفجیناسیمونووا) یک ستاره زیبای و با استعداد سینمای شوروی می باشد که فلم های وی در کشورهای مختلف جهان به نمایش گذاشته شده و شهرت زیادی را کسب نموده است ، وی با گروه ستارگان سینمای شوروی به امریکای لاتین ، فرانسه ، سوئیس ، آسرایلیا ، د نمارک و چکسلواکیا مسافرت های نموده و بگرمی استقبال گردیده است . (سیمونووا) طی یک مصاحبه اظهار داشت که با کارهای خود ادامه خواهد داد و از آن راضی می باشد . وی می افزاید که تنها راه ستاره بودن آموزش و پرورش مداوم وجود و احساسات است . سال گذشته وی در دو فلم رول های اول را بازی نموده و مشغول تئوتینگ دو فلم دیگر بود و اکنون از اینکه کار هایش کم است راحت به نظر میرسد مگر اکتور ها تمایل بغد نیستند و سیمونووا نیز استثنا بوده نمی تواند . پیشه غبط آوری در قدم اول مربوط به توانایی وی در انجام کار هایش و بر آمدن از عهده آن و بلند رفتن به درجات بلند می باشد . حینیکه مردم در باره سیمونووا سخن می زنند همه بغاضبی می آورند که وی اولین بار شامل مکتب تیاتر شوگین گردید و نخستین موفقیت فلمی خود را در سن هفده سالگی بدست

آورد . این کاملاً حقیقت دارد مگر وی هنوز نتوانسته بود که در امتحانات شمولیت نتیجه خوب بدست بیاورد . در ابتدا وی به مانند یک دختر عادی با قامت کوتاه، اندام لاغر و رخسار کوچک و آواز ضعیف بود و کسی نمی توانست امیدی به پیروزی او داشته باشد . تنها چیزیکه وی را از این حالت نجات داد جسارت وی بود چنانچه بعد از خواندن یک آواز مقبول توانست استعداد خود را در شعر خوانی ، نظم و نثر و تشریح واقعات به اثبات برساند و لی با آنهم سال اول برایش به مانند شکستهای بود زیرا تردید و فشار مداوم بر اعصابش می آمد . در این حالات معلم کورس بوی کمک می کرد زیرا مربی وی (یوری کاتین یارتسیو) می دانست که سیمونووا به خواندن انگلیسی علاقه دارد و درین هنگام خود را تحت احساس میکند زیرا تعریف یک زبان خارجی وی را آسوده خاطر می ساخت و باین کار ناواحتی سیمونووا بر طرف می گردید .

سیمونووا اعتراف می کند که اگر وی قادر به کسب موفقیت در امتحان مکتب تیاتر شوگین نمی شد در آن صورت شامل انستیتوت پداگوژی می شد تا یک معلم و باینکه ترجمان شود مانند مادرش که وی نیز معلم زبان



از مجله وورلد هیلت

مترجم: علی زاد

مبارزه مردمان جهان علیه امراض کشند دساری که باعث وفيات مليونها طفل در سال میشوند پير و زنده نیست

این خدمات شایسته جزء اساسی
و عمده کمکهای اولیه حفظ الصحی
و یک سترا تژی کاملاً نو یی
انقلابی جهان تطبیق پیروزمندانه
اعلامیه سازمان صحی جهان که
در آن گفته شده :

((صحت برای همه تاسال دو
هزار عیسوی)) تلقی میکرد .
هم اکنون پروگرام وسیع معال
فیتی بر ضد شش بیماری (زمان
طفولیت (دیفتیری ، میاه سوفه ،
تیتانوس سرخکان ، فلج
اطفال و تو برکلوز (سل) روی
دست است که مطابق به آن تمامی
کشورها خواهند توانست از
واکسینهای ضد بیماریها ی
فوق الذکر استفاده لازم نموده
همچنان زمینه تحقیقات بیشتر را

بسان سالهای گذشته در سال
جاری نیز در کشور های در حال
رشد میلیونها طفل از اثر امراض
ساری که در کشور های انکشاف
یا فته کاملاً از بین رفته اند
جانهای شیرین شان را از دست
خواهند داد . جهت از بین بردن
این نابرابری اشکار تمامی ملل
عضو سازمان صحی جهان هر
گونه آماده گیشان را جهت
تدارک خدمات معافیت برای
هر کودک در سراسر جهان تا
سال ۱۹۹۰ ابراز داشته اند که

در کشور های در حال رشد به
اندازه زیاد است که حتی در کشور
های انکشاف یافته غیر قابل
قبول پنداشته میشود . بنا سبب
با ید گفت که در سایر کشور های
در حال رشد هنوز هم والدین ،
کارکنان صحی و رهبران سیاسی
دوام این تراژیدی را عادی مینندارند
و با وجود ارزانی و تسهیلات لازم
دسترسى به خدمات معافیتی
ناهنوز فقط برای کمتر از ده
صد هشتاد میلیون طفلی که
سالها نه در کشور های رو به
انکشاف چشم بجهان میگردانند
امکان استفاده از خدمات معافیتی
میسر است .

قابل یادآوری مینماید که از
جمله شش بیماری ساری و معال
فیت دهند برای اطفال که در
وفیات اطفال بیش از دیگران
پیشمی جسته اند عبارتند از سر
خکان سیاه سرقه و تیتانوس
اطفال نو زاد . طوریکه در حدود
یک تا ده درصد وفيات اطفال
در کشور های در حال رشد از
اثر دو مرض اولی بوجود رسیده
و بعضاً بیشتر از آنهم (۱ لبتیه
نزد اطفال خورد سال ترواطفا
لیکه تغذی درست نشده باشند)
دید میشود . تیتانوس اطفال
نو زاد کمتر از دو فیصد وفيات
اطفال را سبب شده مگر در حدود
هفتاد تا نود درصد اطفال کشور
های در حال رشد از اثر بیماریهای
کوناکون مکرر بی چشم از جهان
میپوشند .

پولیو میلیت (فلج اطفال) فلج
کننده ترین بیماری اطفال بشمار
میرود .

"بیماری دیگر یک حیات اطفال
را (بیشتر اطفال کشور های
در حال رشد را) تهدید میکند
که عامل مرضی آن با سیل کوخ
میباشد با سیل کوخ میتوانند در
اعضای مختلف بدن تو وضع نموده
باعث مصاب شدن عضو مربوط
به مرض تو برکلوز (سل)
گردد که میتوان بطور مثال از تو
برکلوز ریه ها ، تو برکلوز امعاء
التهاب تو برکلوز يك سحایاو
غیره نام برد .

در جهت تهیه واکسینهای جدید
ترو موثرتر مساعد گردانند
قابل یاد دهانی مینماید که
سالها نه بر علاوه پنج میلیون
طفل که حیات شیرین شان از
اثر شش مرض ساری فوق الذکر
از دست میدهند تعداد زیاد اطفال
به فلج ، کوری ، تاخر عقلی و
معیوبیت های گوناگون نیز
مصاب میشوند و بدینتر تیب
تا بایان عمر با رد و شجاعت
شان میباشند . این ر قسم

لازم مینماید تا تمامی سرویسهای مربوطه معا فیتی فعالیتهایشان را برای سالیان متعددی بصورت پیگیر و بلا وقفه دنبال نمایند و از همین است که در تمام کشور های جهان سرویسهای انجام خدمات معا فیتی جزء مراکز حمایت صحت طفل و مادر گردیده است ارزش و اهمیت این ضم گرددن سرویسهای انجام خدمات معا فیت کتلی را با مراکز حمایت صحت طفل و مادر اینست که حمایت

تعهد اساسی عبارت از آنست تا تمامی کشور تعهد نمایند که تا سال ۱۹۹۰ عیسوی مخارج سرویسهای معا فیتی را برای کلیه اطفال کشور های شان از بودجه ملی شان تدارک ببینند همچنان باید یک اداره پروگرام و مرکز حمایتی برای هر پروگرام ملی اختصاص یابد، قدم دوم پروگرام عبارت از پیاده نمودن ضمایم و جزئیات پلانهای که به تطبیق کامل و پیروز مندانه پروگرام می انجامد می باشد.

بعمل آمد با اینکه سالها نه در حدود یکصد هزار طفلیکه کمتر از پنجسال عمدا رند جانهای شیرین خود را از اثر این مرض اذست میدهند کمر دیده میشوند.

یک چلچسرو شست ساز:
آیا چگونه میتوان این وضع را بهبود بخشید؟

تمامی کشور های در حال رشد سخت در تلاش اند تا خدمات معا فیتی را برای تمامی اطفال جوان معشان بدون در نظر داشت تبعیضات نژادی، ملی قبیله و غیره

گرچه تو بر کلو ز در مر حله ابتدائی خود نزد اطفال اعراض نشان نمیدهد مگر میتواند بعد از گذشت چند سال باعث یک بیماری فعال تو بر کلو ز یک معیوبیت و یا مرگ طفلی گردد. مرض تو بر کلو ز (سل) با سه و نیم میلیون واقعه جدید در سال و وفیات نیم میلیون نفر در سال بسان یک معضله عمده صحت ثابت و پابرجا باقی مانده است. گرچه با تطبیق واکسین (بی سی جی)



در تمامی کشور های جهان سرویسهای انجام خدمات معا فیتی جزء مراکز حمایت صحت طفل و مادر گردیده است.

صحت طفل و مادر بدون معا فیت ناممکن میباشد، نقش سال زمان صحتی جهان در تطبیق موافقانه پروگرام معا فیت کتلی در سطح جهانی، منطقوی و کشوری بسان یک کتلیست میباشد. سال زمان مزبور جوانی نیازها و خواستههای خاص کشور های عضو که موجب تطبیق پیروز مندانه پروگرام معا فیت کتلی بیسو به جهانی میگردد میباشد.

این برنامه نه تنها برای ایجاد یک اداره سال جهت تطبیق موافقانه پروگرام ضروری بوده بلکه نمایندگان بین المللی و کشورهای که در جهت تطبیق کتلی بیسو به جهانی از قبول هیچگونه مساعی و مساعدت های قوای بشری، فنی و اقتصادی دریغ ننموده و نمی نمایند با نفع و سودمند میباشد. گفت که جهت تطبیق هر چه موافقانه تر پروگرام معا فیت کتلی

تأمین نمایند. که جهت نیل به هدف والا و انسانی فقط به تدارک خدمات ساده و ارزان بهای برای همه ضروری پنداشته شده و به مصارف کمر شکن اقتصادی و برای طرح و ساختن کمپلکس های عصری تکنولوژی طبی کوچتری نیاز احساس نمیشود و میتواند با پرسوئل رسیده تعهد ملی برای تطبیق سرتاسری پروگرام به این مأمول دسترس سی حاصل کرد.

یتوان خود و اطفال خود را در قابل مرض سل و قایه نمود اگر از باعث اینکه مرض برای مدت زمان طولانی از نظر و شیده میماند اغلبا واکسین بی سی جی (برخلاف واکسینهای دیگر که خیلی ها زود اثر میکنند) بعد از گذشت چند سال تولید میگردد. واقعات بیماری و وفیات صله از دیفتری بمقایسه ماریهای که از آنها فو قانده کار

مبارزه خلق فلسطین...

داده شود در مورد من فیصله صادر نمود و برایم قرائت گردید مرا بزندانها شکلو انتقال و مدت هفت سال را در زندان مذکور سپری نمودم. شرایط زندگی در داخل زندان خیلی طاقت فرسا و پیش آمد زندانیان نا غیر قابل تحمل بود. مقامات مسئول زندان از همه زندانیان تقاضا داشتند تا در ورکشاپ زندان کار نموده و سهم از زنده را در تولید بازی کنند. کسانیکه از این امر سرکشی می نمودند جدا مجازات میکردید. یکی از روزها عمر شالا بی که یک زندانی بود از رفتن به ورکشاپ سر باز زد پولیس زندان به دست و کوب مزید او را مجبور ساخت تا در ورکشاپ کار کند و قتی او به ورکشاپ رفت یک ساله من مهم برقرار شکستند که پولیس زندان او را نزد جستر فیلد مدیر زندان برد و مدیر مذکور او را بحدی شکنجه داد که بیسوی گردید و بعد از چند روز جان سپرد. مقامات ذیصلاح زندان بعوض اینکه فالتین عمر شالا بی را مجازات نماید و از آنها باز پرس نماید نو نی کنند آنها را مورد مکافات قرار داد. اینست بر خور دضد انسانی و خلاف کرامت بشری صهیونیزم که از پشتیبانی بیدریغ امپریالیزم امریکا که داد از حقوق بشر میزند در مقابل مردم ما نیکه از خانه و وطن بزور را نده شده و بخاطر احقاق حقوق خود مبارزه عادلانه را برانداخته اند.

اعتصاب غذا ئی -

در ۱۱ دسمبر ۱۹۷۶ ما دست به اعتصاب غذا ئی زدیم. خواسته های ما این بود که تمام زندانی های مریی و زخمی که منهد شامل آنها بودم آزاد گردیده و زندانیان در پیش آمد خشن خود تجدید نظر نموده و نیز قاتلین عمر شالا بی محاکمه شوند. مقامات مسئول زندان به منظور فریب مزید ما بعضی اصلاحات را که جنبه ظاهری فریبی داشت بوجود آورد.

ولی چون ما از اعمال خائنه

نشد که در نتیجه آن مبارزینیکه بدیگر زندان منتقل گردیده بودند نیز دست به اعتصاب زدند.

که این اعتصاب تا ۳۴ جنوری ۱۹۷۷ نظر به امر کمیته ذیصلاح که از طرف زندانیان تعیین شده بود ادامه پیدا کرد. چون مدیر زندان بخواسته های ما عمل نکرد با رد یگر در ۳۴ فبروری اعلان اعتصاب کردیم که اضافه از بیست روز دوا م کرد تا اینکه به بعضی از تقاضا های ما پاسخ مثبت داده شد. در داخل زندان تعامل چنین بود که معمولاً خبر نگاران خارجی و صهیونیستی بملاقات زندانیان میامدند که مدیر زندان یک زندانی را میجو ست تا به سوال خبر نگاران مطابق منافع صهیونیزم و امپریالیزم جواب بگو یند. اگر زندانی خلاف گفته مدیر یا معاون زندان در حضور خبرنگار چیزی میگفت که مغایر با لیس صهیونیزم می بود بعد از اینکه خبرنگار آن صحنه زندان را ترک میکردند مدیر زندان زندانی را حرا سه و سدی او را لیت و کوب می نمود.

من در زندان بیر شیب بودم که خبر آزادی خود را شنیدم طوری که در یکی از روزها پولیس به اطاق ما آمده مرا و سه زندانی دیگر را صدا زد تا به اطاق دیگر رفته و کالاهای خود را تبهیل کنیم. بعد از آن در حالیکه دست و پای ما بسته بود ما را در یک مو تر نظامی انداختند و مو تر بحرکت افتاده و در دهن

در واژه بزرگ زندان ما را ز

ساعت ۳:۰۸ - شب رانشان میداد در بین مو تر ما آواز عسا کر را شنیدیم که را جع به شکنجه ما تبصره میکردند. ولی یک افسر برای شان گفت که از شکنجه ما صرف نظر نمایند زیرا نماینده صلیب سرخ بین المللی آنها را چک خواهند نمود. مو تر در یک محل نامعلوم توقف و ما مدت ۹ دقیقه در بین مو تر انتظار ماندیم. بعد از آن یک نماینده صلیب سرخ بمو تر داخل شده و گفت که ((ما در بدل رها ئی عسا کر اسرا ئیلی که در چنگ مبارزین فلسطین میباشند رها خوا هییم شد.)) و نیز برای ما اخطار داد که هر گونه رویه خصمانه برضد عسا کر اسرا ئیلی خود داری نمایم در غیر آن آزادی ما به تعویق خواهد افتید. بعد از چهار روز انتظار با الا خره لحظه انتظار به آخر رسید و در حالیکه دست و پا و چشمان ما بسته بود وارد میدان هوا ئی شده و داخل طیاره شدیم و طیاره وارد میدان هوا ئی زینو گردید و با یتر نیب درام زندانی بودن من بدست دشمن در حالیکه بیانی خود را در نتیجه اعمال غیر انسانی صهیونیست ها از دست داده بودم امید آزادی میهن عزیزم از دست صهیونیزم و امپریالیزم و تاسیس یک فلسطین آزاد و مستقل خان

این رسم تست...

با پیکری استخوانی و جوی های گلگون که از میج های تو جاریست. (۱) از خسرو گل سرخی، کتابی به اسم (سیاست شعر، سیاست هنر) اخیراً تجدید چاپ شده و عطفه گر گین همسر پیکا رجوی هنرمندش پا ره یی از شعر های چاپ نشده همسر مهر ما نشر را نیز انتشار داده است، با نقل شعر کاملی از گل سرخی، یاد او را گرامی میداریم:

(۱) ولاد یمیر مایا کو فسکی
شاعر انقلابی شوروی (۱۸۹۳-۱۹۳۰)

بر سینه ات تشبیه
زخم عمیق کاری دشمن
اما،
تو سرو ایستاده نیستادی
این رسم تست که استاده گیری
در تو ترانه های خنجر و خون
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرو دفتح
این گونه چشم های تو روشن
هرگز نبود است!!
با خون تو،
میدان تو پخانه
در خشم خلق
بیدار می شود.
مردم، از آن سوی تو پخانه،

بدین سوی
سر ریز می کنند،
نان و گرسنگی
به بساوی، نفسیم می شود
ای سرو ایستاده!
این سرگ تست که
سازد.
دشمن دیوار می کشد
این عا بران خوب ستم بر-
نام ترا،
این عا بران ژنده نمی دانند
و این دریغ هست، اما:
روزی که خلق بیدارند
هر قطره خون تو محراب
شود!

(ختم)
ژوندون

زنان در اتحاد شوروی

لایزم نیز بر مبنای درستی صورت خواهد پذیرفت.))

حزب کمونسو و دولت شوروی به حل و فصل مشکلات و پراپلم ها و مسایل زنان در کلیه امور ساختن یک جامعه سوسیالیستی، توجه عمیق و خاصی مینماید. در همه و بر مبنای دیگر گونی کلی قیافه اجتماع را به حل مسائل و مشکلات و پراپلم های زنان را پیدا نموده و کارهای خلاق و موثر و مساوی آفرین را در جهت رفع نیازمندی ها و خوشبختی زنان انجام داده است.

هر قانونی و مقرره ای اتحاد شوروی که طی سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۲۴ و ۱۹۳۶ بار تباطر مر حله ای معین ساختن جامعه سوسیالیستی بپایان آمده بودند اثر موثری در بهبود زندگی زنان داشته است.

اتحاد شوروی تطبیق حقوق زنان کارگر از طرف یک هیأت مخصوص - ص و با صلاحیت نظارت و کنترل میگرد. یعنی بوسیله نمایندگان مردم اتحاد شوروی شعبات حقوق و اتحادیه های تجاری و همچنین کمیسیون های عامل کار زنان و بهبود شرایط زنانه گس اطفال و مادران که زیر نظر شورای عالی اتحاد شوروی فعالیت میکند. موظف است تا تطبیق حقوق زنان را در جلسه شورای عالی اتحادیه جمهوری خود مختار دوا یر و موسسات اتحاد شوروی تعقیب نماید و بهبود شرایط زنانه گس زنان کارگر را همیشه مد نظر

داشته باشد. قانون اساسی اتحاد شوروی، برای تمام اتباع اتحاد شوروی حق صحت سالم را تضمین میدارد. زنان کارگر از تداوی صحی مستقیم در مو - سسات فابریکات خود در کلنیک ها و مراکز صحتی اتحادیه های تجاری و غیره برخوردارند. هنگامیکه زنان کارگر در حین کار آسیب ببینند و یا خطری متوجه آنها گردد طبق توصیه دا کتر آن بوظایف سهل و ساده گمارده میشوند. در سال ۱۹۷۷ سناتوریم مراکز استراحت و کمپ های توریستی جوان بگویی پنجاه میلیون کارگر و اعضای خانواده های شان بودند

بقیه صفحه ۴۳

اشتراک در اولین...

اوپس بر جای نشیست و من ازین چوکی برخاستم و پشت چوکی لا فوک ها نشیستم.

آن جادو لا فوک چنان مصروف گفتگو بودند که در دهن هر کدام شان هشتماد مکس داخل شده بود و آنها خبر نداشتند.

اولی می گفت: من در تمام جهان سفر کرده ام و کویچه کویچه ای هر مملکت را دیده هستم.

دومی گفت: به فرانسسه هم سفر کرده ای؟

اولی با غرور خاصی جواب داد:

در فرانسسه آنقدر آشنا هستم که حتی نام تمام نفوس آنرا بیا نمره خانه های شان یاد دارم.

دومی باز پرسید: خیر جغرافیه را خوب بلد هستی؟

اولی سرش را خارانده و پاسخ داد: ها - هشت ماهه در جغرافیه هم زندگی کرده ام.

من تعجب نمودم که این جغرافیه کدام مملکت یا شهر است که این

جلالتماب هشت ماهه در آن زندگی کرده.

طافتم طاق شد از او پرسیدم:

می بخشی جناب این شهر جغرافیه در کجا واقع است که شما آنجا سفر کرده اید؟

رنگ این لا فوک مانند مرغ تازه، سرخ و سبز شد و برای اینکه کم نیامده باشد قو را اش را یک رقم کرده گفت:

عجب آدمی هستید، شما خبر ندارید که جغرافیه در کجا واقع است، جغرافیه برا عظم بزرگی است که در پهلو کو تل خیرخانه موقعیت دارد.

ازین جواب سرم گیج شد و نزد یک بود که ضعف کتم اما صدای بلند دو درو غگو مرا بخود آورد که یکی بد یگری می گفت:

من در افریقا چندین ببار را کشتم.

دومی گفت: افریقا خوب برب ندارد

قوانین که در سال ۱۹۷۷ در اتحاد شوروی به تصویب رسید موافقت ها و پیروزی های سوسیالیزم را، قانونا در مورد برای مساوات کلیه زنان با مردان در حیات اجتماعی، سوسیالیستی، فامیلی و کار تضمین میدارد. آنچه که امروز از همه چشمگیر تر است عبارت از کمک های مادی است که به زنان بخصوص مادران صورت میگیرد.

برخورداری از فرصت های مساعد و امتیازات در جمله تضمین های مساوات و برای زنان در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت گردیده یکی هم برای استفاده در کار استخدا م است. شرکت زنان در کارهای مفید و مولد اجتماعی منجر به آن میشود که از یکطرف زنان از نگاه اقتصادی مستقل و آزاد شوند و از جانبی اساس حقیقی و واقعی، برابری زنان با مردان محکمتر گردد. در اتحاد شوروی، حق و حقوق هر تبعه ای آن سرزمین، بشمول مرد و زن توسط ملکیت عامه و وسایل تولید و تشکیلات سوسیالیستی طرح و تضمین گردیده است. در اتحاد شوروی

اولی جواب داد: عجیب آدمی احققی هستی، درست است که افریقا برب ندارد زیرا همه آنرا من کشتم.

از شنیدن این گپ های بی سر و پا نزدیک بود که دیوانه شوم.

اما از همه بدتر که در یوریل ما سر کرده لا فوک ها بود. او ریل را چنان به تند می دو اند که سه برابر سرعت طیاره جت. از سرعت زیاد هر چه او را منع کردیم اما قبول نکرد - تا اینکه وای وای تا اینکه ریل خنده از قطار خارج و شد یداً با یک کراچی تکر کرد ازین تصادم سرم بشدت به کله نفر پهلو یم خورد و درد شدیدی را در سرم احساس کردم.

اما خوشبختانه که در همین هنگام حساس بود که از خواب بیدار شدم.

ولی بعد از بیداری متوجه گردیدم که هیچ کاری نشده و فقط سرم به دیوار خانه خورده است.

پایان

خاتون کله ورژید؟

۱۳۵ مخ پاتی

دوی یوه درنده او له عزت نه ډکه سوله او او روغه جوړه غواړي، داسې روغه چي د هغوی لپاره همیشني او دهغوی په گټه وي... یوه عادلانه سوله... که پرون مو د داسې سوله کوله چي ددوه تر بر و نو د اختلاف اوازی بی را ته، نن دیو و وطن، د یوه ولس لپاره سوله غواړو... د عزت سوله او همیشني سوله... داسې سوله چي نور یی څوک ما ته نکړی شي...

انقلاب داسې سوله را وستل غواړي چي ملک یی تر سیوری لاندی آرام او ودان شي، څوک په چا تیری و نکړی، څوک د چاپر حق خپه وانه چوی او څوک د بل چا تر پښو لاندی کول خپل پلار نی حق و نه گڼی... داسې سوله چي زموږ د زیارا ایستونکو د عزت شمله پکي لو په او او چته شي او س و پوهیدي چي و لی دولس نه غواړی ستا او د (صیب) په شان کسانو پیشنهادی سوله ومنی... ځکه چي د زیارا ایستونکو سرونه بیاد هغوی مز دوری او غلامی ته ټیټوی... او دا سسم هغه کار دی چي انقلاب خلکو ته حق ورکړی چي مخالفت ورسره وکړی او پرته له ویری او ډاره مخالفت ورسره وکړی...

دلال بین به رها کی د بزگرانو هیښی او حیرانی څیری دسورکی خبرو ته بر یښید لی ځکه داوخت سور کی داسی خبری کولی چي دپو لو بزگرانو په زړو نو او عقلو نو کی وی خو بیا نولسی یی نشوی...

خو شیبی چو پیتا را غله. خو زرغون شاه آدم خان ته وکتل او دواړه یا خپل... نو لو په تعجب سره هغوی ته وکتل. خو باز گل ناری کړی:

— هلكو تاسو چیر ی پا خیدی... جرگه خوند ه ختمه شوی! زرغون شاه او آدم خان په پښوو دریدل او چي غوښتل یی روان شي نو سور کی ورو خپل ځنگ ته ناست خلمی خواته اشاره وکړه او بیا یی وویل: سوړو نو زرغون شاه او آدم خان هیڅ چیر ی تللی نه شي... هغوی به د پښو و نخي د سوړو لو په پښه کی ولس او ناستی جرگی ته صفا یی پیش کوی...

یو ځل بیا د بزگرانو په منځ کی گټه گو په شوه. او له بلسی خوا آدم خان او زرغون شاه یو بل ته په تشویش سره وکتل خو په همدی کی دروازه خلاصه شوه او د انقلاب د دفاع د کمیټی ددو تنو ملگرو په منځ کی یو سن ددو یرور سړی چي کا په بریت او سړی سړی سترگی یی وی او دنگه جگه ونه یی درلوده، حجری ته رانه ایستل شو...

پدی کی بیا هم زرغون شاه او آدم خان یو بل ته په ویره ویره سره وکتل او زرغون شاه خپله شو نه تر غاښ لاندی و... حیلله.

او نو لو بزگرانو په یوه آواز او د تعجب له زوره وویل: — څه شی؟ د ((صیب)) ناظر نوری؟!!

د بڼا دی سترگی په یوه معین ټکی باندی نښتی وی او له هغه ټکی څخه نه جلا کیدی. دهغه د تند ی گو نخي د سمند د تورو او بوهانی حبو به څیر یو په بل باندی را تللی او یو په بل کی غو ټه کید لی...

په غوږ و نو کی یی یو شور بکت او کړنگا وه... او دا غږ یسی پرله پسې په غوږ کی په مشخص ډول کړنگیده:

— چي وایه جو اړدی څه کړل؟ ځواب پرته له ځگرو یو څخه بل څخه نه و... بیا هم دلښتو او لرگیو شرقتو نه و چي او ریدل کیدل...

هغه لیدل چي بازک ځنګه پرکې باندی تړل شوی او د لښتو او لرگیو باران یی او ری... د بڼا دی سترگو ته دسروو پښو یو ځا دروغو په یه... هغه وینسی چي د بازک له لوخی شا او ډډو څخه بهید لی او د پوښتیو په امتداد کی یی د کټ منجو نه رنگینول او سره کول...

خو بازک ځنګر ویده او نور غږونه نری خوت! یوه شیبه چو پیتا ځنګه چي د بازک شکنجه کوو نکي سترگی شوی و خو یوه زرغور او ډډ آواز په سد کړ:

— هلكه توریه، خدای دی خوار کړه لکه چي سترگی شوی... وهه دادناو لی او سپیره زوی... چي پوه شی غلا ځنګه ده؟

هو، دا توری و... دلا (صیب) ناظر توری و چي د بڼا دی بزگر زوی یی د دوه متو جوارود غلا په تور لښتو ته تړلی و او د (صیب) په امر یی شکنجه کاوه...

دا تیر کلو نه او له انقلاب نه مخکی کلو نه او هغه وختو نه و چي بڼا دی د (صیب) بزگرو.

هغه او زوی یی بازک د (صیب) په ځمکه کار کاوه او مزدوری یی گالله.

بڼا دی لیدل چي زوی یی شکنجه کیږی خو هیڅ یی نه ویل او نه یی شول و یلی... آخر د (صیب) دا ارادی او امر په مقابل کی چا د مقاومت توان درلود بچا کولی شول چي د هغه مخی ته ودریږی، هغه خپلی مړی مړی او ښکی دخپل لنگو ټی د شملی

په پیڅکله باندی پا کولی او زغم یی کاوه... بڼا دی ته هغه شپه ور پیداشوه چي د یوی ټی رڼا ته یی د زوی سترگی د تل لپاره پټی شوی او سایي و ختله... هو، له بازک نه دومره وینه تللی وه چي نور یی نه شو کولی خپل ژوند ته دوام ورکړی... بازک مړ شوی و... خو دا چاوړلی و؟

یو ځل د بڼا دی په اندامو نو کی ریږ د پیدا پیدا شوه. د توفانی څپو په څیر و خو ځید له ځایه ولاړ شو او چا کو یی راوکیښ او د توری خوا ته یی ودا نکل... خو په هوا کی یی چاله لاسه چا کو واخیست او په ځای یی کښیناوه.

دا سور کی و چي د بڼا دی حال ته یی سرله اوله توجه وه چي ځنګه د خپل زوی قاتل، توری ته یی سرله اوله توجه وه چي په لټه کی شوی و. بڼا دی چیغه کړه:

— پری می ږدی چي زه لدغه قاتل څخه د خپل زوی کسات واخلم... خو سور کی وویل:

— بڼا دیه په ځای دی کښینه...

که موږ هر یو پر خپل قهر او غوسی باندی قابو نه شو او که موږ هر یو په ځانگړی توگه د غچ اخیستو په لټه کی شو ددی وطن دد ښمنانو څخه به د خپل کړول شوی و لس غچ څنګه واخلو... موغواړو ډله ییز غچ واخلو...

موږ غواړو چي له زور او ستم له لوت او تالان او تالا نگر و څخه ډله ییز غچ واخلو...

انقلاب به د زرگو نسوما شو ما نو، تور سرو او سپین سرو او بی دفاع خلکو غچ له ټولو لو ټمار و څخه واخلي اودا به ډیر عادلانه کسات وی...

چرا خواستم نویسنده شوم؟

انسان بنا بر خاصیت ذاتی که دارد در برابر تماس هایی که بسا محیط و دیگران می گیرد به گونه یی بر داشت های خورد و بزرگ می نماید، گاه متوجه می شود که این تماس ها بروی چه اثر نموده و گاهی هم ممکن متوجه نگردد.

چیزی که من فکر می کنم این است که انسان چون يك موجود اجتماعیت گاهی دلش می خواهد بر داشت های خود را، نوعی انتقال دهد یا تجربه هایش را برای دیگران اظهار دارد، به ویژه گاهی که فوق العادگی شخصی در عمل اشکار باشد.

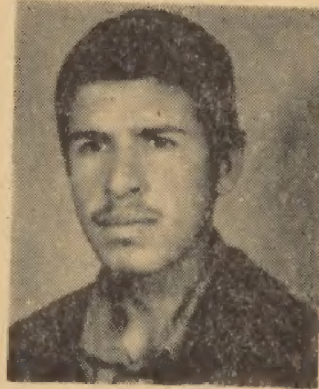
من هم گذشته از این که جوانی هستم و باید سوییۀ علمی و ادبی بلند و بلند تر باشد، ضمن برخورد ها و بر داشت های خود از اجتماع آرزوی نقل و بازگفتن این برداشت ها را برای دیگران دارم.

گاهی که بخشی از مردم را که می دیدم چنین می پنداشتم که آنها از من هم خواب برده تر اند بنا بر این، خود را مجبور احساس می کردم که چیزی بگویم یا ننویسم.

اگر کمی اظهار خود ستایی کنم، نوشته خواهم کرد که من حتی در دوران کودکی نیز دارای علاقه فراوان نسبت به نویسندگی و شاعری بودم و استعداد کم و بیش هم درین قسمت حس می کردم که ممکن این دو دست به دست هم داده مرا وادار به رفتن درین راه نموده، یا ممکن است که تشویق دوستان و اعضای خانواده و یا چیزی دیگری درین باره پائین کرده مرا همتا گردیدند.

من فکر می کنم که از راه نویسندگی در راه روشن کردن افکار و آذهان

گروهی از مردم که متأسفانه آگاهی چندانی در بخشهای مهم زندگی ندارند، میتوان سهم موثر و بارزی داشت. امیدوارم گاهی که برداشته ام ادامه بیابد و من به آرزوی خود برسم.



احمد فرهم

بقیه صفحه ۳۹

یفجینیا سیمو نو...

پدر سیمو نووا يك پرو فیسر و دكتور ساینس و استاد انستیتوت فعالیت های عالی عصبی می باشد. والدین وی می گویند که سیمو نووا آواز خوانی را قبل از آنکه سخن گفتن شروع نماید آغاز کرد. وی به آموزش پیانو علاقه زیاد داشت و بدین ترتیب علاقه زیاد وی به هنر آواز خوانی و سینما باعث این شد که در جوانی وی به حیث يك ستاره زیبا و با استعداد رشد و تبارز نماید.

در ظاهر این زندگی جذاب و آسان بنظر می رسد مگر واقعیت چنین نیست. ز مانیکه وی شانزده سال اول بود از او خواستند

تادرفلم تنها مردان پر به محاربه میروند، ظاهر گردد و درین فلم وی رول يك دختر سال های طافت فرسای جنگ جهانی دوم را بازی می کرد. بعد از آن وی در فلم عصری و جذاب « پرواز به تعویق افتیده » رول مهمی را بازی نموده بود.

درین هنگام وی مجبور بود از يك طرف به دروس خود اشتراك نماید و از جانب دیگر هر شب به يك میدان هوایی مسکو جا نیکه شوتینگ فلم صورت می گرفت و همه شب مادرش وی را تا میدان همراهی میکرد. بعد از ختم شوتینگ وی مدت دو ساعت استراحت میکرد و بعد از آن دو باره به مکتب بالای دروس خویش حاضر می گردید.

این توانایی و پشت گاردی بعد ها توسط دایرکتر (جوجی دا نیلیا) تو صیف گردید.

این دایرکتر می گوید که سیمو نووا دارای استعداد عالی بوده و آنچه رویش باشد به بسیار خوبی می تواند آنرا اجرا نماید. در حالیکه برخی از اکتور ها نمی توانند هر نوع رول را با آزادی، راحتی و د رستی بازی نمایند.

بقیه صفحه ۵

پیوستن به

صفوف...

علاقه و دلگرمی به صفوف توای مسلح رجوع نموده در کمیساری های نظامی و دیگر مراکز مربوط جهت ادای عالیترین و جیبۀ ملی و قانونی شان یعنی سپری نمودن خدمت مقدس عسکری ثبت نام می نمایند و این علاقه و دلگرمی ایشان در پیوستن به صفوف قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در حقیقت شور و شوق آن ها را برتر قی و تعالی وطن و جامعه شان بازگو می کند و در مقابل زوال و نابودی دشمنان انقلاب و وطن و مردم ما را نزد يك تر و حتمی تر می سازد.

پیروزی از آن مردم زحمتکش ما است و شکست و رسوایی از آن دشمنان و نگار نگار مردم افغانستان.

نقش نو جوانان در جامعه

وقتی که انسان در جامعه زندگی میکند، در قبال خدمت به جامعه و مردم خود مسئولیت های دیگری نیز دارد و باید این مسئولیت های خود را بشناسند، و برای کسب پیروزی از راه خدمت به جامعه سعی و تلاش کنند.

نو جوانان که يك نقش جامعه خود را تشکیل میدهند باید وظیفه فعلی خود را در مقابل جامعه و مسایل زندگی بشناسند. وظیفه درجه يك آن ها به خصوص در این موقع حساس تاریخی کشور فرا گرفتن علم و دانش میباشد.

نو جوانان سعی ورزند تا در این وقت هر چه بیشتر بیاموزند، زیرا فردای جامعه و وطن از آنها کار و آبادی میخواهد.

برای نو جوانان لازم است تا همواره مطالعه نموده راه خود را با مشعل علم و دانش روشن بسازند، تاریخ کشور خود را به صورت درست آموخته از شرایط عینی جامعه خود معلومات داشته باشند.

هر نو جوان باید آگاه باشد که فردای جامعه به وی تعلق دارد، بنا بر این، شایسته است که نو جوانان وقت گرانبهای خود را بینوده صرف نموده هر چه بیشتر باید بیاموزند تا در آینده هر چه نیکو تر نسل فردا های کشور را بیاموزند. و افتخارات بزرگی را در تاریخ کشور خود کبابی کنند.



شکریه نورندیش متعلم صنف نهم

آنرا به پیروزی رسانیدند و درفش مبارزه افتخار آمیز و قهرمانانه خود را همچنان بر افراشته نگهداشتند رسالت نو جوانان نیز این است که از انقلاب خود دفاع نموده این درفش آزادی را جاودانه بر افراشته نگهدارند. و افتخاراتی را که به خون هزاران مبارز قهرمان راه نجات انسان زحمتکش کشور به دست آمده حفظ نمایند.

دشواری های همگانی...

مدیر پروگرامهای ملی بس :

همانطوریکه شما اشاره کردید و در جایی از سخن خود گفتید مشکل اساسی که دیگر دشواری ها هم از آن ما میگیرد ، مشکل کمبود بس با توجه به تراکم روزافزون جمعیت در شهر است معاون شاروالی چند لحظه پیش یاد آور شدند که جمعیت اصلی کابل در حدود نیم میلیون نفر است اما اکنون بیش از یک میلیون و دو صد هزار نفر در این شهر زندگی دارند ، طبیعی است که ملی بس به تعدادی سرویس در اختیار دارد که به مشکل بتوان با آن به نیازمندی همین نیم میلیون جمعیت ثابت جواب گفت و از یاد بیش از هفتصد هزار نفر در جمعیت شهری ایجاب میکند که توزیع خدمات شهری و در این شمار خدمات ترا نسپورتی نیز تا یکصد و پنجاه فیصد افزایش یابد که کاری است بسیار مشکل ، ملی بس جمعا در حدود هشتصد عراده سرویس در اختیار دارد که اگر همه ی آن فعال باشد میتواند خدمات خود را برای پنجصد هزار نفر به خوبی فراهم آورد اما از این تعداد همین اکنون متأسفانه اندکی کمتر از چهار صد عراده به دلائل فنی از فعالیت بازداشته شده است که به این حساب ما عملا توانایی توزیع خدمات ترا نسپورتی را برای دو صد و پنجاه تا سیصد هزار نفر را میباشیم اما تعداد استفاده کنندگان درست چهار برابر این تعداد است .

انتقاد شما در مورد استفاده از رانندگان درجه سوم و چهارم کاملاً وارد نیست - ما به کمبود در یو رگر فتریم و در صورتی که برای ما امکان پذیر باشد حتی همه ی رانندگان خود را درجه یک استخدام می کنیم اما مشکل کمی را فند که چرا با مطرح میکنید ، استخدام در یو رهای درجه دوم و سوم کاملاً به اجبار و زناچاری است در مورد رویه ی خشن برخی از رانندگان نیز اغلب ما در این زمینه به آنها توصیه می کنیم و در صورت رسیدن شکایت حتی جریمه شان نیز می کنیم و لسی تصدیق می کنید کم برای ما هم

میسر نیست که برای مرا قبت ازهر راننده یکنفر ما مور را نیز مو ظف بداریم . علت آنکه تکت هم از غرفه ها فروش میگردد و هم در داخل مو تر این است که تعدادی فراوان از راکبین محترم حاضر به خرید تکت نیستند و چاره یی نمیانند جز اینکه اینکار در داخل مو تر عملی گردد و برای تعدادی که بدون تکت سوار مو تر شده اند تکت فروخته شود بیرو بار و بی نظمی پروگرام هم از آنجا ناشی میگردد که از سوپی تعداد سرویس ها کم است و از سوی دیگر پائین و بالا شدن راکبین در ایستگاه ها مدت بیشتر از وقت پیش بینی شده را در بر میگیرد و گرنه برنامه حرکت هر سرویس به دقیقه و ثانیه تعیین شده است .

مورد دیگر انتقاد شما مربوط به این است که با بد تقسیم سرویس ها در خطوط شهری بر اساس احصایه های تخمینی جمعیت در هر محل باشد سخنی کاملاً به جا نیست ولی امکان آن برای ما میسر نیست ما سرویس ها را نظر به ضرورت های که در هر خط مشاهده شود کم و زیاد می کنیم و اینکه گفتید ملی بس به شکایات مردم توجه ندارد من برعکس آنرا ادعا میکنم ملی بس تا جایی که شرایط فنی و پولی اش اجازه میدهد خواهان خدمت گذاری به مردم است و در همه حال میکوشد به شکایات ، نظرات و انتقادات رسیدگی گردد ، اما تا مین همه ی نظرات و از جمله تهیه تعداد کافی بس که جوابگوی نیاز زمندی مادر این زمینه باشد در فرصتی اندک و چند ماه میسر نمیشد و در این زمینه باید مطالعه گردد ، شرایط خریداری سرویس های تازه ، تعیین شود ، برای آن پول تهیه گردد و کمک کشور های دوست جلب شود .

ملی بس همین اکنون از یکسو دست اندر کار تولید پر زده های مورد ضرورت برای بس ها یی است که به دلائل تخنیکی متوقف

اند تا دو باره فعال ساخته شوند و از سوی دیگر طرح خرید تقریباً یکهزار عراده بس تازه را از کشور های دوست اروپای شرقی به مطالعه دارد که با طی مراحل قانونی آن اقدام به خریداری میشود و بدون شک با همین دو اقدام یعنی فعال ساختن بیش از سیصد عراده سرویس غیر فعال یک عراده سرویس جای برای و خریداری یکهزار عراده سرویس تازه همه ی مشکلات و از این ما فند مسایل دیگر .

نوشته : رحمت ((سیاح حمیدی))

چرا امن میهنم را دوست دارم؟

چه دشوار است اگر دستها را توان و تاب این نباشد که آنچرا در ضمیر و در قطر - قطره خون و اعماق احساس و اندیشه ام ، بخاطر و برای وطنم ، بر صفحه کاغذ نقش کند . میدانم که با چند کلمه ، و سوز سارترین و پر بار ترین واژه های جهان هم با شند ، نمیتوان آنچرا نسبت به میهن در نهاد خویش را دریم بازگو کرد و انتقال داد .

ولی دشواری کار رد لیل ناتوانی نمیتواند باشد . پس تلاش میکنم : وطنم را دوست دارم زیرا پدر ها و مادر هایم در آن زیسته اند و پس از مرگ در خاک و آب و بادش جذب شده و فرزندان منم در باغهای اساطیری آینده اش زندگی شانرا تجربه خواهند کرد ، زندگی سبز تر از هر چه سبز و گوارا تر از هر چه باران را .

وطنم را دوست دارم که در بیشه های تاریخش شیر دلی های مردان و زنانش نهفته است و کارنامه های غرور آفرین فرهنگی اش . میهنم را دوست دارم که در کوه های آسمان سایش عقاب های سرکش و بلند پرواز به جای هوا با آزادی زندگی کرده اند و زندگی خواهند کرد .

وطنم را دوست دارم که فصلهایش به شفا فیت و صمیمیت شعر شاعرانش پذیرفتنی و زیباست و طبیعتش طبعیت سوا ی آنچه طبیعت دارد . وطنم را دوست دارم که در دشت ها و مزرعه ها و کارخانه ها و کوه ها را بی مثالش دوست های توانمند انسان به با آفرینی و معجزه گری تلاش دارند و هر یک از این دوست ها اسطوره ای در فردا های کشورم خواهند بود . وطنم را دوست دارم چونکه شرفیست و نامش همچو میترا ی همواره در خشان در تاریخ است .

میهنم را دوست دارم که در نامش جا د وینست به شکوه درخشش خورشید در دریای بیکرانه و صمیمیت بی غش حریر نور مهتاب در نیمه شب بهاری در مزرعه یی سبز که بزرگوار و جانورانش تا بیست و نهم حاصل را خواب می بینند .

وطنم را میپرستم و برایش زندگی میکنم و میپرستم چرا که ما در تن و روان من است . و هیچ موجودی و هیچ نا می را در او و در عمق اندیشه او احساسم برتر از او ندارم و نمی شناسم و تنها شانس برای بودن بعدی منست .

زن فریب...

خورده «اعلام گردید، همه جا صحبت از دوقیمت نما پشنامه بود. کارکنان تماشاخانه همه راحت و شاد بودند، این نما پشنامه مدتها با موفقیت اجرا گردید زنی محبوب تماشاگران و منتقدین شده بود، منتقدینی که اغلب به نابرابری می گرفتند که قهرمانان نما پشنامه ها بیش از اندازه ساده و غیر واقعی اند، این بار قبول کردند که او در بیان عواطف بیشتر از همیشه موفق است. وقتی که بعد از دوازده بار کف زدن ممتد و خواستن هنر پیشه گان سرانجام پرده افتاد و دوستان به پشت پرده نما پشنامه رفتند، منکه به مشکل و آهسته اذر راهرو پر از بیرو باز قدم میزد، گفتگوی تماشاگرانی را که از هر طرف به من فشار وارد می آوردند، می شنیدم بسیاری از آنها قهرمانان واقعی را می شناختند:

— واقعاً عجیب بود، زنی توانست عیناً مانند اوات صحبت کند. — بلی، و این موضوع، بخصوص بیشتر از آن جهت جالب است که این دوزن شباهت چندانی به هم ندارند.

— بر نار را چرا نمی گویی؟ حتی طرز راه رفتنش به خوبی تقلید شده بود.

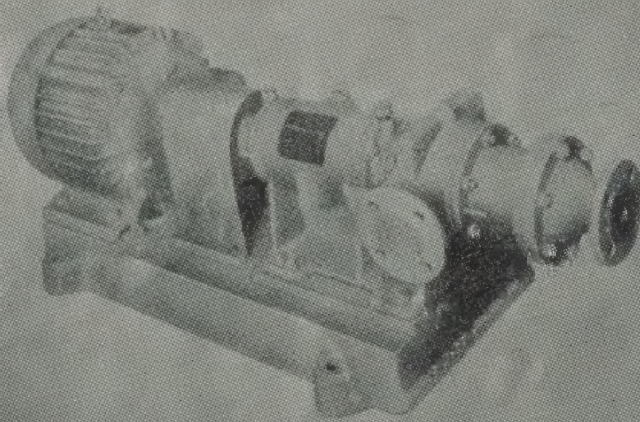
— و جی که مرا با خود میبرد به اتفاق زنی فرود آورد، رو برو اوات هم آنجا بودند، یکی از دوستان بی احتیاط اوات به او گفت.

— از خلال گفتار و رفتار باز یگر میدیدمت.

اوات خنده بی شاد و صدقانه سر داد و گفت:

— من؟ منکه در این ماجرا نقشی ندارم!

تخماش اکسپورت تقدیم میکند



TECHMASHEXPORT * SSSR

بهترین و اتره پها به سائزهای مختلف برای منازل — باغها — مزارع. فابریکات و مؤسسات تکنیکی با تکنیک پیشرفته سرویس کامل و مراقبت دائمی. لطفاً فرمایشات تانرا از طریق نمایندگی تجارتی اتحاد جماهیر شوروی در کابل بسارید.

مدیر مسؤول: راحله راسخ خرمی
معاون: محمد زمان نیکوای

آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس: انصاوی واپ جوار ریاست
مطابع دولتی — کابل

تلفون مدیر مسؤول: ۲۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
تلفون ارتباطی ژوندون ۲۱
سوجوورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱

دولتی مطبعه

— چي؟ پس زوليسـت کـسی کسانـی وجود دارند که هیچ چیز از هنر نمی فهمند.

— زوليسـت شـبا هـتی به من ندارد شو هرش گفت:

— اوات عزیز! — اما نظور که تو شبیه ما دام کاملیا نمی باشی.

و در حالیکه به سوی زنش خم شده بود، او را بو سید، خا نم آستیه در پا ریس نبود، به همین جهت با آنکه دوعدد نکت برايش فرستاده شده بود، در نمايش «زن فریب خورده» حضور نداشت.

— شنیدی، زنکه احمق چه گفت؟

مسجد خواجه پارسا (واقع در بلخ) یکی از بناهای
با ارزش و تاریخی کشور ماست

والمطهر طهرت
آیه الله العظمیٰ آقا محمد باقر
کتاب پر لپسی شماره

